

گفت‌وگو با استاد محمود حکیمی
فرهنگ شیعی را باید با کتاب در کودک نهادینه کنیم

صفحه ۱۷

گفت‌وگویی منتشر نشده از مرحوم محمدرضا علیان
ناشری که خاطره مشترک کودکان نسل انقلاب است

صفحه ۲۰

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حیدری ابهری
برای آموزش مفاهیم دینی به کودکان
به مدل‌های مناسب ارائه نیاز داریم

صفحه ۲۸

گفت‌وگو با سیدصادق رضایی
کتاب باید خدا باوری و معاد باوری
را در کودک تقویت کند

صفحه ۳۰

گفت‌وگو با استاد محمدحسین صلواتیان
لشگری از تصویرگران جوان
و پرانرژی داریم
که به آنها توجه نمی‌کنیم

صفحه ۴۶

سینا کتاب

ماهنامه تخصصی کتاب و کتاب‌خوانی

دوره جدید، شماره ۴ و ۵، پیاپی ۲۰ و ۲۱، مهر و آبان ۱۳۹۴

| مجمع ناشران انقلاب اسلامی || www.mananashr.ir |

گفت‌وگو با استاد جواد محقق
ممیزی فعلی ارشاد
تضمین‌کننده محتوای سالم نیست

صفحه ۲۴

مقام معتبر رهبری مدظله العالی:

ما دولت ایالات متحدهی آمریکا را
دولتی غیر قابل اعتماد می دانیم.

این چند کتاب
این چند کتاب با آن کوشش های محسوس سرگسر کشور بفرستید



عشق و نفرت



جانش های ایران و آمریکا
جواد منصوری / مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ۳۶۶ صفحه



امریکا شناسی: فراز و فرود یکد امریکاتوری
پروفسور حمید مولانی / امیرکبیر / ۳۹۸ صفحه



خواب استغنی لغت
محمد علی موحد / کتابخانه / دوره ۴ جلدی



جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
غلامرضا نجاشی / شرکت سهامی انتشار / ۸۱۲ صفحه



روحانیت و لاهوت ملی شدن صنعت نفت
مجموعه‌های مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی / ۱۵۰ صفحه



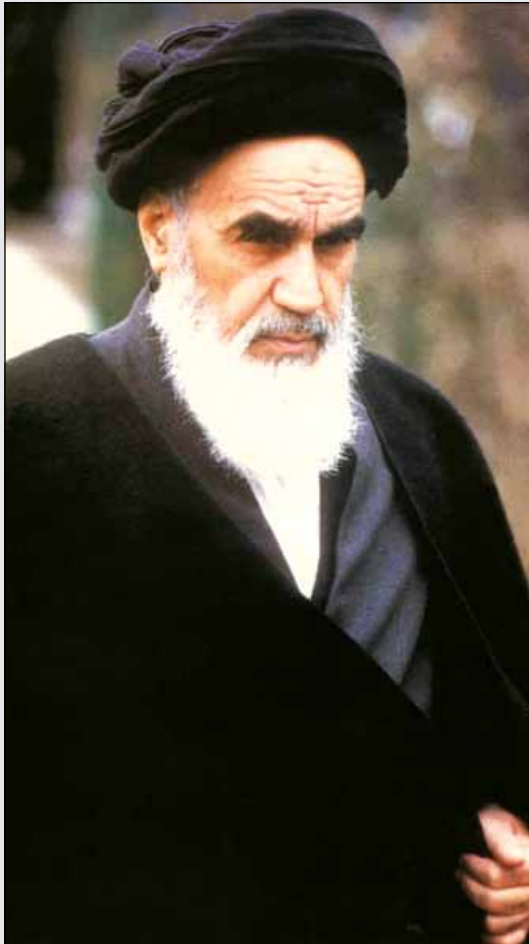
مداخلات
آلبران تشارتری / حرکت انتشارات گیان / دوره ۴ جلدی



سیاست آمریکا در قبال ایران در طول جنگ سرد
دکتر جعفر وادکن / انتشارات بهشتی / مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ۱۳۲ صفحه



امریکا از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای
دکتر سید جعفر مشایخ / دفتر نشر فرهنگ اسلامی / ۱۹۹ صفحه



باسمه تعالی
انا لله و انا اليه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد، ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
روح الله الموسوی الخمینی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیرازه کتاب

ماهنامه تخصصی کتاب و کتابخوانی
دوره جدید، شماره ۴ و ۵ مهر و آبان ۱۳۹۴
| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |
| www.mananashr.ir |
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال



خط اخبار

- ۰۶ آیین تجلیل از نویسنده دختر شینا | عهد با امام، گمشده رزمندگان فرهنگی امروز است
- ۰۹ نگاهی به کتاب‌های پرفروش در یکماه گذشته | پیشسازی دختر شینا در بازار کتاب
- ۱۰ محمدرضا اربابی در نشست خبری جشن جامعه ترجمه ایرنا | جزایر جدافتاده مترجمان باید به هم متصل شوند
- ۱۱ حداد عادل در جشن بزرگ هم‌دلی و هم‌زیبایی جامعه ترجمه ایران | ترجمه: تهدید یا فرصت؟
- ۱۲ گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته | خط اخبار
- ۱۴ مختارپور در نخستین نشست کتاب‌خوان دانش‌آموزی مطرح کرد | کتاب خواندن یک مهارت است



پرونده ویژه کتاب کودک و نوجوان

- ۱۶ یادداشت | کتاب کودک و آینده تمدن اسلامی
- ۱۷ گفت‌وگو با استاد محمود حکیمی | فرهنگ شیعی را باید با کتاب در کودک نهادینه کنیم
- ۲۰ گفت‌وگویی منتشرشده از مرحوم محمدرضا علیان | ناشری که خاطره مشترک کودکان نسل انقلاب است
- ۲۴ گفت‌وگو با استاد جواد محقق | ممیزی فعلی ارشاد تضمین‌کننده محتوای سالم نیست
- ۲۸ گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حیدری اهری | برای آموزش مفاهیم دینی به کودکان، به مدل‌های مناسب ارائه نیاز داریم
- ۳۰ گفت‌وگو با سیدصادق رضایی | کتاب باید خداآواری و معادآواری را در کودک تقویت کند
- ۳۳ یادداشت | کتاب کودک و خطر محدود کردن دین به توصیه‌های اخلاقی
- ۳۴ گفت‌وگو با مجید صفای | باید جایگاه کودک را در تمدن نوین اسلامی تبیین کنیم
- ۳۷ یادداشت | چالش‌ها و فرصت‌های ترجمه کتاب کودک
- ۳۹ گفت‌وگو با دکتر عبدالحسین پیروز | مشکل ما در تولید کامیک‌استریپ مربوط به داستان‌پردازی است
- ۴۱ یادداشت | با کامیک‌استریپ می‌توان مفاهیم دینی را به کودکان آموزش داد
- ۴۲ یادداشت | خانواده‌ها به کتاب خوب دسترسی ندارند
- ۴۳ یادداشت | ضعف دسترسی به کتاب و انحرافات فرهنگی در کودکان
- ۴۴ نگاهی به کتابخانه‌های تخصصی کودکان | کتابخانه‌هایی که فقط جای کتاب نیستند
- ۴۶ گفت‌وگو با استاد صلواتیان | لشگری از تصویرگران جوان و پرنانریز داریم که به آنها توجه نمی‌کنیم
- ۴۸ یادداشت | در تولید رمان برای کودکان در ابتدای راه هستیم
- ۴۹ یادداشت | فردی، اعتماد به کتاب را به خانواده‌ها بازگرداند
- ۵۲ گفت‌وگو با استاد احمدرضا اخوت | تعبد و تفکر: دو عنصر گمشده در کتاب کودک
- ۵۵ گفت‌وگو با دکتر زهره حسینی | هدف غرب تربیت شهروند دموکراتیک است، هدف ما، تربیت انسان کامل
- ۵۸ یادداشت | نقش دولت و تشکل‌های نشر در ارتقای کتاب کودک

صاحب امتیاز:

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

مدیرمسئول:

یاسر احمدوند

سرمدیو:

حسین شاهمرادی

دبیر تحریریه و امور هنری:

عباس محبیلی

اعضای تحریریه:

لیلا منصوری و نیلوفر هوشمند

همکاران این شماره:

حامد اشتری، سفاکه الهی

ابوالفضل حیدردوست، مینا دهقان

نرگس روزبهانی، سهراب سمنگانی

زهره سوهانکی، مجید شفیعی

حمیدرضا عرفانی‌فر، حسین فاضل

مهدی کرد فیروزجایی، مرضیه کرباسچی

سیدمهدی موسوی



شیرازه کتاب
مجموعه تخصصی کتاب و کتابخوانی
دوره جدید، شماره ۴ و ۵ مهر و آبان ۱۳۹۴
| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |
| www.mananashr.ir |
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

طعم کتاب



نگاهی به پرفروش‌ترین کتاب های دفاع مقدس در یکسال گذشته | من زنده‌ام و آن بیست‌وسه نفر در صدر ۶۰
یادداشت | کتابی که تن نتانیاها را لرزاند ۶۳
معرفی کتاب | بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای مهر ۶۴
معرفی کتاب | کتاب‌هایی برای محرم ۷۰
گزارش | گزیده‌ای از کتاب‌های خواندنی که در نشست کتابخوان معرفی شدند ۷۴
معرفی کتابی به بهانه فاجعه جان‌سوز صحرای منا | کتابی که این روزها دوباره خواندنی شد ۷۸

خانواده نشر



گزارش | پاسخ کوبنده و یک پارچه جامعه فرهنگی ایران به دهن کجی به پیامبر رحمت ۸۰
امینیان در بیست و هفتمین نشست صبح ناشر | نمایشگاه فرانکفورت به خاطر فتوای امام ده سال ما را تحریم کرد ۸۶
یادداشت | ۵ ساعت در بزرگ‌ترین کتابخانه تخصصی کودک دنیا در مسکو ۸۷
یادداشت | معرفی جهانی انقلاب اسلامی کار جناح فرهنگی مؤمن است ۹۰
یادداشت | نمایشگاه کتاب مسکو هم در حال کوچک شدن است ۹۲
یادداشت | کتاب باید دم دست مردم باشد ۹۴
یادداشت | هزینه‌های میلیاردی برای نمایشگاه‌های بین‌المللی؛ به چه قیمتی؟ ۹۵

به‌منظور حمایت از تولید داخلی کاغذ،
برای چاپ ماهنامه شیرازه کتاب و تارنمای
ایرانی استفاده می‌کنیم.

با افتخار، مطالب شما عزیزان را برای
استفاده در نشریه شیرازه کتاب و تارنمای
ماناشر می‌پذیریم.

تلفن: ۶۶۹۷۶۴۸۲
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان
دوازده فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،
پلاک ۱۴۰
رایانامه: info@mananashr.ir

با آثار و گفتاری از: میثم نیلی، علیرضا سبحانی نسب، علی جاسبی نیا، نادر قدیانی، عبدالعظیم فریدون، داود امیریان، مریم جدلی، مجید صحاف، احمد ذوعلم، مهدی طوسی، کیوان امجدیان، مهدی ابراهیم‌زاده، مصطفی وثوق، محمد معماریان و حسام ابنوس



مهر پر حادثه

و جامع را به این موضوع به ما نداد، ولی به هر تقدیر در حد بضاعت این نشریه، سعی کردیم مسائلی را طرح کنیم

در بخش «طعم کتاب»، کتاب‌های مختلفی را معرفی کرده‌ایم. یک بخش، همان معرفی کتاب نشریه است که به‌طور معمول داریم. در این بخش، تعدادی از کتاب‌های معرفی‌شده در نشست‌های کتابخوان در سراسر کشور را دست‌چین کرده‌ایم و معرفی‌های آن‌ها را نیز ارائه کرده‌ایم. در این بخش، به‌مناسبت فرارسیدن ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان، حضرت سیدالشهداء^(ع)، کتاب‌هایی را با حال و هوای عاشورا و محرم معرفی کرده‌ایم. به مناسبت‌های دیگر هم کتاب‌هایی معرفی شده است.

در بخش «خانواده نشر» به روایت‌هایی از مسافران نمایشگاه کتاب مسکو پرداخته‌ایم و در کنار آن نیز، گزارشی از ماجرای دعوت سلمان رشدی ملعون به نمایشگاه کتاب فرانکفورت آورده‌ایم.

سردبیر

ماهی که گذشت ماهی پرتکاپو و ویژه برای نشر کشور بود؛ ماهی که هفته کتاب را در خود داشت و به‌تبع آن، بسیاری از ناشران و فعالان حوزه کتاب کودک را مشغول کرده بود؛ ماهی که مسافران مسکو از راه رسیده بودند و تجربیات خود را بازخوانی می‌کردند؛ ماهی که مسافران فرانکفورت آماده سفر بودند و ناگاه، با رخداد ویژه حضور نویسنده هتاک و مهدورالدم کتاب آیات شیطانی در نمایشگاه روبرو شدند و برنامه‌هایشان را تغییر دادند و در معرض یک آزمون جدی قرار گرفتند و الخ.

ما در این شماره نشریه شیرازه کتاب، مطالب را در چند قسمت به شما عزیزان ارائه کرده‌ایم. در «خط اخبار»، نگاهی گذرا و کوتاه به اخبار ماه گذشته پرداخته‌ایم. پرونده ویژه‌ای را نیز به کتاب کودک و نوجوان اختصاص داده‌ایم. در این بخش، یک مسئله مهم برای ما وجود داشت و آن هم این است که برای تربیت یک نسل انقلابی مؤمن، به چه کتابی نیاز داریم و این کتاب چه ویژگی‌هایی در فرم و محتوا خواهد داشت. البته این مجال اندک، اجازه پرداختن تفصیلی

عهد با امام گمشده رزمندگان فرهنگی امروز است

خط اخبار
پرونده ویژه
طعم کتاب
خانواده نشر



- ۰۶ آیین تجلیل از نویسنده دختر شینا | عهد با امام، گمشده رزمندگان فرهنگی امروز است
- ۰۹ نگاهی به کتابهای پرفروش در یک ماه گذشته | پیشگامی دختر شینا در بازار کتاب
- ۱۰ محمدرضا اربابی در نشست خبری جشن جامعه ترجمه ایرنا | جزایر جدا افتاده مترجمان باید به هم متصل شوند
- ۱۱ حداد عادل در جشن بزرگ همذی و همزیانی جامعه ترجمه ایران | ترجمه: تهدید یا فرصت؟
- ۱۲ گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته | خط اخبار
- ۱۴ مختارپور در نخستین نشست کتابخوان دانش آموزی مطرح کرد | کتاب خواندن یک مهارت است





آیین تجلیل از نویسنده دختر شینا

عهد با امام گمشده رزمندگان فرهنگی امروز است

مراسم تجلیل از بهناز ضرابی‌زاده نویسنده کتاب دختر شینا در سالن اجتماعات خبرگزاری فارس برگزار شد. محمد حمزه‌زاده، مدیر عامل انتشارات سوره مهر، گلعلی بابایی، رئیس سابق سازمان هنری و ادبیات دفاع مقدس، میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، سید نظام‌الدین موسوی، مدیرعامل خبرگزاری فارس، سیدعارف علوی، مسئول دبیرخانه کتاب و زندگی، همچنین همسر شهید علی چیت‌سازیان، مشاور وزیر آموزش و پرورش، همسر شهید سیدمحمدعلی رحیمی و تنی چند از فعالان حوزه نشر حضور داشتند.

در سال‌های گذشته عده‌ای می‌گفتند محصولات دینی و متعهد مشتری ندارد

در این مراسم، محمد حمزه‌زاده، مدیرعامل انتشارات سوره مهر، پیرامون این اثر اظهار داشت: نمی‌توانم خوشحالی خود را پنهان کنم. به یاد می‌آورم روزهایی را که نزدیک به حدود ۲۵ سال پیش که نگاه به کتاب‌های حوزه تاریخ شفاهی، انقلاب و دفاع مقدس نگاه به محصولاتی بود که بیشتر به درد اسناد و کتابخانه‌ها می‌خورد و می‌گفتند چنین محصولاتی مشتری ندارد.

وی با اشاره به نامه یکی از مسئولین فرهنگی در سال ۸۰، به رهبر انقلاب گفت: در سال ۱۳۸۰، یکی از مسئولین فرهنگی کشور نامه‌ای خدمت رهبر انقلاب نوشت و با شهادت عنوان کرد که محصولات دینی و متعهد مشتری ندارد، البته حضرت آقا در یک دیدار حضوری در پاسخ به این نوشته فرمودند: شما کاری به مشتری نداشته باشید، این کارها مشتری خود را پیدا می‌کند. اما به فاصله کمی، نویسندگان دفاع مقدس و تاریخ شفاهی شکل گرفتند و نسلی که سال‌های پس از جنگ آمدند، به دنبال هویت خود بودند. رویه به شکلی شد که از حدود سال‌های ۸۳ یا ۸۴ ورق

برگشت و کتاب‌هایی که عده‌ای می‌گفتند، مشتری ندارند و به درد کتابخانه‌ها می‌خورند، جریان نشر کشور را تغییر داد.

حمزه‌زاده ضمن اشاره به فرمایش رهبر انقلاب در سال ۸۸، تأکید کرد: روند نشر به شکلی شد که سال ۱۳۸۸، رهبر انقلاب در دیدار با هنرمندان فرمودند: به من می‌گفتند این آثار مشتری ندارد، اما فلان فیلم و یا کتاب دا به چاپ هشتادم می‌رسد. هر جا محصولات و محتوا را با مردم مواجه کردیم و به موج مردم زدیم، آن موج محصول را بالا برد و به اعتلا رساند.

با خواندن این کتاب احساس می‌کنم مادرم زنده است

در ادامه، معصومه ابراهیمی، فرزند شهید ابراهیمی، ضمن اشاره به کتاب دختر شینا که حاوی خاطرات مادرش بود، گفت: خاطرات این کتاب از زبان مادرم بیان شده و نویسنده آن یعنی خانم ضرابی‌زاده با قلم روان، شیوا و دلنشین خود هر آنچه از دل برآمده نوشته و بر کتاب نقش بسته است که بر دل می‌نشیند.

وی گفت: کتاب خاطرات مادرم از دوران



عکس‌ها: سید مسعود توفیقی

این بانو شدم، دلم بسیار گرفت، کتاب را بستم و کنار گذاشتم. مدام با خودم کلنجار می‌رفتم، چون متأثر شده بودم و انتظار چنین تاریخی را نداشتم. او جوان از دنیا رفته بود، ولی بعد از دو ساعت، سراغ کتاب رفتم، شروع به خواندن کردم، کم‌کم از ناراحتی‌ام کم شد تا اینکه به پایان کتاب رسیدم و خوشحال بودم از اینکه قدم‌خیز از همه دلنگی‌ها رها شد و به آرامش رسید.

قدم دختر شینا به ادبیات پایداری خیر بوده است

میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم و همچنین بهناز ضرابی‌زاده به‌خاطر نوشتن کتاب دختر شینا گفت: هر قدر در این زمینه کار کنیم باز هم کم است. به نویسندگان و خانواده‌های این شهید عرض می‌کنم که این کتاب برای من فهم جدیدی از زندگی همسران شهیدان به وجود آورد و قدم این کتاب به عرصه ادبیات پایداری حتماً خیر بوده و قدم‌خیز در وجود و آثار وجودی‌اش برکات خیری داشته است.

وی در ادامه گفت: این کتاب برای من از دو جهت قابل توجه بود، یکی اینکه دختری که روستایی است و در یکی از روستاهای یکی از شهرهای کوچک استان همدان زندگی می‌کند تا این اندازه فرهنگی است. رابطه عاشقانه میان پدر و دختر که این روزها کمرنگ شده و عامل ناهنجاری‌های جامعه نیز به شمار می‌رود، در این کتاب روایت شده که البته این روایت حاکی از وقوع

کودکی با آشنایی با پدرم آغاز می‌شود. این آشنایی به نامزدی و ازدواج می‌رسد و در مراسم عروسی تا به دنیا آمدن ۵ فرزند ادامه می‌یابد و کتاب تألیف می‌شود.

وی گفت: حتی داستان تا لحظه شهادت پدرم روایت می‌شود، البته این روایات چندین بار از زبان مادرم روایت شده، ولی تألیف خانم ضرابی‌زاده به‌گونه‌ای است که ما اعتراف می‌کنیم، هر چند بار کتاب را بخوانیم، گویی با هر بار مطالعه مادرم کنار ما نشسته و خاطرات را بازگو می‌کند. ما حتی احساس می‌کنیم مادرم زنده است.

وی در ادامه گفت: ما ۵ فرزند بدون یاری پدر بزرگ شدیم و مادرم با شجاعت بسیار تربیت‌مان کرد. دعا می‌کنیم جایش بهشت باشد. ما خود را مدیون قلم‌زدن‌های خانم ضرابی‌زاده می‌دانیم، چرا که هر کس با خوانش کتاب برای مادرم فاتحه می‌خواند. وی در پایان سخنان خود با تشکر از مرتضی سرهنگی گفت: او پدرا نه در راستای معرفی کتاب تلاش کرد.

وقتی دختر شینا را می‌خواندم

به حس مشترک با قدم‌خیز رسیدم

در ادامه، مریم قاسمی‌زهد، همسر شهید سیدمحمدعلی رحیمی، درباره این کتاب و شهیدان اظهار داشت: زمانی که کتاب را به من دادند، گفتند که قرار است، یک محفل ادبی برگزار شود، خوشحال شدم و گفتم خوب است با همسر شهید از نزدیک آشنا می‌شوم و او را می‌بینم. وی گفت: کتاب را که باز کردم، در مقدمه متوجه تاریخ وفات



خانم ضرابی‌زاده خواهش می‌کنم که جلد دوم این کتاب را بنویسند.
نیلی با اشاره به اینکه خانم محمدی به‌تنهایی توانسته ۵ فرزند را تربیت کند، گفت: کاملاً واضح است که شهید در جبهه‌ها بوده و قدم‌خیز به‌تنهایی این ۵ فرزند را بزرگ کرده است.

عهد با امام، گمشده رزمندگان فرهنگی این دوره است

آن در عالم واقع است. پدران ما امروز از این مسئله غافل هستند و این رابطه برای من جالب و شیرین بود و اینکه به‌خاطر تعبد و تدین خود حاضر نشده دخترش را به کلاس مختلط بفرستد و این جزو افتخارات خانواده مسلمان است که دین خود را بر همه چیز ترجیح می‌دهد.

عهد با امام، گمشده رزمندگان فرهنگی این دوره است

نیلی در ادامه گفت: دومین نکته جالب این کتاب عهدی است که این زن و شوهرش با امام داشته‌اند و آنچه سختی‌ها را سهل و آسان می‌کند، یادآوری عهد با امام خمینی (ره) است که این بسیار بااهمیت است. شاید این دیالوگ حدود ۸ بار در کتاب تکرار شود که «یعنی باید از عهد با امام کوتاه بیاوریم؟» و این حال و هوای رزمندگان دهه ۶۰ است که به نظرم گمشده رزمنده‌های فرهنگی این دوره است. اگر عهد با امام این‌قدر مهم باشد، خانواده‌ها در مبارزه‌ای که میان کفر و اسلام است، همراهی بیشتری خواهند داشت و همراه خوبی برای طاعت خدا و طاعت ولی خدا خواهند بود.

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در

بخش دیگری از سخنانش گفت: کتاب دختر شینا یک تلخی دارد و آن هم این است که آن کسی که در موردش حرف می‌زنیم، بر حسب ظاهر در جمع ما حاضر نیست، اما از او ۵ یادگار موفق در جامعه باقی مانده است که آنها ثمره آن رنج عاشقانه در زندگی با شهید هستند که موفقیت آنها شیرینی آن رنج است.
او اضافه کرد: به نظر من موفقیت زندگی قدم‌خیز در جلد دوم دختر شینا دیده خواهد شد که فرزندان او ثمره این موفقیت هستند و من از

نگاهی به کتاب‌های پرفروش در یک ماه گذشته

پیشتازی دختر شینا در بازار کتاب

فروش کتاب، یکی از دغدغه‌های اصلی اهالی فرهنگ و ادب است که به علت اطلاع‌رسانی نامناسب ناشران و دستگاه‌های مرتبط در این حوزه، میزان فروش و استقبال خوانندگان از کتاب‌ها در پرده‌ای از ابهام بوده و در برخی اطلاع‌رسانی‌هایی نیز که بعضاً از سوی رسانه‌ها و ناشران صورت گرفته، به علت جامع نبودن اطلاعات، سند قابل‌تکایی در حوزه فروش و نشر کتاب به‌دست نیامده است. گروه کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس برای پر کردن این شکاف مهم و همچنین کمک به اقتصاد نشر و در راستای ترویج مطالعه و معرفی کتاب‌هایی که در میان مخاطبان از استقبال بیشتری برخوردار بوده، به‌صورت هفتگی اقدام به انتشار فهرستی از کتاب‌های پرفروش هفته از کتاب‌فروشی‌های کشور می‌نماید که این لیست می‌تواند مرجعی برای انتخاب کتاب در میان مخاطبان باشد.

۹



خط‌اخبار
گزارش

هفته سوم شهریور

ردیف	عنوان کتاب
پرفروش اول	جام جهانی در جوادیه
پرفروش دوم	یک عاشقانه آرام
پرفروش سوم	دختر شینا

هفته چهارم شهریور

ردیف	عنوان کتاب
پرفروش اول	دختر شینا
پرفروش دوم	جام جهانی در جوادیه، یک عاشقانه آرام
پرفروش سوم	آن بیست‌وسه نفر

هفته اول مهر

ردیف	عنوان کتاب
پرفروش اول	دختر شینا
پرفروش دوم	آن بیست‌وسه نفر
پرفروش سوم	سلام بر ابراهیم

هفته دوم مهر

ردیف	عنوان کتاب
پرفروش اول	دختر شینا
پرفروش دوم	سلام بر ابراهیم
پرفروش سوم	آن بیست‌وسه نفر

جزایر جدا افتاده مترجمان باید به هم متصل شوند



نشست خبری جشن بزرگ هم‌دلی و هم‌زبانی جامعه ترجمه ایران که با همکاری مرکز ترجمه حوزه هنری و انجمن صنفی مترجمان تهران با حضور سعیده حسین جانی، رئیس مرکز ترجمه حوزه هنری، و محمدرضا اربابی، رئیس انجمن صنفی مترجمان تهران، برگزار شد. متنی که در ادامه می‌خوانید گزیده سخنرانی محمدرضا اربابی در این نشست است.



۱۰

خط اخبار
گزارش

مترجمان در کشور ما

از جایگاه واقعی خود دور هستند

امروز هیچ کس تردیدی ندارد که ترجمه با توجه به پیشینه‌اش در جامعه ما باید به جایگاه اصلی خودش دست یابد و همه می‌دانند که ترجمه پلی برای تبادل فرهنگ‌ها است. در جهان دو راه برای ارتباط وجود دارد که یکی اتخاذ

زبان واحد و دیگری استفاده از ترجمه است. مترجمان در جهان دارای جایگاه ویژه‌ای هستند و آن هم به‌خاطر تبادل فرهنگی است. در جهان پرتقابل امروز ترجمه می‌تواند به صدور ایدئولوژی و فرهنگ کمک کند.

در طول تاریخ، ایران در عرصه ترجمه سرآمد بوده و امروز، نبود یک جایگاه درخور شأن مترجمان، ما را بر آن داشت که این جشن را برگزار کنیم. مترجمان ادبی در کشور ما به اسم نویسنده و یا پدیدآور شناخته می‌شوند و از جایگاه واقعی خود دور هستند، ولی در جهان این طور نیست؛ بلکه مترجم دارای هویت جداگانه است. از همین رو، اولین گام برای ورود به این مسیر تجمیع توان مترجمان است تا همه به سمت یک هدف حرکت کنیم.

عدم هم‌گرایی مترجمان

اصلی‌ترین مشکل ترجمه در کشور است

در جامعه ما هر کس زبان می‌داند خود را مجاز می‌داند که دست به ترجمه بزند که این از اصل اشتباه است. مترجمان در هر شکل ممکن در حاشیه هستند و متن نیز فراموش شده است. مترجمان ادبی ما مخاطب را سیراب می‌کنند، ولی دیده نمی‌شوند و از جایگاه اصلی بر خوردار نیستند.

با یک جست‌وجو در فضای مجازی در مورد اسم یک فوتبالیست و یک مترجم معاصر نتایج جالب‌توجهی به‌دست خواهد آمد. انجمن صنفی مترجمان شهر تهران با مجوز وزارت کار در سال ۹۳، تأسیس شد که هدف اصلی آن سامان دادن به فعالیت‌های مترجمان بوده است. با توجه به اینکه این انجمن زمان طولانی

نیست که راه‌اندازی شده، اما اولین آسیب را در این حوزه شناسایی کرده و برای رفع آن این جشن را تدارک دیده است.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات ترجمه در کشور عدم هم‌گرایی مترجمان است و مترجمان به شکل جزایری هستند که باید به یکدیگر وصل شوند. در این جشن مطالباتی را که مترجمان دارند، می‌خواهیم از یک حلقوم به گوش متولیان این حوزه برسانیم. امروز جامعه ترجمه باید یک جامعه مطالبه‌گر باشد و گرد آمدن تحت یک نام می‌تواند مطالبات را یک صدا کند.

برای ثبت روز ملی ترجمه

در تقویم تلاش می‌کنیم

روز ملی ترجمه و ثبت آن در تقویم اصلی‌ترین تلاش ما است و ما به روز جهانی ترجمه اکتفا نخواهیم کرد و برای رسمی شدن آن در تقویم ملی تلاش می‌کنیم. در این روز، همه مترجمان دعوت هستند و مترجمان ادبی، مترجمان شفاهی و سایر مترجمان در این جشن سهم دارند و همه جامعه ترجمه در کنار هم خواهند بود.

« در جهان پرتقابل
امروز ترجمه می‌تواند
به صدور ایدئولوژی و
فرهنگ کمک کند

« در جامعه ما هر
کس زبان می‌داند خود
را مجاز می‌داند که
دست به ترجمه بزند
که این از اصل اشتباه
است

حداد عادل در جشن بزرگ انجمن صنفی مترجمان تهران

ترجمه؛ تهدید یا فرصت؟

جشن بزرگ هم‌دلی و هم‌زبانی جامعه ترجمه ایران با حضور مترجمان و اساتید این حوزه در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، یکی از سخنرانان این جشن بود. هم‌چنین در پایان این مراسم، از پیشکسوتان صنعت ترجمه، پژوهشگر برتر، کارآفرین حوزه ترجمه و... تقدیر به عمل آمد. آنچه می‌خوانید، گزیده‌ای از سخنان دکتر حدادعادل در این مراسم است.

۱۱



خط‌اخبار

گزارش

از مترجمان پر کار یادی نکنیم

به‌عنوان یک دانش‌جوی قدیمی به ترجمه علاقه داشتم و همواره یکی از اشتغالات جدی من ترجمه بوده، از همین رو در عالم ترجمه بی‌تجربه نیستم و هم‌اکنون نیز یک ترجمه سنگین در دست دارم که با مراجعه به سایر ترجمه‌های همان کتاب، آن را ترجمه می‌کنم.

بد نیست انجمن صنفی مترجمان شهر تهران از مترجمان پر کار جامعه خودمان یادی بکند و شایسته است که این افراد شناسایی شوند و به نسل جدید معرفی شوند. مرحوم احمد آرام یکی از مترجمان پر کار بوده است. روزی که پیکر او را از دانشگاه تهران تشییع می‌کردند، نام ۱۶۰ کتابی را که او ترجمه کرده بود، به دست دانش‌آموزان دادند تا آنها پشت سر پیکر او حرکت کنند.

تطبیق ترجمه‌های آرام با متن اصلی یکی از فعالیت‌های من بوده. اختلاف زبان‌ها یکی از عجایب خلقت است و وقتی به این اختلاف زبان‌ها فکر می‌کنیم دچار حیرت می‌شویم، اما این یک واقعیت است. این اختلاف زبانی از ابتدا بوده و برخی نیز بوده‌اند که این اختلاف را با ترجمه‌هایشان از بین می‌برده‌اند.

مترجمان کارشان انتقال فرهنگ‌هاست و با توجه به گسترش دانش در جهان، ترجمه ضرورت بیشتری پیدا کرده است. مترجمان ورزیده ما را با آفاق و اندیشه‌ها و تجربه‌های نو آشنا می‌کنند و از این مسیر به فکر و اندیشه ما رشد می‌دهند. ملت‌ها از دست مترجمان سوغات دریافت می‌کنند، منتهی جنس آن فکر و اندیشه است و این رهاورد آنها است.

ترجمه صادراتی، عبارتی بازاری است

استفاده از عبارت ترجمه زان‌سو و ترجمه زین‌سو بهترین عبارت برای ترجمه صادراتی و وارداتی است. ترجمه صادراتی عبارتی بازاری است آن هم نه بازاری خوب؛ بلکه بازاری‌هایی که دروغ می‌گویند.

دانستن زبان به تنهایی برای ترجمه کفایت نمی‌کند، ترجمه فقط برگرداندن لفظ و جمله نیست، بلکه مهندسی ترجمه یکی از کارهای ترجمه است. هم‌چنین ما نباید ترجمه را محدود به ترجمه از زبان‌های اروپایی نکنیم و نباید یادمان بروند که دنیا محدود به اروپا نیست و از زبان عربی، اردو و ترکی نیز ترجمه کنیم تا ترجمه ما تنوع داشته باشد.

ترجمه برای فرهنگ ما یک فرصت است

اگر از من سؤال شود، ترجمه برای فرهنگ ما تهدید است یا فرصت؟ می‌گویم ترجمه به نظر من برای فرهنگ ما یک فرصت است؛ البته این زمانی تبدیل به یک فرصت می‌شود که مترجم متفکر باشد و فقط به فروش فکر نکند، بلکه با یک چشم بینا اثر را انتخاب کند تا به تقویت فرهنگ بومی خود کمک کند. هر سال، در نمایشگاه کتاب دنبال ترجمه‌های خانم مهدوی دامغانی هستم تا بتوانم از آنها لذت ببرم، از فضل و فضیلت دکتر آذرشب نیز همیشه بهره برده‌ام و در کارهای مختلف سیاسی خود از ایشان خواسته‌ام تا متن سخنرانی‌های من را به عربی ترجمه کنند و هم‌چنین جناب آقای امامی یک نسل را با ترجمه خود بزرگ کرده‌اند و وجه همت خود را حوزه کودک و نوجوان قرار داده‌اند و آقای دریابندری نیز که کسالت دارند و در جمع نیستند، در سال‌های دور که من در مؤسسه‌ای به‌عنوان ویراستار کار می‌کردم، مدیر ارشد آن مؤسسه بود.



« بد نیست انجمن

صنفی مترجمان شهر

تهران از مترجمان

پر کار جامعه خودمان

یادی بکند و شایسته

است که این افراد

شناسایی شوند و به

نسل جدید معرفی

شوند

« دانستن زبان

به تنهایی برای ترجمه

کفایت نمی‌کند،

ترجمه فقط برگرداندن

لفظ و جمله نیست،

بلکه مهندسی ترجمه

یکی از کارهای ترجمه

است



گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته

خط اخبار

همسر شهید رحیمی و برخی از چهره‌های فرهنگی دیگر، در خبرگزاری فارس برگزار شد.

دویست و هشتاد و هفتمین نمایشگاه کتاب استانی و یازدهمین نمایشگاه کتاب استان کرمانشاه از تاریخ ۲۲ تا ۲۸ مهرماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی این شهر، واقع در پارک شاهد، برگزار می‌شود. در این نمایشگاه ۳۷۰ ناشر، بیش از ۳۷ هزار عنوان کتاب را در ۱۹۰ غرفه عرضه می‌کنند.

انتشارات آستان قدس رضوی کتاب نیایش/مأم حسین^(ع) در روز عرفه را در آستانه فرارسیدن ۹ ذی‌الحجه و روز عرفه با شمارگانی بالغ بر ۲۳۳ هزار نسخه در چاپ شانزدهم روانه بازار نشر کرد.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در هفته کودک، به طراحی و تولید پوستر این چند کتاب کودک و علم، برگزاری نشست‌های کتاب‌خوان کودک و نوجوان و همچنین تقدیر از کتابداران و اعضای فعال بخش‌های کودک و نوجوان دست زد.

یازدهم تشکل نشر، طی نامه‌ای به رئیس نمایشگاه فرانکفورت، نسبت به دعوت از سلمان رشدی، نویسنده

انتشارات روایت فتح کتاب عملیات فریب، نوشته مرتضی قاضی را در آستانه هفته دفاع مقدس منتشر کرد.

سوره مهر کتاب مین سوسکی به عنوان پنجمین کتاب از مجموعه دار و دسته دارعلی، نوشته اکبر صحرایی را منتشر کرد.

مبانی نظری ترکیه، جلد نخست از مجموعه کتاب‌های آیت‌الله استاد محمد شجاعی، از سوی انتشارات سروش برای چهاردهمین بار تجدید چاپ و روانه بازار نشر شد.

نسخه الکترونیک کتاب دختر شسینا، اثر بهناز ضرابی‌زاده، با نصف قیمت روی نرم‌افزار خط‌خوان قرار گرفت.

انتشارات دلیل ما، با توجه به اهمیت عید غدیر و ابعاد متفاوت این واقعه عظیم، سیر مطالعاتی غدیرشناسی را در دو سطح مقدماتی و تکمیلی ارائه کرد.

آیین تجلیل از بهناز ضرابی‌زاده، نویسنده کتاب دختر شسینا، با حضور محمد حمزه‌زاده، گلعلی بابایی، سیدنظام‌الدین موسوی، میثم نیلی، دختر شهید ابراهیمی،

ناشران محترمی که مایل اند اخبار آثار و برنامه‌هایشان در این قسمت درج شود، اخبار خود را از طریق رایانامه نشریه، برای ما ارسال کنند

E-mail:
info@mananashr.ir



هتاک کتاب آیات شیطانی، به نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، شدیداً اعتراض کردند و خواستار لغو برنامه سخنرانی وی شدند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پی دعوت از سلمان رشدی، نویسنده هتاک کتاب آیات شیطانی، به نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، رسماً از حضور جمهوری اسلامی ایران در این نمایشگاه، اعلام انصراف کرد.

شرکت ترنج فروشگاه کتاب و محصولات فرهنگی خود را برای اولین بار در استان مازندران، در مجتمع فرهنگی سیترا برگزار کرد.

در سومین دوره از مسابقه کتاب و زندگی، تیزرهای کتاب دختر شینا به‌روی آنتن شبکه‌های مختلف سیما رفت.

کتاب غرب چگونه غرب شد، اثر جیمز موریس بلاوت، با ترجمه مرتضی مداحی، از مجموعه کتاب‌های غرب‌شناسی انتشارات سروش وارد بازار نشر شد.

کتاب فلسفه عرفان، به قلم حجت‌الاسلام علی فضلی، از سوی گروه عرفان پژوهشکده حکمت و دین پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد.

کتاب شرحی بر مناجات حضرت امیر^(ع) در مسجد کوفه، اثر فرشته بلوچی، از سوی انتشارات دلیل ما منتشر شد.

مسئول دبیرخانه مسابقه کتاب و زندگی از توزیع ۷۰ هزار نسخه از کتاب دختر شینا برای سومین دوره این مسابقه خبر داد و گفت: قرار است این اثر در هیئت‌های بزرگ استان‌های تهران و قم نیز توزیع شود.

بیست‌وهفتمین نشست صبح ناشر، با حضور شهریار امینیان، مدیر انتشارات اندیشه‌ورزان آریا برگزار شد.

انتشارات روایت فتح محصولات خود را با تخفیف ۲۰ درصدی در فروشگاه خود در تهران عرضه کرد.

هفتمین دوره آموزشی مشاوره کتابدار با حضور ۱۴۴ نفر از کتابداران استان‌های همدان، قزوین، کرمانشاه، کردستان و تهران طی ۴ روز از روز دوشنبه ۱۳ مهرماه الی پنجشنبه ۱۶ مهرماه در مجتمع آموزشی تفریحی رشد شهرستان تنکابن برگزار شد.

کتاب هلی‌برن از پشت میز، اثر مهدی افراز و سیدمحمدجواد زمانیان که از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده بود، رونمایی شد.

کتاب خاطرات شهید طاهر نژاد توسط لیلا خجسته نوشته و تحویل روایت فتح شد. همچنین قرار است این کتاب در مجموعه کتاب‌های از چشم‌ها در روایت فتح منتشر شود.

مدیرعامل انتشارات سوره مهر، از تدارک یک برند ویژه برای کتاب‌های کودک و نوجوان این انتشارات خبر داد.

مدیرعامل انتشارات آستان قدس رضوی، به‌نشر، از چاپ و انتشار ۱۱۵ عنوان کتاب و محصول فرهنگی با شمارگان حدود نیم‌میلیون نسخه طی شش‌ماهه نخست سال جاری خبر داد.

انتشارات آستان قدس رضوی، به‌نشر، حدود هزار بسته نوشتافزار شامل دفتر، کتاب مرتبط و برچسب‌های جذاب ویژه دانش‌آموزان که همگی با طرح‌های ایرانی‌اسلامی می‌باشند، به دانش‌آموزان بی‌بضاعت اهدا کرد.

کتاب پنجره‌های تشنه، نوشته مهدی قزلی، از سوی سوره مهر الکترونیک، در قالب کتاب گویا تولید و عرضه می‌شود.

دو مجموعه شعر با نام‌های با/این کلاغ‌ها و هم‌پای ماه و ستاره از سوی انتشارات هزاره ققنوس با شمارگان ۲۲۰ و هزار و ۱۰۰ نسخه به قیمت ۶ هزار و ۸۰۰ تومان و هشت‌هزار و ۶۰۰ تومان از سوی انتشارات هزاره ققنوس راهی بازار کتاب شد.

چهارمین پویش مطالعاتی روشنا با محوریت رمان نامیرا، نوشته صادق کرمیار، فعالیت خود را به‌صورت رسمی آغاز کرد.

رمان شطرنج با ماشین قیامت، نوشته حبیب احمدزاده، توسط سوره مهر به چاپ بیست‌ویکم رسید. همچنین نمایش شطرنج با ماشین قیامت بر اساس این رمان در صدر چهارده نمایش برتر سال ۲۰۱۴ کانادا قرار گرفت.

فراخوان نخستین دوره جایزه پرنده آبی از سوی



مختارپور در نخستین نشست کتابخوان
دانش آموزی

کتاب خواندن یک مهارت است

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نخستین نشست کتابخوان مدرسه‌ای که در مجتمع آموزشی سادات موسوی برگزار شد، کتاب خواندن را یک مهارت دانست و از دانش‌آموزان خواست با به‌کارگیری این مهارت، کتاب خوب و مناسب را برای مطالعه و معرفی به دیگران انتخاب کنند. به گزارش روابط عمومی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، نخستین نشست کتابخوان مدرسه‌ای صبح روز ۱۸ مهرماه با معرفی ۸ کتاب در مجتمع آموزشی سادات موسوی برگزار شد.

علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ضمن ابراز خرسندی از برگزاری این نشست، کتابخوان مدرسه‌ای را یکی از بهترین نشست‌های کتابخوان دانست و در خصوص تفاوت آن با نشست‌هایی که پیش از این برگزار شده است، گفت: آدمی هم‌زمان با بالا رفتن سن حواشی ذهنش هم زیاد می‌شود و این حواشی به‌قدری در ذهن ما اثرگذار است که گاه از خود کتاب غافل می‌شویم. اما نوجوانان عزیز ما این دغدغه‌ها را ندارند و مستقیم سراغ کتاب می‌روند، در نتیجه معرفی دقیقی از آن ارائه خواهند داد.

انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد. کتاب‌های پرنده آبی وابسته به انتشارات علمی و فرهنگی با هدف حمایت از تألیف رمان کودک و نوجوان، جایزه پرنده آبی را برگزار می‌کند.

کتاب قمره‌زی، سنت یا بدعت، تألیف حجت‌الاسلام مهدی مسائلی، با ویرایش جدید با عنوان عار یا شعار، قمره‌زی در ترازوی عقل و شرع توسط نشر آرما منتشر می‌شود.

رمان شهید عشق اثر احمد تورگوت که از سوی انتشارات کتابستان معرفت منتشر شده بود، به چاپ دوم رسید.

دفتر نشر فرهنگ اسلامی کتاب آغاز و انجام هستی و راهبری انسان، نوشته سیدمحمدرضا دربندی را منتشر کرد.

کتاب بایسته‌های تبلیغ از منظر مقام معظم رهبری، با تدوین احسان بابایی، از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد.

جشن رونمایی از ۵۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان با حضور محمد حمزه‌زاده، حمیدرضا شاه‌آبادی، احمد دهقان، حسین فتاحی، عزت‌الله الوندی، اسدالله شعبانی، سپیده خلیلی، زهره پریخ، فرهاد حسن‌زاده، کمال شفیعی، غلامرضا بکتاش، جعفر ابراهیمی، محمود پوروهاب، محمدرضا شمس، شهرام شفیعی، سعیده موسوی‌زاده و جمعی از نویسندگان و شاعران حوزه کودک و نوجوان عصر دوشنبه، ۱۳ مهر، در فروشگاه سوره مهر برگزار شد.

در آستانه ماه محرم الحرام، جدیدترین کتاب از سلسله کتب تقرب به اسم نشانه مظلومیت در رئای حضرت علی اصغر^(ع) منتشر شد. این کتاب با بهره گرفتن از عناصر سمعی و گرافیکی و محتوای به‌روز سعی در شناساندن حرمه‌های زمان حاضر دارد.

انجمن صنفی مترجمان تهران کارگاه ترجمه و فناوری را با همکاری دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، در تاریخ ۲۸ مهر ماه، در این دانشکده برگزار می‌کند.

ترنجستان بهشت، روز یکشنبه، نوزدهم مهر، میزبان جشن سلام ماه ویژه شاعران و نویسندگان متولد ماه‌های شهریور و مهر شد.

کتاب کودک و آینده تمدن اسلامی



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر

یادداشت | کتاب کودک و آینده تمدن اسلامی ۱۶

گفتوگو با استاد محمود حکیمی | فرهنگ شیعی را باید با کتاب در کودک نهادینه کنیم ۱۷

گفتوگویی منتشر نشده از مرحوم محمدرضا علیان | ناشری که خاطره مشترک کودکان نسل انقلاب است ۲۰

گفتوگو با استاد جواد محقق | ممیزی فعلی ارشاد تضمین کننده محتوای سالم نیست ۲۴

گفتوگو با حجت الاسلام حیدری | برای آموزش مفاهیم دینی به کودکان به مدل‌های مناسب ارائه نیاز داریم ۲۸

گفتوگو با سیدصادق رضایی | کتاب باید خداپاوری و معادپاوری را در کودک تقویت کند ۳۰

یادداشت | کتاب کودک و خطر محدود کردن دین به توصیه‌های اخلاقی ۳۳

گفتوگو با مجید صحاف | باید جایگاه کودک را در تمدن نوین اسلامی تبیین کنیم ۳۴

یادداشت | چالش‌ها و فرصت‌های ترجمه کتاب کودک ۳۷

گفتوگو با دکتر عبدالحسین پیروز | مشکل ما در تولید کامیک استریپ مربوط به داستان پردازی است ۳۹

یادداشت | با کامیک استریپ می‌توان مفاهیم دینی را به کودکان آموزش داد ۴۱

یادداشت | خانواده‌ها به کتاب خوب دسترسی ندارند ۴۲

یادداشت | ضعف دسترسی به کتاب و انحرافات فرهنگی در کودکان ۴۳

نگاهی به کتابخانه‌های تخصصی کودکان | کتابخانه‌هایی که فقط جای کتاب نیستند ۴۴

گفتوگو با استاد صلواتیان | لشگری از تصویرگران جوان و پراثری داریم که به آنها توجه نمی‌کنیم ۴۶

یادداشت | در تولید رمان برای کودکان در ابتدای راه هستیم ۴۸

یادداشت | فردی، اعتماد به کتاب را به خانواده‌ها بازگرداند ۴۹

گفتوگو با احمد رضا اخوت | تعبد و تفکر؛ دو عنصر گمشده در کتاب کودک ۵۲

گفتوگو با زهره حسینی | هدف غرب تربیت شهروند دموکراتیک است، هدف ما تربیت انسان کامل ۵۵

یادداشت | نقش دولت و تشکل‌های نشر در ارتقای کتاب کودک ۵۸



کتاب کودک و آینده تمدن اسلامی



میرزا غلام محمد نادران انقلاب اسلامی
میشم نیلی



۱۶

پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
یادداشت

« همه تمدن‌ها
برای کودکانشان در
آینده مأموریتی قائل
هستند و لذا تربیت و
تعلیم آنها هم متناسب
با مأموریت‌های آنها
تعریف می‌شود

« هر چه به کودک
انتقال داده شود،
تبدیل به انگاره پایدار
می‌شود و ما به همین
دلیل حق نداریم ورود
محتواهایی را که
جهان‌بینی و جهان
حاکم بر کودک تراز
ارزش‌های ما را برهم
می‌ریزد، تجویز کنیم

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۴ و ۵، مهر و آبان ۱۳۹۴

درک کند، لذا هر چه به کودک انتقال داده شود، با آن شکل می‌گیرد، تبدیل به انگاره پایدار می‌شود و ما به همین دلیل حق نداریم ورود محتواهایی را که جهان‌بینی و جهان حاکم بر کودک تراز ارزش‌های ما را برهم می‌ریزد، تجویز کنیم. ما باید توجه کنیم که جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی‌ای که در کتاب کودک شکل می‌گیرد همان چیزی است که در نسل بعدی ادامه پیدا می‌کند و موجب ساختن و یا ویرانی یک تمدن می‌گردد. پس کتاب کودک و نوجوان چه ایرانی و چه خارجی باید بر اساس معیارها و مبانی اندیشه اسلامی و انقلابی و بر مبنای اصول تربیتی، نقد و اصلاح شوند.

مثلاً انسانی که مبدأ و معاد دارد با انسانی که مبدأ و معاد ندارد فرق می‌کند؛ انسانی که خود را دارای حیات جاودانه می‌بیند با انسانی که خود را پوچ می‌انگارد فرق می‌کند؛ انسانی که برای خود مسئولیتی در قبال همه چیز احساس می‌کند با انسانی که جز خود، به هیچ چیزی دیگر فکر نمی‌کند فرق دارد؛ انسانی که نعمت اختیار و گزینش‌گری خود را مایه سعادت و شقاوت ابدی‌اش می‌داند، با انسانی که اعتقادی به مفهوم شقاوت و سعادت ندارد، فرق می‌کند.

پیوستگی نظام فکری و منطق اندیشیدن و شیوه تطبیق عینیت‌ها و ذهنیت‌ها باید مورد توجه ما باشد. به طور مثال، نظامات تربیتی لیبرال دموکراسی، سرمایه‌سالار و ماده‌گرا، قطعاً با نظامات تربیتی اسلامی و انقلابی که منبعث است از تفکر توحید و امامت فرق می‌کند، برای پیدا کردن فرق بین آنتولوژی‌ها باید سراغ بزرگان و فلاسفه تربیت و علوم انسانی رفت و به آنها مراجعه نمود. به امثال علامه طباطبایی، به مرحوم شهید باهنر، به آیت‌الله مصباح و به استاد شهید مطهری و... باید رجوع کرد. اگر ما می‌خواهیم بفهمیم کتابی که ترجمه می‌کنیم، کتابی که تألیف و چاپ می‌کنیم، کدام جهان‌بینی را دارد رواج می‌دهد، باید لااقل معیارهای اصلی کار تربیتی را خوب بشناسیم. یک کتاب تربیت‌کننده و رشد‌دهنده را باید بتوانیم با فهم مبانی اصلی تربیت از یک کتاب صرفاً سرگرم‌کننده و یا احیاناً منحرف‌کننده تشخیص دهیم.

در بحث کتاب کودک و نوجوان، آن چیزی که مهم است، معیارهای ما برای تربیت یک نسل در تراز ارزش‌ها و آرمان‌های مورد نظر مکتبمان است. این نکته بسیار مهم است که تربیت هر نسلی، بسته به جهان‌بینی و ایدئولوژی‌اش، با ایدئولوژی‌های دیگر متفاوت است؛ زیرا بر مبنای هر جهان‌بینی، انسان‌شناسی‌ها و زیبایی‌شناسی‌ها فرق دارد و در نتیجه، برنامه‌ریزی ایدئولوژی برای تربیت نسل نیز فرق می‌کند. همه تمدن‌ها برای کودکانشان در آینده مأموریتی قائل هستند و لذا تربیت و تعلیم آنها هم متناسب با مأموریت‌های آنها تعریف می‌شود؛ و از آنجا که کودکان نسبت به آنچه که به آنها تعلیم داده می‌شود بی‌دفاع هستند و چون هر جهان‌بینی، مدل تربیتی و رفتارسازی خود را دارد، لذا دولت‌ها اجازه برهم زدن جهان کودکشان را به فرهنگ‌ها و افکار دیگر نمی‌دهند، زیرا امتداد و آینده تمدنیشان برایشان مهم است.

سوال این است با توجه به امانت بودن کودکان در دست ما برای استحکام و تقویت آینده تمدنی خویش ما چه کرده‌ایم؟ ما اجازه ورود هر گونه محتوایی از هر خاستگاه و مکتبی را بدون نقد و بدون معیار، فقط با حداقل‌های ممیزی، مثلاً ممیزی در مورد محتواهای جنسی یا امثالهم، می‌دهیم. آیا ما حق داریم با امانت‌هایی که در دست ما هستند و قرار است آینده تمدن نوین اسلامی را محقق کنند، این گونه با تساهل و تسامح رفتار کنیم؟

اگر کودک امروز، فردا مسئولیتی بسیار بزرگ و مأموریتی سترگ را بر دوش خواهد داشت، پس کتاب کودک هم مسئولیت و مأموریتی دارد، لذا ما برای کتاب کودک و نوجوان مأموریت قائلیم؛ اما در کشور، چشم‌اندازی برای کتاب کودک و نوجوان مشاهده نمی‌کنیم. ما باید این مسئله را به وضوح ببینیم که بین مأموریت‌های نظام سکولار غربی برای تربیت کودکان خود و مأموریت‌های انقلاب اسلامی برای تربیت کودکان تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. کودک در سن کودکی، فاقد سپر ادراکی است، لذا نمی‌تواند اندیشه‌های نامتناسب با اسلام و مکتب را

گفت‌وگو با استاد محمود حکیمی، نویسندهٔ پیش‌کسوت ادبیات دینی کودک و نوجوان

فرهنگ شیعی را باید با کتاب در کودک نهادینه کنیم

مهدی ابراهیمزاده

محمود حکیمی شاید برای جوانان و نوجوانان کتابخوان امروز که با رئالیسم جادویی و داستان‌های پست‌مدرن سر و کار دارند، نام‌آشنایی نباشد، اما جوانان و نوجوانان مذهبی در دهه‌های پنجاه و شصت با این نام و کتاب‌هایش زیسته‌اند. اشراف‌زادهٔ قهرمان در شرح حال مصعب بن عمیر صحابی پیامبر، سلحشوران علوی در توصیف نهضت سریه‌داران، نقاب‌داران، پیکار سرنوشت، شهدای فح، سوگند مقدس، سروده‌های رهایی عناوین برخی آثار داستانی او در آن سال‌هاست که حتی عناوین آن در کنار هم، گویی حس مجاهدت و انقلاب را در مخاطب برمی‌انگیزاند. کتاب‌هایی که برخی از آنها نه با تیراژ پنج‌هزار تایی کتاب‌های این دوره و زمانه بلکه با تیراژ ده‌هزار تایی به چاپ‌های بعد می‌رسیدند؛ به گونه‌ای که با در نظر گرفتن محدودیت‌ها در ثبت آمار دقیق در آن دوران، تیراژ کل آثار آقای حکیمی در حدود ده میلیون نسخه تخمین زده می‌شود. علاوه بر آثار داستانی با مضامین دینی، آثاری با مضامین تاریخی و دینی مانند مجموعهٔ ۲۲ جلدی تاریخ تمدن و نیز تألیفاتی در خصوص تعلیم و تربیت و ... در فهرست بلند آثار آقای حکیمی به چشم می‌خورد؛ ضمن اینکه مقالات و آثار ادبی او در مجلاتی مانند مکتب اسلام، نسل نو و پیام شادی نیز خود حکایت مفصلی دارد و برخی از آنها را باید از اولین تلاش‌ها در زمینهٔ ادبیات دینی برای کودکان و نوجوانان در ایران دانست. آقای حکیمی در ۷۲ سالگی، همچنان پرده‌غده و بانشاط است و در حاشیهٔ گفت‌وگو، با جزئیات دقیق از مراحل نگارش و چاپ و تجدید چاپ برخی کتاب‌هایش می‌گوید. خودش می‌گوید اگر با یک نوشته یک نفر هم راه درست را در زندگی پیدا کند، نویسنده اجرش را گرفته است.

نخستین کتابی که منتشر کردید چه بود؟

تا الان ۱۵۳ جلد کتاب در ۹۷ عنوان کتاب از من منتشر شده است. نخستین اثر من در زمینهٔ ادبیات دینی کتاب *اشراف‌زادهٔ قهرمان* بود که در سال ۱۳۴۷ منتشر شد. این کتاب دربارهٔ زندگی پرافتخار مصعب بن عمیر صحابی دلیر رسول اکرم (ص) بود و با استقبال نوجوانان روبرو شد.

الآن هم مشغول هستید؟

بله. آخرین مطلبی که از من چاپ شده، داستانی با عنوان *بازگشت به سوی توحید راستین* است که در شمارهٔ شهریور ۹۴ نشریهٔ مکتب اسلام در ۵۵۵مین سال انتشار آن چاپ شده است. الآن از وهابیت که بگذریم، یازده شبکهٔ ماهواره‌ای برای مخاطبان فارسی وجود دارد که فقط مسیحیت را تبلیغ می‌کند. داستان *بازگشت به سوی توحید راستین* هم به این ترتیب است که چند نوجوان در اثر ناآگاهی مسیحی می‌شوند، ولی بعداً در برخورد با یک پزشک مسلمان

که در مورد تورات و انجیل و ادیان دیگر مطالعه کرده است، طی حوادثی به اسلام برمی‌گردند.

آخرین کتاب چاپ شدهٔ من هم *امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب* (ع) *جانشین راستین* است که سال گذشته دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر کرد. الآن مشغول نگارش زندگانی چهارده معصوم برای نوجوانان هستم و این مجموعه را قصه‌های محبت نام نهاده‌ام. معتقدم دین راستین در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و شیعهٔ اثنی‌عشری است. این سخن را پس از شصت‌سال مطالعهٔ مداوم می‌گویم. من عقیده دارم که در دوران ما بیش از هر زمان دیگر باید از آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) سخن گفت، زیرا تکفیری‌ها با اعمال و ترورهای خود چهره‌ای خشن از اسلام نشان داده‌اند، در حالی که دین اسلام دین محبت است؛ همان‌طور که امام صادق (ع) می‌فرمایند: هل الدین الاالحب. آیا دین چیزی غیر از محبت است؟ پس باید از محبت سخن گفت.



« من عقیده دارم

که در دوران ما بیش

از هر زمان دیگر

باید از آموزه‌های

اهل بیت (علیهم‌السلام) سخن

گفت، زیرا تکفیری‌ها

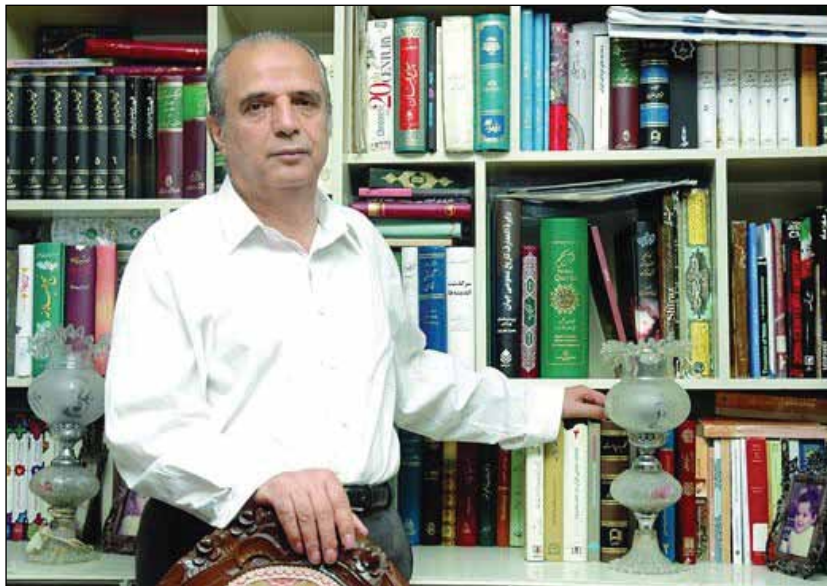
با اعمال و ترورهای

خود چهره‌ای خشن از

اسلام نشان داده‌اند، در

حالی که دین اسلام دین

محبت است



« وقتی اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب به عنوان کتاب درسی دینی برای دانش آموزان آفریقایی نشر پیدا کرد، نتیجه‌اش آن چیزی می‌شود که امروز در رفتارهای تروریستی داعش می‌بینیم

« وظیفه هر شاعر و نویسنده، قبل از هر چیز دفاع از آرمان‌ها و فرهنگ شیعه اثنی عشری است. برای دفاع از آرمان هر مذهب و مکتبی هم به آگاهی کافی از ایدئولوژی آن نیاز است

شما از سال‌های دور تا امروز با نوشتن در نشریات مذهبی مانند مکتب اسلام دغدغه پرداختن به مفاهیم دینی را داشته‌اید. به نظر شما و در شرایط فعلی، کودکان و نوجوانان ما به چه مضامینی در تألیف کتاب‌های دینی برای کودکان و نوجوانان باید پرداخت؟

فروپاشی شوروی یک فرصت بزرگ برای نویسندگان دینی بود. پس از آن بود که گرایش وسیعی به دین در سراسر جهان آشکار شد. این که یک‌سره کمونیست‌ها هفتاد سال تبلیغ می‌کردند که دین افیون توده‌هاست و... یک‌سره کنار زده شد. متأسفانه وهابیت با تبلیغات فراوان از این فرصت استفاده زیادی کرد. از سال‌ها پیش کتاب‌های درسی دینی بیش از ده کشور آفریقایی در عربستان به زبان محلی آن کشورها تألیف و منتشر می‌شده است. همان‌طور که می‌دانید کتاب‌های درسی با کتاب‌های معمولی از این جهت فرق دارد که یک نوجوان ممکن است، یک کتاب را یک دفعه بخواند یا حتی ممکن است نیمه‌کاره آن را رها کند، اما کتاب درسی چون رقابت در آن موضوعیت دارد گاهی ده‌بار توسط یک دانش آموز خوانده می‌شود. وقتی اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب به عنوان کتاب درسی دینی برای دانش آموزان آفریقایی نشر پیدا کرد، نتیجه‌اش آن چیزی می‌شود که امروز در رفتارهای تروریستی داعش می‌بینیم. همچنین تبلیغات زیادی به نفع مسیحیت در جریان است. ما در مقابل این جریان‌ها مسئولیم.

چه ویژگی محوری‌ای در تفکر اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد که روی آن تأکید دارید؟

همان‌طور که اشاره‌ای داشتیم، این فرهنگ بر پایه محبت است. پیروان این مکتب بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) و اهل بیت (علیهم‌السلام) او تمام انسان‌ها را دوست دارند. نویسنده‌ای که امروز می‌خواهد مبلغ دین باشد، باید بر اساس محبت و مهرورزی شعر بسراید و داستان و رمان بنویسد.

در متون دینی علاوه بر اشاره به اهل‌الدین الاحب، اشاراتی مانند اهل‌الدین الاحب و البغض را هم داریم. تولی و تبری داریم. در تاریخ پیامبر و ائمه شاهد هستیم که اهل جهاد

البته علی‌رغم اینها، اقبال به اسلام راستین هم در دنیا رو به رشد بوده است. استقبال از آثار دکتر



بودند و با دشمنان می‌جنگیدند، این چگونه با اصالت دادن به محبت جور در می‌آید؟

در هر جامعه انسانی همیشه گروه‌هایی از متجاوزان به حقوق انسان‌ها وجود داشته‌اند که همه چیز را برای خود می‌خواستند و مردمان دیگر را به بردگی می‌گرفتند. در طول تاریخ انبیای الهی به نبرد با خودکامگان و متجاوزان به حقوق انسان‌ها می‌پرداختند و پیکار با دشمنان آزادی و کرامت انسان‌ها یکی از اهداف انبیای الهی بود. اگر نگاهی ببیند، به پیکارهای حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) و یارانش با قاسطین، مارقین و ناکثین می‌بیند که در واقع دشمنان انسان‌ها بودند که در مقابل حضرت بودند. در جنگ صفین امام علی^(ع) با متجاوزان به حقوق انسان‌ها یعنی با معاویه و یارانش نبرد می‌کردند. معاویه بنیان‌گذار سلسله بنی‌امیه بود که تمام پادشاهانش متجاوز به حقوق انسان‌ها بودند.

در آثار با صیغه دینی که امروزه در بازار نشر مشاهده می‌کنیم، نسبت به کتاب‌های چند دهه گذشته، برخی مفاهیم کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسد. مثلاً سرنوشت مجاهدان صدر اسلام یا کتاب‌هایی که توجه به عدالت و ابعاد اجتماعی اسلام داشتند، در گذشته مشاهده می‌شد، ولی امروز فقط از لزوم سلام کردن و آشغال نریختن توی خیابان و مؤدب بودن برای بچه‌ها گفته می‌شود. نظر شما چیست؟

بله. اخیراً کتاب‌هایی با زمینه دوستی، مهربانی و اخلاق منتشر می‌شود. ببینید داستان نویسنده معلمی است که در یک کلاس با وسعت جامعه درس می‌دهد و باید بداند که بهداشت روح و عقل نوجوان در دست اوست. هر کلمه‌ای که او می‌نویسد، در اندیشه مخاطبان اثر می‌گذارد و آنها را به راه درست و یا نادرست می‌کشاند. به نظر من هدف یک داستان‌نویس برای کودکان و نوجوانان باید این باشد که آنها را با عاطفه و مهربان تربیت کند. نویسنده باید روح کودک و نوجوان را تلطیف کند و دوست داشتن را به آنها بیاموزاند. بررسی زندگی آدم‌های بی تفاوت نسبت به سرنوشت دیگران نشان می‌دهد آنها هیچ وقت فرصت نیافتند که جرعه‌ای از جام ادبیات و داستان‌های داستان‌پردازان انسان‌ساز را بنوشند. به همین دلیل است که قلبشان مانند سنگ است و نسبت به سرنوشت دیگران بی تفاوتند. اسلام این را نمی‌پسندد. ما به گونه‌ای باید این آموزه‌ها را بیان کنیم که در درجه اول مخاطبان را از بی تفاوتی و فقط به فکر خود بودن در بیاوریم.

از بحث در مورد محتوای کتاب دینی کودک و نوجوان که بگذریم، به نظر شما مهم‌ترین بحث روشی در نوشتن برای کودک و نوجوان چیست؟

در دهه چهل، هر چه کتاب کودک و نوجوان بود، بیشتر

توسط توده‌ای‌ها از انگلیسی یا روسی ترجمه می‌شد و مترجمان با تغییر اسامی آنها آن را چاپ می‌کردند. امروز هم بسیاری ناشران همین کار را می‌کنند، اثری را از خارج از کشور می‌گیرند، ترجمه می‌کنند و به اسم خودشان منتشر می‌کنند. در صورتی که کتاب برای کودک و نوجوان دقت و تلاش مضاعف را می‌طلبد و باید با اندیشه درست و روش‌های صحیح تربیتی تألیف شود. کسی که کار کودک و نوجوان می‌خواهد بنویسد، باید با روانشناسی کودک و نوجوان آشنا باشد، ادبیات فارسی را خوب بداند، با نویسندگان معاصر خوب آشنا باشد، آگاهی کافی از جامعه داشته باشد و از تاریخ جامعه و تاریخ مذهب مردم جامعه خود آگاه باشد.

در این زمینه، آگاهی از روانشناسی کودک و نوجوان و آگاهی از واژگان پایه یعنی واژگان و اصطلاحاتی که کودک و نوجوان در دبستان و دبیرستان آموخته است، از ضرورت‌های ورود به قلمرو ادبیات کودک و نوجوان است. گاهی کتاب‌های دینی‌ای منتشر می‌شود که من باید برای دانستن برخی واژه‌های آن به فرهنگ معین مراجعه کنم! خب این را نوجوان چگونه بفهمد؟ اگر نویسنده از واژه‌های ناآشنا استفاده می‌کند، باید در پاورقی یا انتهای کتاب آن را برای مخاطب کودک و نوجوان توضیح دهد.

فکر می‌کنید به هدفی که از نوشتن داشتید، رسیده‌اید؟

معتمد یک نویسنده اگر با آثارش بتواند، حتی یک انسان را به سوی خداپرستی و مهرورزی و محبت ببرد، اجر خودش را گرفته است. وقتی با برخی صحبت می‌کنیم می‌گویند کتاب دینی به اندازه کافی هست و دیگر نیازی به تألیف نیست. این گونه نیست. الآن، جهان تشنه معرفت حقیقی نسبت به اسلام است.

من چندسال به عنوان معلم در امارات مشغول به تدریس بودم. آنجا متن فرمان امیرالمؤمنین علی^(ع) به مالک اشتر را به زبان انگلیسی و عربی توزیع کردم. به واسطه آشنایی با همین متن، تعدادی از افراد شیعه شدند. یک نفر پزشک که اصلاً آمد قم و طلبه شد. ایشان به من می‌گفت شما گنجینه‌هایی دارید که خودتان هم از آن بی‌خبرید. این فرمان امام علی^(ع) فوق العاده است و نویسندگان دینی می‌توانند با مراجعه به آنها آثار دینی تولید کنند.

قبل از انقلاب یک مرحوم مصطفی زمانی بود، اما الآن خوشبختانه نویسندگان مذهبی زیادی وجود دارند و جای کار زیاد وجود دارد. باید از این فرصت‌ها و منابعی که در اختیار داریم استفاده کنیم.

« کتاب برای کودک و نوجوان دقت و تلاش مضاعف را می‌طلبد و باید با اندیشه درست و روش‌های صحیح تربیتی تألیف شود »

« معتمد یک نویسنده اگر با آثارش بتواند، حتی یک انسان را به سوی خداپرستی و مهرورزی و محبت ببرد، اجر خودش را گرفته است »

ناشری که خاطره مشترک کودکان نسل انقلاب است



۲۰

پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
گفت‌وگو

محمدرضا علیان، متولد سال ۱۳۲۷ شمسی در تهران است. وی از سال ۱۳۵۷، فعالیت انتشاراتی خود را با تأسیس انتشارات پیام آزادی آغاز کرد. او علاوه بر حضور در هیئت مدیره انتشارات، قائم مقام انجمن اسلامی ناشران و کتابفروشان تهران، عضو انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان و عضو هیئت مدیره مجمع ناشران انقلاب اسلامی نیز هست. انتشارات پیام آزادی انتشار بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب با شمارگانی بیش از ۳۰ میلیون جلد کتاب را در کارنامه خود دارد. به عنوان اولین ناشر نمونه کشوری در حوزه کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۰ و ناشر برگزیده دفاع مقدس، ناشر برگزیده خادم قرآن و چند نوبت ناشر نمونه نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب تهران نیز انتخاب شده است. آثار منتشره این انتشارات انواع کتاب‌های دینی و معارف اسلامی، کتاب‌های کودکان و نوجوانان در حوزه علمی، داستان، ادبیات، آموزشی و آثار مرجع در حوزه کودک و نوجوان است. آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگویی منتشر نشده از محمدرضا جاسبی، مدیر فقید انتشارات پیام آزادی است که در سال ۱۳۹۱، پس از چند دهه مجاهدت فرهنگی، به دیدار حق شتافت.

خمینی^(ره) بود. کتاب‌هایی مانند سرالصلوة، مصباح الهدایه تفسیر سوره حمد، جهاد اکبر و مجموعه‌ای شش جلدی به نام سرگذشت‌های ویژه از سرگذشت امام خمینی^(ره) بود که جزو پرشمارگان ترین کتاب‌های منتشر شده اوایل انقلاب است.

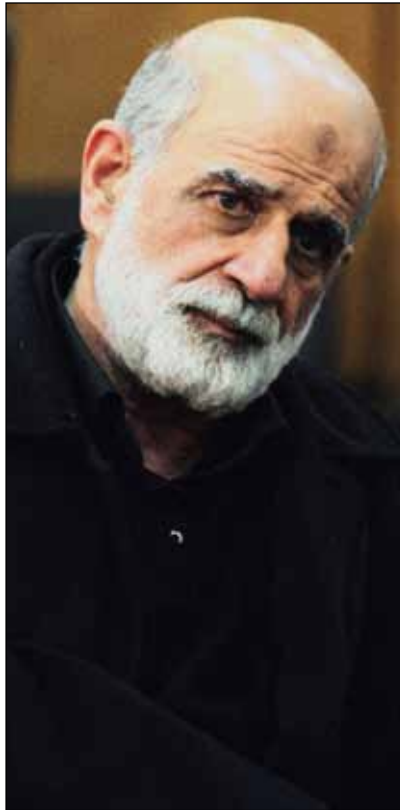
در زمان دفاع مقدس، انتشارات پیام آزادی چه رویکردی داشت؟

هم‌زمان با تحمیل جنگ از سوی صدام و حضور مردم و بسیج در جبهه‌ها، این نیاز احساس شد که عناصر فرهنگی از جمله ناشران، در جبهه‌ها حضور داشته باشند. بنابراین گروه‌های فرهنگی شکل گرفتند و در قالب کاروان‌های اعزامی به جبهه‌ها، نمایشگاه‌های متعددی از اقلام فرهنگی به‌ویژه کتاب، در سراسر جبهه‌ها بر پا شد. ما نیز با همکاری انجمن اسلامی ناشران و کتابفروشان، در این فعالیت‌ها در جبهه حضور مستمر داشتیم که در این راه، جعفر شیخ علی جاسبی که شریک انتشارات پیام آزادی و داماد خانواده ما بود، در سال ۱۳۶۲، به شهادت رسید و هم‌اکنون، بنده با همکاری اخوی، انتشارات را اداره

شما از ناشران باسابقه هستید که بیش از سی سال است، در این حوزه فعالیت دارید، خوب است، در آغاز، مقایسه‌ای از وضعیت نشر در قبل و پس از انقلاب اسلامی داشته باشید. انتشارات پیام آزادی، هم‌زمان با پیروزی انقلاب تأسیس شد و با توجه به صبغه انقلاب که رنگ و بوی فرهنگی داشت، تولید و نشر کتاب با رونق بی‌سابقه‌ای همراه شد و با تعداد ناشران و تعداد عنوان‌ها به‌طور فزاینده نسبت به قبل از انقلاب افزایش یافت. قبل از انقلاب، تعداد ناشران و کتابفروشی‌ها در سطح شهرها، بسیار اندک بود. شمارگان کتاب‌ها بین هزار تا دو هزار و تعداد عنوان‌ها در سال، کم‌تر از چند هزار بود، اما اوایل انقلاب، شمارگان کتاب‌ها به مرز ۱۰ هزار تا ۳۰ هزار رسید و امروز، ما حدود دوازده هزار ناشر در سطح کشور داریم که با انتشار نزدیک به ۶۰ هزار عنوان کتاب فعالیت دارند.

آن زمان، کتاب‌های چه شخصیت‌های مطرحی را چاپ می‌کردید؟

از پرشمارگان‌ترین کتاب‌های اوایل انقلاب که توسط پیام آزادی منتشر می‌شد، کتاب‌های حضرت امام



می‌کنیم.

در دوران جنگ، بیشتر چه کتاب‌هایی را منتشر می‌کردید؟
در زمان دفاع مقدس، لزوم چاپ آثاری متناسب با روحیه ایثارگری و شهادت در جبهه‌ها احساس می‌شد. البته این احساس، در بسیاری از نویسندگان جوان آن دوران نیز به چشم می‌خورد. این انتشارات اولین ناشری بود که مجموعه‌های داستانی در رابطه با جنگ را منتشر کرد. کتاب‌هایی مانند من هم به جبهه می‌روم، قهرمانان جنگ، پسر شجاع به جبهه می‌رود و... همچنین وصیت‌نامه شهیدا با عنوان آخرین لحظه‌های سرخ در چندین جلد به چاپ رسید. تدوین و انتشار مجموعه پیام‌ها و سخنرانی‌های حضرت امام خمینی^(ع) نیز که در چهار جلد منتشر شد، از آثار چاپ شده در آن دوران است. عنوان آنها، پیام انقلاب بود.

گویا انقلابی هم در نشر کتاب ایجاد شده بود.

پس از انقلاب، به‌علت روی آوردن جوانان به مسائل مذهبی و دینی، این انتشارات فعالیت خود را در حوزه آثار متنوع دینی و همچنین سیاسی آغاز کرد که البته بسیاری از آثار دینی، رنگ و بوی سیاسی نیز داشت. پس از آن، با توجه به وجود قشر عظیم کودکان و نوجوانان، این انتشارات در این زمینه نیز فعال شد. آثار منتشره در این بخش در زمینه داستان، شعر، نقاشی و آموزشی در شمارگان بالا چاپ و منتشر می‌شد. در آن زمان، بخش فرهنگی جهاد سازندگی نیز بسیار فعال بود و کتاب‌ها را به سراسر ایران و حتی روستاها منتقل می‌کرد. بنابراین شمارگان کتاب‌های کودکان و نوجوانان ما در هر عنوان کتاب به حدود ۳۰ هزار جلد رسیده بود.

کارنامه نشر شما نشان می‌دهد که به آثار دینی و انقلابی توجه ویژه داشته‌اید، چرا؟

وقتی ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی رأی مثبت می‌دهند، یعنی نیاز اعتقادی این ۹۸ درصد باید از منابع دینی و دین رسمی یعنی اسلام تأمین شود. فرهنگ اسلامی در جامعه ایرانی غالب است. البته فرهنگ ایرانی نیز در این زمینه می‌تواند مدنظر باشد. بنابراین ضرورت چاپ و نشر آثار دینی در جامعه ما، از بدیهیات است.

انتشار کتاب‌های دینی در کشورهای دیگر را چه طور می‌بینید؟

در نخست‌ستی که با ناشران اندونزیایی داشتم، متوجه شدم که در اندونزی، بیشترین خرید در زمینه کتاب‌های دینی است. البته به برکت انقلاب اسلامی، آمار گرایش غیر مسلمانان به اسلام در آمریکا و اروپا و همچنین آفریقا، به شدت افزایش یافته است که این موجب نگرانی

از

پر شمارگان‌ترین

کتاب‌های اوایل

انقلاب که توسط پیام

آزادی منتشر می‌شد،

کتاب‌های حضرت

امام خمینی^(ع) بود.

کتاب‌هایی مانند

سر الصلوة، مصباح

الهدایة، تفسیر

سورة حمد، جهاد

اکبر و مجموعه‌ای

شش جلدی به نام

سرگذشت‌های ویژه

از سرگذشت امام

خمینی^(ع) بود که

جزو پر شمارگان‌ترین

کتاب‌های منتشر شده

اوایل انقلاب است

دولت‌های غربی شده است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود استقبال از آثار اصیل دینی در کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای غیرمسلمان، روز به روز افزایش یابد.

با این تفسیرها، شما فکر می‌کنید چالش‌های موجود در انتشار کتاب‌های دینی چیست و چگونه می‌توان آنها را از بین برد؟

با توجه به گرایش شدید جوامع غیرمسلمان به دین اسلام، حکومت‌های غربی نیز بیکار ننشسته‌اند. نخست با ابزار تبلیغات سعی دارند چهره‌ای خشن از اسلام را نمایش دهند. آنها با به وجود آوردن القاعده با کمک وهابی‌ها، اسلام را دین خشنوت معرفی می‌کنند. در حوزه دیگر، با تولید آثار منحرف شبه‌عرفانی و فلسفی در دنیا، سعی دارند یک نمونه جایگزین برای آثار دینی ارائه کنند که متأسفانه این آثار را در ایران نیز ترجمه می‌کنند و به‌عنوان عرفان و خودسازی به خورد جامعه می‌دهند. وظیفه ما چاپ آثار اصیل و به‌روز برای کلیه گروه‌های سنی به صورت هنری و زیباست. آثار مشکوکی که در حوزه عرفان، ترجمه می‌شوند نیز باید نقد و معرفی شوند. استفاده از ابزارهایی مانند اینترنت هم برای معرفی آثار دینی، باید حتماً در نظر گرفته شود.



و پرورش در ایفای نقش در این زمینه، بسیار مهم است. مطبوعات و صداوسیما هم که نقش ویژه‌ای دارند.

برای وضعیت انتشارات در ایران، چه آینده‌ای را پیش بینی می‌کنید؟

با توجه به نقش فرهنگ اسلام در پیدایش انقلاب اسلامی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی^(ع) که یک فقیه و یک عالم اسلامی بودند، همچنین در حال حاضر، رهبر معظم انقلاب و سایر مسئولان که همه به اهمیت فرهنگ، اعتقاد و اصرار دارند، پیش‌بینی رسیدن به نقطه مطلوب در فرهنگ کشور، زیاد دور از ذهن نیست؛ اما به‌علت تغییرات متعدد در مدیریت‌های فرهنگی، متأسفانه نمی‌توان زمان خاصی را برای رسیدن به وضع مطلوب پیش‌بینی کرد. ما به یک مدیریت ثابت در پیش‌برد فرهنگ کشور نیاز داریم و البته هماهنگی لازم بین دستگاه‌های متولی فرهنگ باید به‌وجود بیاید. نقش مجلس شورای اسلامی در تأمین قوانین لازم برای این مهم نیز خیلی حیاتی است.

شما آثار متعددی منتشر کرده‌اید، اما از دید خودتان، بهترین اثری که تا به حال چاپ کرده‌اید، چه کتابی بوده است؟

چون ما حوزه‌های متعددی داریم، بهتر است بگوییم بهترین کتاب در هر حوزه کدام است. وقتی قرآن در کنار نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه چاپ می‌شود؛ خوب است بگوییم قرآن؛ بعد نهج‌البلاغه و بعد صحیفه سجادیه. مثلاً در حوزه قرآن، یکی از پرشمارگان‌ترین نمونه‌های قرآنی، توسط نشر ما به چاپ رسیده است. در سالی که رهبر معظم انقلاب، سال امام علی^(ع) معرفی کردند، نهج‌البلاغه ما با ترجمه استاد حسین انصاریان، در یک سال، هشت بار تجدید چاپ شد. در حوزه کودکان، دایرةالمعارف کودکان و نوجوانان، به‌عنوان اولین کتاب مرجع کودک و نوجوان، اکنون به چاپ چهاردهم رسیده

از جمله چالش‌های داخلی ما، مسئله توزیع کتاب است. اگر بهترین آثار را تولید کنیم، اما معرفی و توزیع نشوند، این در واقع عدم‌موفقیت در اهداف ماست. گاهی کتاب خوبی منتشر می‌شود و فقط در مراکز استان‌ها و پایتخت دیده می‌شود. بارها شاهد بودیم که مخاطبان در نقاط دور دست، پس از چند سال، کتاب‌های ما را تازه دیده‌اند و طالب می‌شوند.

تبلیغات در حوزه کتاب بسیار کم و البته ضعیف است و این مسئولیت دستگاه‌هایی مانند صدا و سیما و مطبوعات را سنگین‌تر می‌کند. کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور به‌ویژه در مدارس، مساجد، دانشگاه‌ها و مراکز تولیدی و کارخانجات، بسیار کم است و باید گسترش یابد.

مسئله دیگر، وضعیت اقتصادی ناشران است. پس از آزاد شدن قیمت کاغذ، اکنون، ناشران در تأمین مواد اولیه به‌ویژه کاغذ دچار کمبود نقدینگی هستند و با توجه به طولانی بودن فرایند تولید و خوابیدن سرمایه، لازم است وام‌های درازمدت و کم‌بهره در اختیار ناشران قرار گیرد تا در عرصه تولید کتاب، شاهد شور و نشاط بیشتری در بین ناشران باشیم.

چه راه‌هایی را برای پیشرفت در کار نشر پیشنهاد می‌کنید؟ بعد از موضوع تبلیغ و توزیع، مسئله داشتن یک تشکل قوی و فراگیر بیش از پیش، احساس می‌شود که با توجه به تأسیس مجمع ناشران انقلاب اسلامی، امید می‌رود، این مجمع با استفاده از کارگروه‌های متنوع، این چالش‌ها را بررسی و راهکارهای ایجابی را شناسایی و در اساسنامه خود تدوین کند. این آسیب‌ها در حوزه تولیدکننده اولیه، یعنی نویسنده و سپس ناشران و بعد موزعان باید مورد بررسی قرار گیرد. ناشر بدون موزع و موزع بدون ناشر، یک حلقه ناقص است که این دو باید در کنار هم بررسی و آسیب‌شناسی شوند. گسترش شبکه ویرترین کتاب در سراسر ایران، تقویت و گسترش نقش دانش‌آموزان و وزارت آموزش

« از جمله چالش‌های داخلی ما، مسئله توزیع کتاب است. اگر بهترین آثار را تولید کنیم، اما معرفی و توزیع نشوند، این در واقع عدم‌موفقیت در اهداف ماست. گاهی کتاب خوبی منتشر می‌شود و فقط در مراکز استان‌ها و پایتخت دیده می‌شود »

« ناشران باید در حوزه فعالیت خود، شناخت داشته باشند و مخاطب‌شناسی و نیازشناسی را سرلوحه کار خود قرار دهند »



خود من خیر؛ کتابی نداشته ام، اما اخوی اینجانب که شریک انتشارات از آغاز تأسیس بوده، آثار متعددی در حوزه کودک و نوجوان داشته که به‌ویژه در سال‌های اول انقلاب، در انتشارات پیام آزادی، چاپ و در شمارگان زیاد منتشر می‌شد و مقالاتی هم در مطبوعات داشته است. کتاب‌هایی مانند حماسه چهار مردان، عروسک چوبی، گندمک، از تو حرکت / از خدا برکت، جاسوس، گول زورتو نخور و...

درباره انتشارات دیگر اقوام خود بگویند که در نام همه آنها، عنوان پیام وجود دارد.

عنوان پیام به آشنایی برادرم با حجت الاسلام مصطفی زمانی، مؤسس انتشارات پیام اسلام در قم باز می‌گردد. ایشان با توجه به علاقه به انتشارات پیام اسلام، در اوایل انقلاب، نام پیام آزادی را برای انتشارات انتخاب کرد. ما دوست داشتیم سایر اقوام و دوستان هم به حوزه نشر وارد شوند. بنابراین کمک کردیم یکی یکی به این حوزه وارد شوند و برای اینکه این حلقه خانوادگی مفقود نشود، برای برادر دیگر نام پیام محراب را انتخاب کردیم. برای خواهرزاده‌ام، پیام دانش آموز انتخاب شد. برای باجناق اخوی، نام پیام نور را انتخاب کردیم و به‌تازگی هم اخوی، یک نشر دیگر را به نام پیام کتاب راهاندازی کرده است. انتشارات پیام آزادی را با برادرم اداره می‌کنیم. البته اسم فامیل برادرم، زمانی است و این مسئله به همان زمان باز می‌گردد که من پس از اینکه نام فامیل جاسبی‌مان را به شناسنامه‌ام باز گرداندم، آن موقع، نمی‌دانستیم که با اجازه من، برادرم نیز می‌توانست نام فامیل جاسبی را برای خود انتخاب کند، به همین دلیل، اداره ثبت احوال در آن زمان به ایشان اجازه نداد و او نام فامیلی زمانی را برگزید و به این دلیل، نام فامیلی من و برادرم با هم فرق می‌کند، ولی ما با هم برادریم و در کار انتشارات، شریک هستیم.

است. بسیاری از کتاب‌های ما، در نوع خود، اولین و در مواردی پر شمارگان‌ترین کتاب‌ها بوده‌اند.

چه نقطه نظری برای هم‌صنفان خود دارید؟
بیشتر هم‌صنفان من، اهل فرهنگ و صاحب‌نظر هستند و ما باید از نظراتشان استفاده کنیم؛ اما در عین حال، ناشران باید در حوزه فعالیت خود، شناخت داشته باشند و مخاطب‌شناسی و نیازشناسی را سرلوحه کار خود قرار دهند، در تشکلهای حضور داشته باشند و بدانند که حرکت‌های بزرگ در سایه وحدت و تشکل به سرانجام می‌رسد.

از کارتان راضی هستید؟ انتشارات توانسته است شما را اقناع کند؟

۱۰۰ درصد راضی نیستم، به این علت که به آرمان‌هایی که هدف‌گیری کرده بودیم، نرسیده‌ایم؛ اما از نوع شغل خود، یعنی انتشارات، بسیار راضی هستم، چون وقتی آثار منتشر شده مورد استقبال عمومی به‌ویژه کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد، احساس رضایت می‌کنم که توانسته‌ام، رضایت آنها را جلب کنم.

آیا فرزندان شما هم در کار انتشارات هستند و با شما همراهی می‌کنند؟

بله. آنها در بخش‌های هنری و فنی انتشارات فعال هستند و امیدوارم که این کار را تا آخر و بعد از ما هم همچنان ادامه دهند و به کار و شغل دیگری روی نیاورند.

شاید مخاطبان پرایشان جالب باشد که بدانند کسی که خود در این مدت در کار نشر و انتشارات بوده، آیا خود تا به حال کتابی نوشته است؟



«پیش‌بینی
رسیدن به نقطه
مطلوب در فرهنگ
کشور، زیاد دور
از ذهن نیست؛ اما
به علت تغییرات
متعدد در مدیریت‌های
فرهنگی، متأسفانه
نمی‌توان زمان خاصی
را برای رسیدن
به وضع مطلوب
پیش‌بینی کرد. ما به
یک مدیریت ثابت
در پیش‌برد فرهنگ
کشور نیاز داریم و
البته هماهنگی لازم
بین دستگاه‌های
متولی فرهنگ باید
به وجود بیاید



گفت‌وگو با استاد جواد محقق، شاعر و نویسنده

ممیزی فعلی ارشاد تضمین کننده محتوای سالم نیست

حسین شاهمرادی

استاد جواد محقق از شاعران و نویسندگان زبردستی است که سال‌های سال در آموزش و پرورش نیز خدمت کرده است و به عبارتی مخاطبی را که برایش می‌نویسد، به‌خوبی می‌شناسد. او در همه مقاطع تحصیلی از دبستان و راهنمایی گرفته تا هنرستان و تربیت معلم تدریس کرده است. علاوه بر این، او سابقه سی‌وچند ساله‌ای هم در تدریس در کلاس‌های غیررسمی شعر، داستان، مطالعه و تحقیق و روزنامه‌نگاری دارد. با بیش از هشتاد نشریه همکاری کرده است و سردبیری و مدیرمسئولی ده هفته‌نامه، ماهنامه و فصلنامه و دبیری پانزده کنگره و جشنواره ملی در عرصه کتاب و مطبوعات را در کارنامه دارد. او در حوزه ویراستاری و کتابشناسی و همچنین مدیریت‌های اداری و فرهنگی نیز تجربیات ارزنده‌ای دارد. او که در حال حاضر معاون بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان است، بیش از پنجاه کتاب در حوزه‌های دین، تاریخ و ادبیات نیز تألیف کرده است. استاد محقق، در میان همه مشغله‌های این روزهایشان، لطف کردند و زمانی را به پاسخ دادن به سوالات ما در حوزه کتاب کودک و نوجوان اختصاص دادند.

و هنر، خیلی به صحت و سقم محتوا کاری ندارد و نظارت بیشتر متوجه مواردی است که در قانون تصریح شده است. مثلاً اینکه به اشخاص و اقوام و ادیان و زبان‌ها و... توهین نشود و به اختلاف‌های داخلی آنها دامن زده نشود، وگرنه ممیزی ارشاد به اینکه فلان کتاب آموزش مثلاً داستان یا کامپیوتر واقعاً راهکار درستی برای یادگیری مخاطب ارائه می‌دهد یا نه، کاری ندارد. هم‌چنین است کتاب‌های ضعیف و نازلی که با هزینه‌های شخصی یا توسط ناشران غیرحرفه‌ای منتشر می‌شوند. پس ممکن است کتاب‌هایی مجوز رسمی ارشاد را هم داشته باشند، اما مفید نباشند و حتی گاهی مضر هم باشند. نکته ظریف‌تر این‌که بازار کتاب فقط شامل کتاب‌های مجوز گرفته از وزارت ارشاد نیست. بسیاری کتاب‌هایی که به دلایل گوناگون، به‌صورت غیرقانونی چاپ می‌شوند و به‌صورت زیرمیزی یا در کنار پیاده‌روها فروخته می‌شوند. اینها هم جزء بازار کتاب است و ظاهراً نه وزارت ارشاد و نه وزارت اطلاعات و نه هیچ دم و دستگاه رسمی و قانونی

برای تربیت یک نسل مؤمن و انقلابی چه کتاب‌هایی و با چه محتوایی نیازمندیم؟ آیا کتاب‌هایی که در حال حاضر در بازار کتاب هست، چنین نسلی را تربیت می‌کند؟ بازار کتاب هم مثل بقیه بازارها پر از اجناس خوب و بد و متوسط است. همه‌چیز متاعی در آن پیدا می‌شود. هم کتاب‌های مفید در آن هست و هم مضر. وقتی می‌گویم مضر، منظورم لزوماً کتاب‌های ضددینی یا غیراخلاقی نیست. بلکه هر نوع اثری است که آموزش غلط می‌دهد. حالا می‌خواهد در زمینه دین و تاریخ و سیاست باشد، یا آشپزی و گلدوزی! طبیعی است هر کتابی که آموزه‌های علمی، ادبی، فرهنگی، سیاسی، هنری و حتی فنی و تکنیکی غلطی داشته باشد، باعث گمراهی مخاطب می‌شود و در نتیجه، مضر است.

پس نمی‌شود درباره کلیت بازار نظری واحد داشت و آن را خوب یا بد قلمداد کرد. ممکن است کسی بگوید مگر این کتاب‌ها مجوز رسمی وزارت ارشاد را دارند؟ جوابش این است که اولاً بخش ممیزی ارشاد، مخصوصاً در کتاب‌های علمی و فنی یا ادبیات

« ممکن است

کتاب‌هایی مجوز

رسمی ارشاد را هم

داشته باشند، اما مفید

نباشند و حتی گاهی

مضر هم باشند



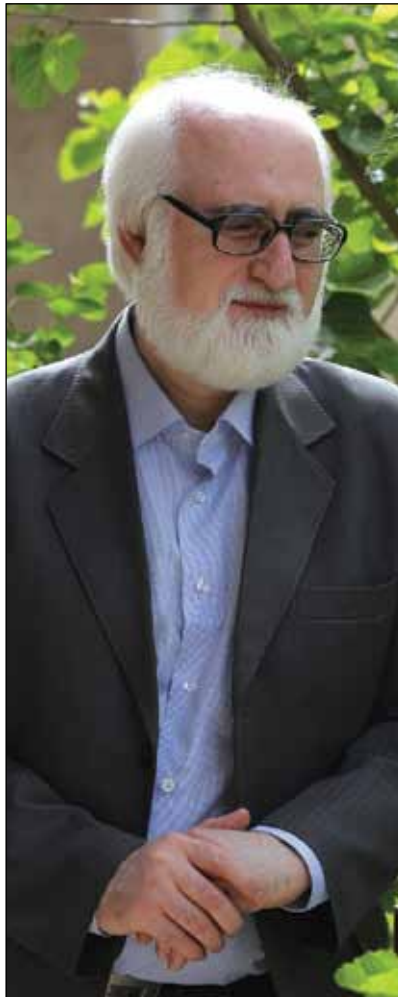
دیگری خودش را متولی نظارت و کنترل آن نمی‌داند. چون یک حرفه بین شغلی و البته کثیف و غیررسمی است که هم به مؤلف و هم به ناشر و در کل، به صنعت و بازار نشر ضربه می‌زند.

بخشی از این کتاب‌ها فال نخود و قهوه و دیگر خرافات اجتماعی از نوع هندی و چینی و سرخ‌پوستی آن است و بخشی دیگر درباره جادو جنبل‌های سنتی عوامانه. در میان این کتاب‌ها که انواع گوناگونی دارند، بخشی هم به کتاب‌های ممنوعه ادبی و اخلاقی و سیاسی و حتی تاریخی اختصاص دارد که با تحریک ذائقه ممنوعه‌پسند عرضه می‌شوند. این کتاب‌ها البته در درازمدت، به نوعی از تربیت مشکل‌ساز و غالباً مضر و نادرست دامن می‌زنند. طبیعی است مخاطب کم‌سوادی که کتاب ابتدایی دو قرن سکوت زرین‌کوب را از این بازار می‌خرد و می‌خواند، با کسی که کتاب‌های بامداد اسلام و کارنامه اسلام همین نویسندگان را که محصول دوران پختگی اوست مطالعه می‌کند، با دو نگاه تربیت می‌شوند.

البته انسان فرهیخته‌ای که اهل مطالعه جدی است، کتاب‌های موردنظرش را بر اساس فضای ملتهب سیاست‌زده سال‌های مختلف یا جوزدگی انتخاب نمی‌کند. او می‌داند که مثلاً مرحوم زرین‌کوب در سال‌های جوانی مثل همه جوان‌ها تحت‌تأثیر عوامل محیطی و تبلیغات ناسیونالیستی رضاخانی کتاب دو قرن سکوت را نوشته و بعدها به جبران این اشتباه، دو کتاب بامداد اسلام و کارنامه اسلام را تألیف کرده و حتی در جایی به صراحت گفته است که ما در دوره جوانی، تحت تأثیر فضای ناسیونالیستی موجود، حرف‌هایی زده‌ایم که در شأن یک مورخ نیست! اما همان تفکر رضاخانی، به مدد مثنی کاسب سودجوی بی‌فرهنگ و بی‌سواد، آن کتاب پرغلط ناشیانه را در کنار پیاده‌رو به خورد آدم‌های بی‌اطلاع می‌دهد. البته کتاب ارزشمند خدمات متقابل ایران و اسلام شهید مطهری در واقع پاسخ به همین کتاب است. به جز شهید مطهری، افراد دیگری هم به این کتاب پاسخ داده‌اند. علی‌ای حال می‌بینید که بازار مکراه کتاب، شامل اینها هم می‌شود.

در فرهنگ ایرانی اسلامی چه منابع مغفولی برای الهام گرفتن در تولید محتوای مفید و معرفت‌بخش برای کودکان و نوجوانان وجود دارد؟ چگونه می‌توان از این منابع بهره برد؟ از فرهنگ ایران قبل از اسلام اطلاعات زیادی در دست نیست و هیچ چهره شاخصی از آن در نیامده یا شناخته نشده است که اثر یا آثاری داشته باشد. من هم در این زمینه، کار یا مطالعه تخصصی نکرده‌ام، اما از فرهنگ اسلامی ایران به دلیل ظهور و بروز هزاران چهره نامدار علمی و ادبی یا فکری و فلسفی و هنری،

به برکت آثاری که بر جای مانده، تا حدی مطلعیم. ما برای کودکان و نوجوانان در سال‌های بعد از انقلاب، هر چه از مبانی دینی استخراج کرده‌ایم، عموماً به تاریخ دین مربوط است و کم‌تر به بخش‌های معارفی یا معرفتی آن پرداخته‌ایم. این هم دو سه دلیل دارد. یکی اینکه قلم‌زنان این حوزه غالباً داستان‌نویس بوده‌اند و با مراجعه به یکی دو کتاب تاریخی می‌توانسته‌اند یک نقل تاریخی را انتخاب و به زبان مخاطب بازنویسی کنند و به ناشر بدهند تا هر دو با سرعت بیشتری به چرخه اقتصادی کار نزدیک‌تر شوند. دوم اینکه، منابع تاریخی، هم ظرفیت بیشتری برای قالب داستانی دارند و هم حساسیت کم‌تری رو حذف و اضافاتی که مستلزم دراماتیزه کردن کار است، وجود دارد و در کل، سهل‌الوصل‌تر هم به نظر می‌رسد.



«بسیارند

کتاب‌هایی که به

دلایل گوناگون،

به صورت غیرقانونی

چاپ می‌شوند و

به صورت زیرممیزی

یا در کنار پیاده‌روها

فروخته می‌شوند.

اینها هم جزء بازار

کتاب است و ظاهراً

نه وزارت ارشاد و نه

وزارت اطلاعات و نه

هیچ دم و دستگاه

رسمی و قانونی

دیگری خودش را

متولی نظارت و کنترل

آن نمی‌داند

«ما برای کودکان و

نوجوانان در سال‌های

بعد از انقلاب، هر

چه از مبانی دینی

استخراج کرده‌ایم،

عموماً به تاریخ

دین مربوط است و

کم‌تر به بخش‌های

معارفی یا معرفتی آن

پرداخته‌ایم

فلفل تکنیکی قاطلی‌اش می‌کند و می‌دهد دست ناشر و می‌رود سراغ کار بعدی.

یکی از منابع غنی تولید کتاب کودک و نوجوان، حادثه کربلا و روز عاشورا است که به نظر می‌رسد ظرفیت‌های نشکفته بسیاری دارد. ما چگونه می‌توانیم از آن برای تربیت یک نسل انقلابی و مؤمن بهره بگیریم؟

بخشی از پاسخ این سؤال در جواب سؤال قبلی وجود دارد و تکرار نمی‌کنم؛ اما اضافه می‌کنم که برای تربیت عاشورایی، کتاب به‌تنهایی کافی نیست. اصلاً وقتی اکثر مردم به‌صورت جدی کتاب نمی‌خوانند، تربیت با کتاب امری محدود و محکوم است. مگر اینکه نرخ مطالعه در کشور بالا برود؛ آن‌قدر که بچه‌ها با حضور در فضای معنوی هیئت‌های حسینی و عباسی و زینبی در طول سال، به‌ویژه در ایام محرم، تربیت دینی پیدا می‌کنند، با خواندن کتاب تربیت نمی‌شوند. البته کتاب خوب می‌تواند آن تربیت را عمیق‌تر و عقلانی‌تر کند.

هم‌چنین اگر قصد تربیت عاشورایی داریم، ساخت فیلم‌ها و انیمیشن‌های قوی و جذاب هم در کنار کتاب لازم و حتی واجب است؛ اما می‌بینید که با نتایج زحمات ده ساله یک فیلم‌ساز متدین جبهه‌رفته مسلمان که برادر دو شهید است و هنوز ترکش‌های جنگ در تنش وول می‌خورند، چه برخوردی می‌کنیم. تازه فیلم رستاخیز با نظارت و حمایت مالی بسیاری از مراجع بزرگ معاصر در ایران و عراق و لبنان ساخته شده است! آن‌وقت به‌راحتی جلوی اکراش را می‌گیریم و سازنده هنرمند و متعهدش را به هزار اتهام ناروا منکوب می‌کنیم. با این برخورد‌های غیرفرهنگی، ناشیانه و غیرمنصفانه و ناعادلانه، کدام نویسنده جرئت می‌کند وارد این میدان بشود؟ به قول شاعر: مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان

بعضی معتقدند یکی از کمبودهای حال حاضر بازار کتاب ما، رمان برای کودکان و نوجوانان است. آیا شما این مسئله را قبول دارید؟ اصلاً این سنین به رمان احتیاج دارند یا نه؟ و رمانی که برای این گروه‌های سنی نوشته می‌شود، باید چه ویژگی داشته باشد؟

شما ماشاءالله با یک تیر چند نشان می‌زنید؛ یعنی در یک سؤال چند سؤال دیگر هم جاسازی می‌کنید. اما به‌هر حال سعی می‌کنم کوتاه جواب بدهم تا حوصله‌بر نباشد؛ به‌خصوص که در این مورد بهتر است اهل داستان نظر بدهند.

در بازار کتاب، ما خیلی چیزها کم داریم، مثلاً در حالی که حجم عظیمی از شبه‌کتاب‌های تولیدشده به کتب درسی اختصاص دارد، ما هنوز از تولید



دلیل سوم هم اینکه نویسندگان این حوزه اکثراً با منابع متعدد کلامی و معارفی اسلام آشنایی زیادی نداشتند و ندارند. تسلط بر مبانی قرآنی و حدیثی هم کار ساده‌ای نیست. از طرفی هم چون محتوای آنها غالباً روایی و داستانی نیست و به دلیل گره‌خوردگی به مسائل اعتقادی، حساسیت‌برانگیز هم می‌شده، نویسندگان غالباً به سراغش نرفته‌اند. به این دلایل اصلی و فرعی که عرض کردم، تقریباً بسیاری از حکایات بخش تاریخی اسلام، به‌ویژه در مورد مشاهیر دینی، توسط نویسندگان این گروه‌های سنی استخراج یا انتخاب و بازنویسی شده است، اما هنوز بخش تفسیری، قرآنی یا حدیثی روایی، مثل گنجی درسته، چشم‌انتظار اهالی قلم است. به‌ویژه در حوزه‌های اخلاقی که سخت به آن نیازمندیم.

خلاصه کلام اینکه به عالمان فاضل جوانی احتیاج داریم که به‌عنوان واسطه و کاتالیزور عمل کنند؛ یعنی منابع معرفتی منقح را به اصطلاح کوچک‌سازی کنند و برای بازآفرینی و نه بازنویسی، در اختیار نویسندگان عرصه کودکان و نوجوانان بگذارند، و گرنه یک نویسنده کم‌حوصله امروز که نمی‌تواند مثلاً چهار جلد تفسیر المیزان یا صدوده جلد بحارالانوار را با همه مباحث بحث‌برانگیزش بخواند تا یک کتاب چند ده صفحه‌ای کودک تولید کند؛ نه وقتش را دارد و نه حوصله‌اش را و نه تخصصش را. از نظر مالی هم صرف نمی‌کند برای یک میلیون تومان حق‌التألیف، مثلاً پنج، شش سال وقت بگذارد. می‌رود دو سه تا حکایت تاریخی را از یک کتاب تاریخ برمی‌دارد و کمی صحنه‌سازی و شخصیت‌پردازی می‌کند و مختصری هم نمک و

«**نویسندگان این حوزه اکثراً با منابع متعدد کلامی و معارفی اسلام آشنایی زیادی نداشتند و ندارند. تسلط بر مبانی قرآنی و حدیثی هم کار ساده‌ای نیست. از طرفی هم چون محتوای آنها غالباً روایی و داستانی نیست و به دلیل گره‌خوردگی به مسائل اعتقادی، حساسیت‌برانگیز هم می‌شده، نویسندگان غالباً به سراغش نرفته‌اند**»



بودم. در کنار یا همراه اینها، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مطبوعاتی متعددی هم در مجلات رشد و سایر نشریات این گروه‌های سنی داشته‌ام. مسئول صفحه، سردبیر و مدیرمسئول ده‌ها مجله بودم. از هفته‌نامه و ماهنامه بگیر تا فصلنامه و سالنامه! اینها را گفتم که بدانید کم‌تر کسی در آموزش و پرورش کشور پیدا می‌شود که در چنین گستره آموزشی با تنوعی از این دست، کار کرده باشد و خودش اهل نوشتن و سرودن هم باشد. یعنی حرف‌هایم در این زمینه، محصول تجربه‌ایست کم‌نظیر که خداوند مرا به داشتن آن موفق کرده است. به همین دلیل، حرف‌هایم قابل تأمل جدی است و نباید آنها را باری‌به‌هرجهت تلقی کرد. مفصل آن را هم در مصاحبه‌های دیگر گفته‌ام و دلایل و راهکارهای آنها را هم در حد توان و تجربه‌هایم شرح داده‌ام. در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها هم در شهرهای مختلف، به‌ویژه در جمع معلمان و مدیران آموزشی، بارها و بارها طرح کرده‌ام. واقعیت قضیه این است که نظام رسمی آموزشی، چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی، مشوق مطالعه و کتاب‌خوانی نیست. حتی مانع آن است. یعنی هیچ برنامه مدون مشخصی برای آن نداریم و نوع آموزش‌ها هم بچه‌ها را به سمت شوق‌انگیزی یادگیری هل نمی‌دهد و فرصتی هم برای آن در خانه و مدرسه فراهم نمی‌آورد. در این قضیه البته خانواده‌ها کم‌تر از نظام آموزشی مقصر نیستند. چرا که اغلب پدر و مادرها به‌خاطر بی‌اطلاعی و بیش‌تر از آن، به‌خاطر چشم و هم‌چشمی‌های خودشان، نه تنها بچه‌ها، بلکه نظام آموزشی را هم به انحراف کشانده‌اند؛ مخصوصاً در مدارس به اصطلاح غیرانتفاعی که مسئولانش ناگزیر از پاسخ دادن به مطالبه عمومی خانواده‌هایی هستند که پول می‌پردازند و ادامه حیات آموزشی و گسترش حیطه آموزشگاه اینها در دست آنهاست.

در این وانفسا، البته معلمان و مدیران معدودی هستند که نه به‌خواسته نظام آموزشی، بلکه به‌خاطر علاقه و شناخت درد و درک فرهنگی و همت خودشان، برخلاف آب شنا می‌کنند و تلاش می‌کنند بچه‌ها را با کتاب و مطالعه و نوشتن و سرودن و خلاقیت‌های علمی و ادبی و هنری آشنا کنند و آشتی بدهند؛ اما در ساختار آموزش رسمی، چنین درک و درایت یا فرصت و اختیاری وجود ندارد؛ چون خانواده‌ها مطالبه آن را ندارند و اولیای آموزش هم دغدغه‌شان نیست و غالباً خودشان هم کتابخوان جدی نبوده و نیستند و شرایط اداری و سازمانی هم آنها را به چنین فهمی نمی‌رساند. شرح این هجران و این خون جگر/ این زمان بگذار تا وقت دگر.

کتاب‌های کمک‌آموزشی و خودآموزهای عملیاتی در حوزه گوناگون به‌شدت فقیریم. در عرصه کتاب‌های دینی خوب، صحیح و بسامان هم که به سؤالات امروز گروه‌های سنی مختلف پاسخ بدهد، فقیریم. در عوض، به‌خاطر بلای کنکور و حرص دانشگاه رفتن و مدرک گرفتن‌های بدون آموختن، میلیون میلیون کتاب حل‌المسائل و تست و نمونه سؤال و آت‌آشغال‌هایی از این دست، تولید می‌کنیم و خلق‌الله هم به‌جای علم‌آموزی و یادگیری واقعی چیزهای لازم و کاربردی و مفید، مثل فحطی‌زدگان به سمت این بازار هجوم می‌آورند تا عده‌ای پول پارو کنند و اینها هم بهترین روزها و سال‌های عمرشان را به تمرین و مطالعه چیزهایی بگذارند که در عمل نه به کار دینشان می‌آید و نه به درد دنیایشان می‌خورد. در این میان، با هجوم ترجمه کتاب‌های ادبی، از جمله رمان‌های خارجی، خواننده ایرانی هم از آثار ادبی خوش‌ساخت و پرداخت بومی، از جمله رمان ایرانی، بی‌نصیب می‌ماند.

بله، رمان ایرانی برای کودکان و نوجوانان هم کم داریم. البته در دهه اخیر حرکت‌های خوبی برای تولید رمان‌های مخصوص این گروه‌های سنی شده است که در صورت تداوم، مایه امیدواری است. مثل طرح رمان نوجوان کانون پرورش فکری که با مدیریت آقای شهاب‌آبادی، سی‌چهل جلد آن منتشر شده؛ یا طرح تولید رمان انتشارات محراب قلم که با مدیریت آقای اقبال‌زاده در مراحل نهایی است و آثاری آماده شده است. جاهای دیگری هم به‌صورت پراکنده، اما جدی دارند کار می‌کنند. اما اینکه رمان کودکان و نوجوانان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد، نیازمند گفت‌وگو و بیشتری است که اجازه بدهید فعلاً به آن نپردازیم. به‌خصوص که اهلیت چندان‌ی هم در آن نداشته و ندارم.

با توجه به سابقه‌ای که جنابعالی در آموزش و پرورش دارید، نقش مدارس را در ایجاد علاقه به مطالعه در بچه‌ها چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا در حال حاضر، این نقش به‌درستی ایفا می‌شود؟

من جزء معدود معلمانی هستم که در همه دوره‌های آموزشی از ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان گرفته تا هنرستان و تربیت معلم، درس داده‌ام؛ هم در مدارس روزانه و هم شبانه، هم پسرانه و هم دخترانه، هم در روستاها و هم در شهرها و هم در بعضی از کشورهای دیگر مثل ترکیه و پاکستان. در ضمن، حدود بیست سال مربی و مدرس کلاس‌های شعر و قصه و مطالعه، تحقیق و روزنامه‌دیواری و روزنامه‌نگاری در اردوهای فرهنگی، هنری، کشوری دانش‌آموزان و دانشجویان

« به عالمان فاضل جوانی احتیاج داریم که به‌عنوان واسطه و کاتالیزور عمل کنند؛ یعنی منابع معرفتی منتق را به اصطلاح کوچک‌سازی کنند و برای بازآفرینی و نه بازنویسی، در اختیار نویسندگان عرصه کودکان و نوجوانان بگذارند

« رمان ایرانی برای کودکان و نوجوانان هم کم داریم. البته در دهه اخیر حرکت‌های خوبی برای تولید رمان‌های مخصوص این گروه‌های سنی شده است که در صورت تداوم، مایه امیدواری است

« واقعیت قضیه این است که نظام رسمی آموزشی، چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی، مشوق مطالعه و کتاب‌خوانی نیست

گفت و گو با حجت الاسلام حیدری اهری، نویسندهٔ زیر دست کتاب کودک

برای آموزش مفاهیم دینی به کودکان، به مدل‌های مناسب ارائه نیاز داریم



۲۸

پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
گفت و گو

..... نیلوفر هوشمند

غلامرضا حیدری اهری، نویسنده و کارشناس مذهبی کودکان و نوجوانان است که تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در تهران گذراند و به خاطر علاقه به علوم دینی، تحصیلات دوره دبیرستان را نیمه تمام رها کرد و به شهر قم رفت. در حوزه علمیّه قم، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و از اساتید بزرگ حوزه بهره برد. وی سه سال نیز در مرکز فرهنگ و معارف قرآن به سؤالات کتبی دانش آموزان پاسخ می داد و سه سال نیز با دارالحدیث همکاری می کرد.

از او آثار مختلفی منتشر کرده است که در جشنواره های گوناگون برگزیده شده اند. درباره محتوای کتاب کودک، با او گفت و گویی داشتیم که در ادامه می خوانید.

است؛ یعنی خودشان وقت نمی گذارند که مثلاً شش ماه نهج/البلاغه بخوانند، بعد حاصل این مطالعه و انس یک چیزی برای کودکان باشد.

دوستان معمولاً به سمت کارهایی می روند که نیاز به پژوهش نداشته باشد و کارهای سطحی هستند. آقای پیرمردان تعبیر زیبایی داشتند که ما برای نیازهایمان کار نمی کنیم، کاری را که بلدیم انجام می دهیم. این تعبیر درست است. ما نسبت به مشکلات اجتماعی و بحث های فرهنگیان کاری را که بلدیم انجام می دهیم، نه کاری را که لازم است. به طور مثال، بچه های ما لازم است با سیره پیامبر (ص) آشنا بشوند، ولی ما فقط بلدیم که قصه های پیامبر (ص) را بازگو کنیم یا بچه های ما لازم است با معارف قرآن آشنا بشوند، ولی ما بلدیم، قصه های قرآن را بازگو کنیم.

بعضی دوستان حوصله نمی کنند در حوزه های گوناگون کار پژوهشی انجام بدهند تا خروجی اش در کار کودک هم استفاده شود. الآن اگر شما به نمایشگاه کتاب رفته باشید، انگار کاری مستحب است که هر ناشری یک کتاب درباره داستان پیامبران داشته باشد. ما دچار نوعی تکرار شده ایم که این به نظر من یک ضعف جدی است. لازمه خروج از این تکرار این است که یا دوستانی که با معارف دینی

محتوای کتاب کودک و نوجوان در حوزه دین را چطور ارزیابی می کنید؟ وضعیت موجود ما چگونه است؟

ما داشته هایمان در این حوزه کم نیست و باید راجع به آنها خیلی گفت و گو کنیم. کارهایی که انجام شده است کم نیست و نباید از زحمات کشیده شده غفلت کرد، اما اگر بخواهیم نگاه انتقادی به وضع موجود داشته باشیم، دو اشکال اساسی وجود دارد. اشکال اول راجع به موضوعاتی است که کار می کنیم. موضوعات ما به شدت دچار تکرار شده است. مثلاً در کتاب های موجود بسیار کم به نهج/البلاغه و قرآن پرداخته شده است. درباره صحیفه سجاده که می توان گفت، اصلاً کاری صورت نگرفته است. به سخنان اهل بیت (علیهم السلام) و اطلاعات تاریخی نیز کم پرداخته شده است.

ما در بعضی از موضوعات مانند حکایت های اهل بیت (علیهم السلام) بسیار کار کرده ایم و دچار تکرار شده ایم در حالی که در بعضی از موضوعات با خلأهای جدی روبرو هستیم. با وجود این خلأها انتظار داریم که جوان ما نهج/البلاغه بخواند. شما باید این جوان را در دبستان با نهج/البلاغه آشنا می کردید تا در دبیرستان و دانشگاه با نهج/البلاغه مانوس بشود.

علت ایجاد این خلأ در بعضی از موضوعات، عدم انس قبلی دوستان نویسنده و ناشر با این موضوعات

« در کتاب های موجود بسیار کم به نهج/البلاغه و قرآن پرداخته شده است. درباره صحیفه سجاده که می توان گفت، اصلاً کاری صورت نگرفته است. به سخنان اهل بیت (علیهم السلام) و اطلاعات تاریخی نیز کم پرداخته شده است »

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۴ و ۵، مهر و آبان ۱۳۹۴



کنند یا تشویق‌هایی برای ناشرانی که کار تولیدی انجام می‌دهند، بگذارند تا آنها به سمت تألیف کتاب سوق داده شوند یا مثلاً در نمایشگاه‌ها اولویت با ناشرانی باشد که کارهای تألیفی ارائه می‌کنند.

از چه سنی به وسیله کتاب می‌توان به کودکان آموزش دینی داد؟

از هر زمان که بچه‌ها می‌توانند کتاب را در دست بگیرند. بعضی از کتاب‌ها هستند که بچه‌ها می‌توانند در حمام هم مطالعه کنند. آموزش دین از بدو تولد شروع می‌شود، منتهی دینی که ما می‌گوییم، این نیست که از همان اول مثلاً زندگی امام حسین (ع) را برایش بگویند نه! می‌توان از نقاشی‌های دینی استفاده کرد که بچه ببیند و متوجه بشود. راهش را باید پیدا کنیم. مشکل اساسی ما نداشتن راهکار مناسب برای آموزش مسائل دینی به کودکان است. کسانی که مخالف آموزش مسائل دینی به کودکان هستند، راهکار مناسبی ندیده‌اند. مثلاً وقتی می‌گوییم باید به کودکان نهج/البلاغه یاد بدهیم، بعضی فکر می‌کنند، می‌خواهیم مضامین سنگین به آنها آموزش بدهیم، ولی وقتی می‌گوییم می‌خواهیم راجع به مورچه و طاووس که امام علی (ع) در نهج/البلاغه فرموده‌اند، صحبت کنیم، می‌گویند، نه ما با این مشکلی نداریم. لذا مشکل اساسی ما، در حال حاضر، نداشتن مدل است.

آشنا هستند، به حوزه کودک بپردازند یا نویسندگان حوزه کودک با معارف دینی انس بیشتری بگیرند تا بتوانند کارهای تازه‌تری ارائه کنند.

اشکال دوم مربوط به کیفیت موضوعات است. گاهی دیده می‌شود که بعضی از دوستان به موضوعات جدید ورود پیدا می‌کنند، اما کارشان ضعیف است؛ یعنی موضوع انتخاب شده خوب است اما به لحاظ محتوایی ضعیف‌اند، حتی بازنویسی‌ها هم این اشکال را دارند. من یک وقتی نشستیم، قصه حضرت یوسف (ع) را با ترجمه قرآن مقایسه کردم. معلوم بود که نویسنده حتی حوصله نکرده است، به ترجمه قرآن مراجعه کند و مثلاً به گفت‌وگوی بین یعقوب و یوسف و برادران یوسف دقت کند. این دو اشکال در محتوا به نظر من جدی است.

بحث دیگر ما، بحث کتاب‌های ترجمه‌ای است. کتاب‌های ترجمه ارائه شده به کودکان عملاً با مبانی اسلامی در تباین و تضاد است. مثلاً در خیلی از معارف، غرایز انسان را در حد حیوان پایین آورده‌اند. چه کار باید کرد؟ از طرفی نمی‌شود جلوی ورود این کتاب‌ها را گرفت و از طرفی دیگر نهادهای نظارتی ما نظارت کافی و وافی را ندارند. به نظر شما چه اقدامی باید صورت بگیرد؟

اولین کاری که باید صورت بگیرد، این است که باید هشدار داد. بعضی از دوستان ما نسبت به آسیب‌های این کتاب‌ها توجه کافی ندارند؛ یعنی فکر می‌کنند که این کتاب‌ها خیلی هم خوب است. وزارت ارشاد هم نظارت‌هایی دارد، منتهی نظارت‌شان بیشتر ناظر به اشکالات کاملاً صریح است؛ مثلاً فرض کنید اگر چیزی مخالف با اسلام یا خلاف عفت عمومی باشد، آنها برخورد می‌کنند. بعضی از کتاب‌ها پیام‌های پنهان دارند. آن پیام‌های پنهان بسیار خطرناک است و شما بدون اینکه متوجه بشوید، این پیام‌ها تأثیر خود را می‌گذارد.

ما مسیر ترجمه را نمی‌توانیم ببندیم و درست هم نیست که ببندیم. ما مشکلی با آمد و شد اندیشه‌ها میان کشورها نداریم، اما در حوزه ترجمه مسئله اقتصاد غلبه پیدا کرده است. مثلاً برای یک کار تألیفی باید پول گرافیکست، تصویرگر و... بدهی آخر کار هم سرنوشت کتاب معلوم نیست، از طرف دیگر برای یک کتاب ترجمه صفحه‌ای دو هزار تومان می‌دهی ترجمه می‌شود و کتاب آماده می‌شود. سهل بودن کار هم در تولید و هم به لحاظ اقتصادی باعث می‌شود دوستان ناشر ما به سمت ترجمه بروند.

ارشاد باید یک نظم‌ی به ترجمه‌ها بدهد و نظارتی بر کار ترجمه‌ها داشته باشد که حداقل کسانی که به کار ترجمه روی می‌آورند، آثار فاخر را ترجمه



« ما دچار نوعی تکرار شده‌ایم که این به نظر من یک ضعف جدی است. لازمه خروج از این تکرار این است که یا دوستانی که با معارف دینی آشنا هستند، به حوزه کودک بپردازند یا نویسندگان حوزه کودک با معارف دینی انس بیشتری بگیرند تا بتوانند کارهای تازه‌تری ارائه کنند



گفت‌وگو با سیدصادق رضایی رئیس حوزه هنری کودک و نوجوان

کتاب باید خدا باوری و معاد باوری را در کودک تقویت کند

مینا دهقان

سیدصادق رضایی متولد سال ۱۳۴۳ در بهشهر و دارای مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی است و از پانزده سال پیش، ابتدا مدیریت کانون استان مازندران را بر عهده داشت و از سال ۱۳۸۷ نیز به مدیریت کانون استان خراسان رضوی منصوب شد. وی همچنین از سال ۱۳۸۸ مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تهران بود. او هم‌اکنون مشاور رئیس حوزه هنری و رئیس حوزه هنری کودک و نوجوان است. با او، گفت‌وگویی با موضوع کتاب‌های کودک و نوجوان انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

کرد. لذا در حال حاضر، نمی‌توانیم حرف دقیق علمی بزنیم، اما اگر بخواهیم بر اساس کلیت آنچه که در بازار می‌بینیم، صحبتی کنیم، به نظر می‌رسد در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به سرطان مبتلا هستیم. هشدار می‌دهم که حضرت آقا در نمایشگاه کتاب در رابطه با ژانر وحشت دادند، نشانه‌ای از همین معضل بود. آقا نسبت به ژانر وحشت هشدار دادند، اما ما می‌بینیم که بسیاری از کسانی که کار کودک و نوجوان انجام می‌دهند، از قضا برخی از ناشران انقلابی هم در بین آنها هستند، شمشیر را از رو بسته‌اند و به این بهانه که ژانر وحشت تقویت‌کننده تخیل کودکان است، هنوز دارند همان روند را ادامه می‌دهند.

بهبادهای دیگری هم دارند. می‌گویند این کتاب‌ها دارد تولید می‌شود و نسبت به آن در جامعه علاقه وجود دارد، پس ما هم باید معادل آن را داشته باشیم. این چه استدلالی است؟ آیا صرفاً به این دلیل که نسبت به چیزی علاقه‌ای در جامعه وجود دارد، باید ما هم آن را ایجاد کنیم؟ مثلاً اگر در برخی از افراد، علاقه‌ای به حرام‌خواری وجود دارد، ما هم باید به آن دامن بزنیم؟ چون عده‌ای میل به ربا دارند، ما هم باید به آن دامن بزنیم؟ خیر. گاهی اوقات نیاز است ما با یک عُرف غلط در محتوا مبارزه کنیم و آن را انهی کنیم.

البته ژانر وحشت تنها یک مثال است. مثال‌های دیگری هم از این دست وجود دارد.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که کتاب‌های کودک و نوجوان مضعف‌های جدی‌ای در حوزه محتوا دارند. آیا شما این نظر را قبول دارید؟ آیا معتقد به وجود خلاءهای محتوایی در این حوزه هستید؟

همان‌طور که می‌دانید، حوزه کودک و نوجوان اهمیت فراوانی دارد و ما باید کارمان را از این حوزه شروع بکنیم. اگر قرار است برای ملتی کاری انجام بشود، اگر قرار است عادت‌ی فرهنگی یا اندیشه‌ای در یک ملت به‌وجود بیاید یا بر آن تأکید بشود، باید از سن کودکی شروع شود.

اگر، به‌عنوان مثال، ملت ما کم به سینما می‌روند و شما می‌خواهید عادت به سینما رفتن را در مردم تقویت کنید، باید روی کودکان و نوجوانان کار کرد تا نسل آینده ما اهل سینما بشوند. این مثال را می‌شود به سایر حوزه‌ها هم تسری داد. باورهای جدی و اساسی زندگی را باید در سنین کودکی و نوجوانی در ذهن افراد ایجاد کرد. از همین جهت است که کتاب کودک و نوجوان اهمیت زیادی دارد و باید برای آن برنامه‌ریزی و فکر جدی بشود. باید برای محتوایی که قرار است به این نسل از جامعه عرضه شود، برنامه‌ریزی جدی کرد که متأسفانه در حال حاضر این‌گونه نیست.

برای رصد خلاءهای محتوایی بازار کتاب، باید یک بررسی علمی و دقیق انجام شده و محتوای آن تحلیل شود و بر اساس آن محتوا و تحلیل، در مورد این مسئله صحبت

«اگر قرار است عادت‌ی یا فرهنگی یا اندیشه‌ای در یک ملت به‌وجود بیاید یا بر آن تأکید بشود، باید از سن کودکی شروع شود»

«اگر بخواهیم بر اساس کلیت آنچه که در بازار می‌بینیم، به صحبتی کنیم، به نظر می‌رسد در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به سرطان مبتلا هستیم»



«یکی از مهم‌ترین کارهایی که می‌توان در حوزه کتاب کودک و نوجوان انجام داد، تربیت منتقد قوی و خبره است»

«من معتقدم که بهترین روش برای انتقال یک محتوا به کودکان و نوجوانان، قالب ادبیات است»

«کتاب کودک باید سرشار از یک محتوای غنی دینی و مذهبی باشد که به هنرمندانه‌ترین شکل ممکن و به دور از شعارزدگی و ... در کتاب گنجانده شده باشد»

همین قالب ادبیات است. البته همان‌طور که گفتم، بسیاری از آثاری که در حال حاضر به‌عنوان ادبیات ارائه می‌شوند، نمی‌شود به آنها ادبیات گفت.

این ادبیات باید مناسب حال کودکان باشد. بسیاری از آثاری که به نام کودک تولید می‌شوند، در اصل مخاطب کودک ندارند. کتاب‌هایی هستند که در رابطه با کودکان هستند، اما کتاب کودک نیستند. لذا مخاطب کتاب کودک، باید کودک باشد.

عنصر عاطفه و تخیل در کتاب کودک و نوجوان بسیار حائز اهمیت است. کودک در این سنین، نیاز به تخیل دارد و اثری که برای او تولید می‌شود، باید این ویژگی را داشته باشد.

کتاب کودک باید سرشار از یک محتوای غنی دینی و مذهبی باشد که به هنرمندانه‌ترین شکل ممکن و به دور از شعارزدگی و ... در کتاب گنجانده شده باشد. این ویژگی اخیر، وجه تمایز ما با غرب است. تأکید ما بر محتوای دینی چیزی است که در غرب به آن اهمیتی نمی‌دهند، البته اهمیت می‌دهند، ولی در جهت معکوس. یعنی سعی می‌کند خدایاوری، معادباوری و ... را در کودکان از بین ببرند. آنها نه‌تنها به‌دنبال آموزش مفاهیم دینی نیستند، بلکه به‌دنبال زمینی کردن و انسانی کردن خود خدا هم هستند. متأسفانه بسیاری از نویسندگان ما هم از آنها و آن روش تبعیت می‌کنند.

این نکته لزوم توجه و نظارت بر آثار ترجمه‌ای را بیشتر می‌کند. درست است؟

بله. اینکه من قبلاً گفته بودم که با بیست درصد اثر ترجمه‌ای موافقم، به همین علت است. البته باید تلاش کرد، این بیست درصد را هم هر چه می‌توانیم به نفع آثار تألیفی بکاهیم.

در کدام حوزه‌ها خلاها و ضعف‌ها جدی‌تر است؟ در همه زمینه‌ها ضعف داریم؛ در زمینه ادبیات به‌طور عام و ادبیات کودک و نوجوان به‌طور خاص، ضعف جدی داریم؛ در زمینه کتاب‌های تعلیمی ضعف جدی داریم؛ در تصویرگری، ضعیف هستیم؛ در نقد کتاب ضعیف هستیم.

نقد کتاب؟

بله، نقد کتاب. ما منتقد خوب کتاب هم کم داریم. اصلاً یکی از مهم‌ترین کارهایی که می‌توان در حوزه کتاب کودک و نوجوان انجام داد، تربیت منتقد قوی و خبره است. حداقل تأثیری که یک منتقد خوب می‌تواند داشته باشد، این است که باعث دیده شدن یک کار می‌شود. روشنفکرها، برای سرد کردن جریان حزب‌اللهی، دائم از همدیگر تعریف می‌کنند. این تعریف آن را می‌کند و آن تعریف این را. حتی گاهی اوقات از یک آدم دست‌چندمشان تعریف می‌کنند. ما این کار را نمی‌کنیم.

حتی جوایز ادبی هم بسیار مهم هستند. شاید برایتان عجیب باشد که بیش از هزار جایزه ادبی در فرانسه وجود دارد و این باعث برجسته شدن افراد و آثار می‌شود. نباید از اهمیت این جنس کارها غافل بود. ما می‌توانیم در بخش‌های مختلف تولید یک کتاب، اعم از نویسندگی، ویراست، آراست، تصویرگری و ... جایزه تعریف بکنیم.

برای تولید یک محتوای خوب و قوی، به چه نکاتی باید توجه کرد؟ به عبارت دیگر، یک محتوای خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

من معتقدم که بهترین روش برای انتقال یک محتوا به کودکان و نوجوانان، قالب ادبیات است. حتی مباحث آموزشی و ... نیز بهتر است در قالب داستان ارائه شوند. لذا بهترین راه برای آموزش سبک زندگی به کودکان نیز



به هر حال، مخاطب این آثار کودکان و نوجوانانی هستند که به راحتی تحت تأثیر این آموزه‌ها قرار می‌گیرند و می‌بایست نظارت کافی بر روی این مسئله اعمال شود.

در رابطه با این مشکلات در محتوای کتاب کودک و نوجوان چه باید کرد؟

با اینکه فرم و ظاهر کتاب خیلی مهم است و بسیاری از افراد از روی ظاهر و شکل کتاب تصمیم به خرید آن کتاب می‌گیرند، ولی مسئله محتوا مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است. امروز معضل محتوا در آثار عمده ناشران، حتی ناشران انقلابی و ناشران دولتی و ناشران وابسته به حاکمیت نیز وجود دارد. چرا باید این گونه باشد؟ شما وقتی پا به فروشگاه‌های اینها می‌گذارید، با کتاب‌هایی روبرو می‌شوید که مشکلات جدی محتوایی دارند. بسیاری از آنها، حتی به لحاظ فرمی هم اشکالات عدیده‌ای دارند. مثلاً کتابی را می‌بینید که نام نویسنده و تصویرگر کتاب یکی است و اسمش را هم ادبیات گذاشته‌اند، در صورتی که این کتاب اصلاً ادبیات نیست.

به هر حال، یک ناشر مسلمان ایرانی با یک ناشر غربی بی‌اعتقاد به خدا فرق دارند. امروز بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان ما، کسانی هستند که خدای آنها هانس کریستیان آندرسن است. بدیهی است که آثاری که این افراد تولید می‌کنند، نسلی را تربیت کند که اعتقاد به خدا و معاد و ... در آنها سست و متزلزل شود.

علی‌ای حال، به نظر می‌رسد که باید به وسیله یک پژوهش علمی دقیق، خلاءهای محتوایی کتاب‌های موجود در بازار را شناسایی کنیم و با استفاده از ناشران انقلابی و معتقد به این مسئله، برای ارتقاء کار برنامه‌ریزی کنیم و حتماً نیاز است که از ناشرانی که به مسئله محتوا اهتمام دارند، حمایت شود.

به نظر من، ناشران بسیاری هستند که اگر در حوزه محتوا، به آنها مشاوره داده شود، با میل و اشتیاق می‌پذیرند و به تولید اثر دست می‌زنند. حمایت از چنین ناشرانی، نه تنها حمایت از آثار خوب است، بلکه الگوسازی برای سایرین هم هست.

من معتقدم که ناشران کودک و نوجوان انقلابی باید دین خود را به انقلاب ادا کنند. شما می‌دانید که کتاب کودک و نوجوان، تا قبل از انقلاب به صورت ویتربنی بود و اصلاً جدی نبود، اما در جمهوری اسلامی ادبیات کودک و نوجوان ما حیات یافت. ادبیات به صورت عام، و ادبیات کودک و نوجوان، به صورت خاص، مدیون این انقلاب هستند و امروز هر چیزی در این حوزه وجود دارد، ثمره جمهوری اسلامی است. بر همین اساس، اهالی کتاب کودک باید دین خود را نسبت به این موضوع ادا کنند.

علاوه بر ناشران خصوصی و نویسندگان، نهادهای دولتی هم وظیفه دارند. شما ببینید در حال حاضر نهادهای

«**امروز بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان ما، کسانی هستند که خدای آنها هانس کریستیان آندرسن است. بدیهی است که آثاری که این افراد تولید می‌کنند، نسلی را تربیت کند که اعتقاد به خدا و معاد و ... در آنها سست و متزلزل باشد**»

«**ناشران بسیاری هستند که اگر در حوزه محتوا، به آنها مشاوره داده شود، با میل و اشتیاق می‌پذیرند و به تولید اثر دست می‌زنند. حمایت از چنین ناشرانی، نه تنها حمایت از آثار خوب است، بلکه الگوسازی برای سایرین هم هست**»

و سازمان‌های مختلفی اعم از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حوزه هنری، آستان قدس و ... در حوزه کتاب کودک مشغول هستند. خب اینها می‌توانند با یک هماهنگی و هم‌افزایی، ثمرات بهتری را برای نسل کودک و نوجوان ما به ارمغان بیاورند.

ما باید بتوانیم نیاز نسل کودک و نوجوان خود را تأمین کنیم. نوجوان ما نیاز به رمان سری دارد که ما متأسفانه آثاری از جنس جاده جنگ را کم داریم. یک نوجوان با شخصیت‌های یک داستان آشنا می‌شود و انس می‌گیرد و دوست ندارد، خیلی زود آنها را کنار بگذارد. یک رمان سری خوب می‌تواند یک تابستان یک نوجوان را پر کند. آیا ما ظرفیت تولید رمان سری خوب را نداریم؟

عنصر مخاطب نیز در آثار تولیدی بسیار مهم است. بسیاری از آثار تولیدشده اخیر، تهران‌زده‌اند و مردم شهرهای دیگر با آنها ارتباطی برقرار نمی‌کنند. مترو و ترافیک و ... مسائل تهران و کلان‌شهرهاست و مخاطبی که متعلق به این بافت نیست، آن را نمی‌پذیرد.

یعنی می‌فرمایید باید برای حوزه‌های جغرافیایی مختلف، آثار مختلفی داشته باشیم؟

خیر، ولی باید از ظرفیت‌های کل کشورمان برای این کار بهره ببریم. هر یک از حوزه‌های جغرافیایی یا فرهنگی کشور ما ظرفیت‌های فراوانی دارد که باید از آنها استفاده کنیم. کشور ما کشوری است که در یک سوی آن، محتوای ادبیات کودک و داستان‌ها و ... باران خواهی است و در سوی دیگر، مضامین آفتاب‌خواهی در داستان‌ها موج می‌زند. ما امروز رمان‌های دریا می‌داریم، رمان کویری کم داریم، رمانی که در کوهستان‌های کردستان اتفاق بیفتد، کم داریم و قس علی‌هذا.

این آثار می‌تواند کودکان را عاشق این کشور و فرهنگ آن بکند. اینها ظرفیت‌های عظیمی است که از آن غافلیم.

کتاب کودک و خطر محدود کردن دین به توصیه‌های اخلاقی

۳۳



پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
یادداشت



مهدی ابراهیم زاده

کارهای ادبیات کودک و نوجوان، عدالت‌طلبی و بازخوانی زندگی شخصیت‌های صدر اسلام به‌عنوان الگوهای قیام علیه ظلم و ستم جریان پررنگی بود که امروزه در کارهای ادبیات دینی کودک ما کم‌تر نمود دارد. امام علی (ع) در آثار آن دوران فردی بود که به‌دنبال عدالت و استقرار حکومت و مبارزه با ناکثین و قاسطین و مارقین بود، اما در آثار کودک زمانه ما بیشتر شخصیت مهربانی است که به فکر بچه‌ها و نان و شیر و عسل آنهاست.

هم در اقبال به عدالت و نگاه به جهاد در برخی آثار دهه‌های گذشته و هم در به حاشیه رانده شدن این مفاهیم در آثار جدید می‌توان تأثیر جو و فضای روشنفکری جامعه را نشان داد. نویسندگان مسلمان ما در دوران انقلاب در زمانی مشغول مبارزه بودند که کمونیسم و جنبش‌های چپ در اوج بودند و لاجرم در پرداختن به موضوعات دینی، به گونه‌ای وارد می‌شدند که از رقیب قدرتمند خود که کمونیست‌ها بودند، کم نیاورند.

امروز هم که ما کم‌وبیش دچار توسعه و تبعات آن شده‌ایم، برخی روشنفکران دین را در حاشیه و برای استفاده‌های مقطعی و مشخص در چارچوب برنامه‌های توسعه می‌پسندند. آنها به کنار آمدن همه مردم دنیا با نظام سلطه معتقدند و در این راستا، بدشان هم نمی‌آید که این امر با تکیه بر اخلاق اسلامی و ضرورت هم‌زیستی و مسالمت‌آمیز و شهروند مؤدب بودن و محدود کردن دین به توصیه به اشغال نریختن در خیابان محقق شود. در نوشتن کتاب دینی برای کودکان و نوجوانان، در زمانه ما، باید به این موضوع توجه مضاعف داشت و به دین در همه ابعاد آن توجه کرد، چرا که نگاه‌های سکولار و نظام سلطه، دینی را می‌پسندد که شهروندان مطیع و سربراه برای دهکده جهانی بار بیاورد.

کتاب‌های دینی برای کودکان باید چه چیزی به بچه‌ها بیاموزند؟ احکام نماز خواندن و روزه گرفتن؟ آداب غذاخوردن؟ خدانشناسی و توحید؟ آگاهی درباره مرگ؟ خوش اخلاقی و خوش‌رویی و ضرورت دروغ نگفتن؟ یا ... از بین اینها کدام یک اولویت بیشتری دارند؟

در تقسیم‌بندی متداول نزد علما، اسلام به سه بخش اعتقادات، احکام و اخلاق تقسیم می‌شود. کتاب‌های کلامی عمدتاً به بخش اول می‌پردازند و فی‌المثل با اثبات صانع و بحث در ادله ضرورت نبوت و معاد مخاطبان‌شان را در زمینه اصول اعتقادی قانع می‌کنند. رساله‌های توضیح‌المسائل کتاب‌های شاخص حوزه احکام هستند و آثاری مانند معراج‌السعادة و جامع‌السعادات و ... از نمونه‌های مشهور کتب اخلاقی‌اند.

به نظر می‌رسد در نوشتن کتب دینی برای کودک و نوجوان نیز باید کمابیش به این تقسیم‌بندی قدما توجه داشت. مخاطبان ما به فراخور احوالاتشان هم نیاز دارند که با احکام دینی آشنا شوند، هم باید مبانی اعتقادی‌شان محکم شود و هم باید آداب و اخلاق اسلامی را بیاموزند و البته در کنار اینها جای ویژه‌ای هم برای کتب تاریخ اسلام باید در نظر گرفت.

در این بین، البته به نظر می‌رسد تأثیر زمانه و گفتمان غالب بر جامعه در مشخص کردن اولویت‌های پدیدآورندگان آثار مختلف و بالتبع آثار دینی کم نیست. به‌عنوان نمونه امروزه کتاب‌هایی که سعی دارند به بچه‌ها مبادی آداب بودن، خوش‌اخلاقی بودن، دروغ نگفتن و منظم بودن را بیاموزند، فراوانند؛ اما کتابی که مسائل اعتقادی فی‌المثل مرگ و معاد را خوب بیان کرده باشد یا عدالت و ستیز با ظالمان را به خوانندگانش منتقل کند، کم‌تر پیدا می‌شود. در دهه پنجاه و شصت شمسی، در

«مخاطبان ما به
فراخور احوالاتشان
هم نیاز دارند که با
احکام دینی آشنا
شوند، هم باید مبانی
اعتقادی‌شان محکم
شود و هم باید آداب
و اخلاق اسلامی را
بیاموزند و البته در
کنار اینها جای ویژه‌ای
هم برای کتب تاریخ
اسلام باید در نظر
گرفت»



گفت‌وگو با مجید صحاف، مشاور دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

باید جایگاه کودک را در تمدن نوین اسلامی تبیین کنیم

سهراب سمنگانی

مجدد صحاف مشاور دبیر کل نهاد کتابخانه‌های کشور است. او که تجربه کار در زمینه کتاب کودک و نوجوان را هم دارد، در گفت‌وگو با ما از فقدان راهبرد تولید کتاب برای کودکان و نوجوانان می‌گوید و ضمن انتقاد به این مسئله راه‌حل‌هایی را هم ارائه می‌دهد.

نوین اسلامی است. اگر کتاب‌ها طوری نوشته شد که بچه‌ها توانستند فکر کنند، یعنی چطور عزت‌مند باشند، چطور استقلال داشته باشند، چطور آزاد باشند و شاداب و امیدوار حرکت کنند، کتاب جامع کودک طراحی کرده‌ایم و ترکیب اینها کنار هم ما را به یک مدل می‌رساند.

حرکت ما باید بر اساس این مدل باشد. مدلی که به نظر من جایگاه‌چندانی در نشر کودک و نوجوان کشور ندارد. سال گذشته، برای بررسی این موضوع به سراغ برخی ناشران رفتیم. در نمایشگاه از بعضی ناشران سؤال کردم که برای تولید کتاب چقدر نیاز سنجی می‌کنید؟ پاسخ دادند که علاقه‌مندیم و نیاز داریم که نیازسنجی شود، اما امکان آن را نداریم. نیاز، مدام در حال تغییر است و ناشر باید مدام در پی نیازسنجی از بازار کتاب باشد تا متناسب با ذائقه مخاطبش دست به تولید بزند؛ اما کتاب‌هایی که در این زمینه تولید می‌شود، خارج از نیاز و غیرمرتبط با نیاز مخاطب کودک و نوجوان است. انتخاب کتاب کودک سخت شده است. امروز بیشتر روی گرافیک کار می‌شود.

به نظر شما وضعیت نشر کتاب در ایران چگونه است و با توجه به وضعیت امروز، آینده آن را چطور ترسیم می‌کنید؟ قبل از پاسخ دادن به سؤال شما، باید چند موضوع را مطرح کنم، چرا که قبل از ورود به بحث کتاب کودک و نوجوان باید چند مسئله را در نظر بگیریم. ما بر این باوریم که کتاب بُعد نرم‌افزاری تمدن را کامل می‌کند، برای همین باید بدانیم کتاب کودک کجای تمدن نوین اسلامی است. در واقع، پرسش ابتدایی ما باید این باشد که کودک تراز تمدن اسلامی چه چیزی باید یاد بگیرد و به چه چیزهایی نیاز دارد و چه خلاءهایی در این راه موجود است؟ من سه مؤلفه را برای کودک تراز تمدن اسلامی در نظر می‌گیرم که شامل اندیشه‌ورزی، شادابی و امید و معنویت است. این سه مؤلفه کلیت منسجمی است که شخصیت کودک را شکل می‌دهد.

به باور من، تمدن نوین اسلامی ویژگی‌هایی دارد که باید آنها را در چند بحث خلاصه کنیم. بحث عزت‌مند بودن، استقلال، قدرت اندیشه و تعقل، آزادی و دانش‌گستری جزو شاخصه‌های اصلی تمدن

«من سه مؤلفه را برای کودک تراز تمدن اسلامی در نظر می‌گیرم که شامل اندیشه‌ورزی، شادابی و امید و معنویت است. این سه مؤلفه کلیت منسجمی است که شخصیت کودک را شکل می‌دهد»



بحث دارد. ما نمی‌گوییم چون آسیب هست، نباید از مواد مورد نیاز بهره‌مند شویم. شما بعد دیگر قضیه را هم ببینید. پدر و مادرهایی هستند که علاقه‌مندند کتاب‌های خوب برای فرزندان‌شان تهیه کنند، اما پیدا نمی‌کنند. ما می‌گوییم، باید به سمتی برویم که تنوع و حق انتخاب بالا برود.

فضای ذهنی کودک بر اساس احساس است. متن باید ساده باشد. علاوه بر اینکه او را با زبان رسمی آشنا می‌کنیم، باید دایرة لغات او را بالا ببریم. بحث دیگر ما عینیت است. کودک باید تصور نزدیکی از موضوعات داشته باشد. برای همین از تصاویر استفاده می‌کنیم. در کتاب کودک باید بحث امید و نشاط کانون اصلی باشد. کودک نمی‌تواند اتفاقات سخت را تحمل کند. برای همین است که باید ژانر ترس را کم کرد.

کودک در یک اجتماع پیچیده زندگی نمی‌کند. فضای ذهنی محدودی دارد. پس متنی که می‌نویسیم باید مناسب با فضای ذهنی کودک باشد. وقتی می‌گوییم نیازسنجی باید کنیم، قائل به چنین مسائلی هستیم. کتاب وسیله بازی نیست. کتاب باید به بچه انرژی بدهد، احساس کند که روانش پرورش پیدا می‌کند.

در شاخصی که مطرح می‌کنم و در حوزه ترویج است، وظیفه والدین مطرح می‌شود. مادر باید توانمندی قصه‌گویی داشته باشد. پدر اگر بخواند، کتابی بخواند، جلوی بچه با صدای بلند بخواند؛ در بسیاری از موارد، از این طریق می‌توان بسیاری مفاهیم را به کودک منتقل کرد.

فکر می‌کنم اگر به جای آرمان‌ها و صحبت از مدینه فاضله، از عینیت‌ها و واقعیت‌ها صحبت کنیم، بهتر باشد. آمار و عناوین منتشر شده در حوزه کودک و نوجوان با این معیارهایی که می‌گویید، خیلی فاصله دارد. شما صحبت از نیاز جامعه می‌کنید، در حالی که این نیازها با آرمان‌های مطرح شده، فاصله دارد. ما در مدینه فاضله زندگی نمی‌کنیم. در کشور ما بچه‌های فرزند طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست وجود دارد. در بسیاری خانواده‌ها ماهواره هم هست. ضمن اینکه این خانواده‌ها کودک کتاب نمی‌خرند، این پدر و مادرند که کتاب تهیه می‌کنند و در اختیار فرزندشان قرار می‌دهند. در این فضا چطور می‌شود نیاز را با این آرمان‌ها تطبیق داد؟ در تمدن نوین اسلامی نباید برای کودکان کتاب در ژانر ترس نوشت، اما آمارها رشد این ژانر را نشان می‌دهند و جالب اینکه فروش هم دارد...

ببینید یک موقع به دکتر مراجعه می‌کنید و از او می‌پرسید بدن من چقدر به ویتامین‌ها نیاز دارد و او هم توصیه‌هایی می‌کند. من گفتم ویتامین‌ها باید در کتاب‌ها باشد تا فرد بتواند از آنها بهره‌مند شود. اگر نقصی در کتاب‌ها یا پذیرنده که کودک است، وجود دارد، بحث دیگری است. سؤال این است که آیا توانسته‌ایم کتابی که مورد نیاز باشد، طراحی کنیم؟ می‌گوییم، نتوانسته‌ایم. اینها که می‌گوییم آرزوی ما نیست، باید‌های ما در حوزه کتاب کودک است. باید کتاب‌ها دارای این شاخص‌ها باشد تا به تراز تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم.

شرایط زندگی یک بچه و عدم تسلط پدر و مادر بر کودک، بحث رسانه‌ها و عوامل مخرب دیگر جای

« پدر و

مادرهایی هستند

که علاقه‌مندند

کتاب‌های خوب

برای فرزندان‌شان

تهیه کنند، اما پیدا

نمی‌کنند

« بحث دیگر ما

عینیت است. کودک

باید تصور نزدیکی

از موضوعات داشته

باشد. برای همین

از تصاویر استفاده

می‌کنیم

« کودک در یک

اجتماع پیچیده

زندگی نمی‌کند.

فضای ذهنی محدودی

دارد. پس متنی

که می‌نویسیم باید

مناسب با فضای ذهنی

کودک باشد



« برای رسیدن به اهداف باید از آموزش و پرورش شروع کرد. این تصور که بچه‌ها در ایام تحصیل باید کتاب درسی بخوانند، کاملاً اشتباه است. ثابت شده است که در شب امتحان اگر بچه‌ها بتوانند کتاب غیردرسی بخوانند، بهتر می‌توانند مطالب را یاد بگیرند و امتحان بدهند

« در رسانه‌ها به‌ویژه رادیو و تلویزیون، هیچ مدل جامعی برای تشویق کودکان به کتابخوانی طراحی نشده است

« هماهنگی از مهم‌ترین بخش‌های مباحث ترویجی مطالعه است. یعنی هماهنگی که باید صنعت نشر را به‌صورت یک زنجیره در آورد، وجود ندارد. هر کس حرف خودش را می‌زند و هماهنگی در کنار دغدغه بین متولیان عرصه‌های مختلف شکل نگرفته است

پیشنهادتان چیست؟ برای دست‌یابی به چنین هدفی از کجا باید شروع کرد؟

معتقدم بیشترین جایی که بچه‌ها در آن رفت و آمد می‌کنند، مدرسه است. بنابراین باید به این زمینه توجه کرد. بحث آموزش و پرورش الآن یک موضوع کلیشه‌ای است که بخواهم دوباره به آن بپردازم؛ اما باور دارم که برای رسیدن به اهداف باید از آموزش و پرورش شروع کرد. این تصور که بچه‌ها در ایام تحصیل باید کتاب درسی بخوانند، کاملاً اشتباه است. ثابت شده است که در شب امتحان اگر بچه‌ها بتوانند کتاب غیردرسی بخوانند، بهتر می‌توانند مطالب را یاد بگیرند و امتحان بدهند. قبلاً ثابت شده بود و ما هم در یک پروژه انجام دادیم و همه خانواده‌ها پاسخ خوبی گرفتند. طوری که در ایام اوج امتحانات، میزان به امانت گرفتن کتاب در منطقه‌ای که مشغول مطالعه بودیم، بیشتر شد.

چرا امروز کتابخانه مدارس تعطیل شده است و چرا کتابدار مدرسه از رده شغلی خارج شده است؟ این سؤال را باید متولیان و کسانی که برای صرفه‌جویی در بودجه کتابدار مدرسه را حذف کردند، پاسخ بدهند.

ضمن اینکه بحث رسانه هم در این میان مطرح هست. به جرئت می‌توان گفت در رسانه‌ها به‌ویژه رادیو و تلویزیون، هیچ مدل جامعی برای تشویق کودکان به کتابخوانی طراحی نشده است. گاهی تبلیغ کتاب است، گاهی معرفی کتاب است و گاهی یک کارشناس معرفی کتاب انجام می‌دهد، اما اثری ندارد. تحقیقی انجام دادیم که این معرفی‌ها چقدر منجر به خرید کتاب می‌شود، پاسخ می‌دانید چه بود؟ نزدیک به صفر.

در سال‌های اخیر تجربه نشان داده است که مدل‌های موفق کتابخوانی در رسانه‌ها، مدل آموزش و پرورش است. یعنی کتاب بخوان، امتحان بده، جایزه بگیر. در آموزش و پرورش جایزه نمره است و اینجا هدیه نقدی. خب، این شیوه در طولانی مدت جواب می‌دهد؟

با اینکه من به گسترش فضای اینچنین کمک می‌کنم، اما مدل موفق برای ترویج مطالعه نیست. درصد کمی از آنها که به‌خاطر مسابقه شرکت می‌کنند، دچار تحول و آن اتفاقی که مدنظر است، می‌شوند. البته این مدل درصدی مؤثر است، چرا که در وضعیت فعلی شأن و منزلت کتاب و کتابخوانی را حفظ می‌کند.

ما کمبودهای زیادی هم در حوزه کتاب و کتابخوانی داریم. کدام بانک جامع کتاب در کشور وجود دارد؟ چند کاتالوگ جامع آماده کرده‌ایم و به مردم داده‌ایم و از آنها خواسته‌ایم اگر کتابی

می‌خواهد، چگونه باید به دست بیاورد؟ کدام مربی و معلم در کشور است که دستش از این چیزها پر باشد؟ جدای از این مسائل، جای گروه همسالان هم خالی است. در خیلی از حوزه‌ها، گروه همسالان را الگو قرار می‌دهیم. در قاریان قرآن، المپیادها و...، اما در حوزه کتابخوانی، کدام الگوی کتابخوانی وجود دارد؟ مطمئن باشید که اگر یک الگوی رقابتی ایجاد شود، فضا بهتر می‌شود.

واقعیت این است که در کشورمان با همه کمبودها، در حوزه نشر دست‌پری داریم؛ تولیدکننده، فروشنده، خریدار و نویسنده. ۹ هزار ناشر، هزاران نویسنده و تصویرگر، صدها کتابفروشی و شاید میلیون‌ها مخاطب در کشور وجود دارد. اما این ظرفیت‌ها در حال تبدیل شدن به یک تهدید بزرگ هستند. صنعت نشر در حال ورشکستگی کامل است. مسابقه خندوانه و آمار فروش کتاب‌ها در یک مدت کوتاه به ما درس‌های زیادی داد و آن اینکه هم ناشر در کشور ما وجود دارد، هم کتاب خوب و هم خریدار مشتاق. چه اتفاقی افتاده است که به جز مسابقه مردم به سمت کتاب نمی‌روند؟

هماهنگی و دغدغه دو کلمه مهم در صنعت نشر کودک است. خیلی‌ها که در این زمینه کار می‌کنند، دغدغه این کار را ندارند. هماهنگی از مهم‌ترین بخش‌های مباحث ترویجی مطالعه است. یعنی هماهنگی که باید صنعت نشر را به‌صورت یک زنجیره در آورد، وجود ندارد. هر کس حرف خودش را می‌زند و هماهنگی در کنار دغدغه بین متولیان عرصه‌های مختلف شکل نگرفته است. دارا و سارا شکست خورد چون مکمل‌های دیگر آن طراحی نشد و مخاطب نتوانست باور کند که این کاراکترها می‌توانند، مفاهیمی به آنها منتقل کنند. البته دغدغه مهم‌تر از هماهنگی است.

دغدغه، هماهنگی هم می‌آورد. در واقع جامعه هدف در مباحث شما کودک نیست، کسانی هستند که کتاب کودک تولید می‌کنند. معروف است که کتاب بعد از ۲ سال خواب، وارد بازار می‌شود. یعنی کتاب از زمانی که تولید می‌شود تا به دست مصرف‌کننده می‌رسد، ۲ سال طول می‌کشد. در حالی که ممکن است کتاب در وضعیت جدید جامعه با مخاطب ارتباط برقرار نکند و دیگر دغدغه مخاطب نباشد.

قضیه پرورش اخلاقی نونهالان و نوجوانان و کودکان برای همه کشورها و جوامع واقعاً مهم است، ولی برای ما اهمیت مضاعفی دارد. اهمیت مضاعفی از این جهت است که جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که بر مبنای تفکر و احکام اسلامی می‌خواهد بنا شود، باید توجه بیشتری به رشد اسلامی کودک و نوجوانانش بدهد.



چالش‌ها و فرصت‌های ترجمه کتاب کودک



حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی نسب
مدیر نشر جمال و عضو هیئت مدیره مجمع ناشران انقلاب اسلامی

« در فرهنگ غرب،

خیلی از مسائل و

موضوعات به صورت

ریز تبدیل به کتاب

شده است و وقتی

توجه می‌کنیم،

می‌بینیم یک موضوع

و محتوای واحد را

شاید با پنجاه فرم

مختلف در قالب کتاب

در آورده‌اند

« نمایشگاه‌های

خارجی بیش از آنکه

برای فروش و واگذاری

رایت مناسب باشد،

برای خرید رایت خوب

است

می‌تواند به یک کتاب دینی با نگرش اسلامی تبدیل بشود. این نوع بهره‌برداری از نمایشگاه‌های خارجی کودک، بیشترین نوع استفاده‌ای است که ما می‌توانیم از نمایشگاه‌های خارجی داشته باشیم. یعنی برویم سوژه‌یابی کنیم، فرم کتاب را بگیریم، سبک کتاب را بگیریم و محتوای خودمان را وارد آن کنیم؛ موضوعاتی را که آنها کار کرده‌اند و غلط‌هایشان گرفته شده، بیاوریم و در یک قالب و چینش قابل قبولی به جامعه ارائه کنیم. به عنوان مثال، خود بنده کتابی را تحت عنوان من عیسی را دوست دارم، در نمایشگاه بولونیا دیدم که ایده‌های خوبی را برای معرفی اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما می‌داد. من از آن ایده استفاده کردم و کتاب‌هایی را برای معرفی پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (علیهم‌السلام) تولید کردیم.

نمایشگاه‌های خارجی بیش از آنکه برای فروش و واگذاری رایت مناسب باشد، برای خرید رایت خوب است. برای کسانی هم که دغدغه کارهای دینی دارند، خیلی خوب نیست، چرا که اغلب کتاب‌های دینی آنها به سختی قابلیت بومی‌سازی دارند. کتاب‌های زیادی در این حوزه وجود دارد که می‌توان آنها را ترجمه کرد، اما آسیب‌زا هستند. این کتاب‌ها سرشار از مفاهیم مستقیم و غیرمستقیم

تقریباً همه کشورهای برای داد و ستد با نشر کودک ایران آمادگی دارند، اما در بعضی‌ها کندتر می‌توان جلو رفت و در بعضی تندتر. در فرهنگ غرب، خیلی از مسائل و موضوعات به صورت ریز تبدیل به کتاب شده است و وقتی توجه می‌کنیم، می‌بینیم یک موضوع و محتوای واحد را شاید با پنجاه فرم مختلف در قالب کتاب در آورده‌اند. در حوزه دین و کتب دینی هم به همین شکل است که یک مفهوم دینی را به چندین شکل مختلف به صورت کتاب آماده کرده‌اند. شما اگر نمایشگاه کتاب بولونیا را بررسی کنید، می‌بینید که هزار گونه مختلف از داستان‌های بائبل در آنجا وجود دارد.

کتاب‌های خارجی که ما با آنها روبرو هستیم، به عبارتی سه گونه‌اند: یک دسته کتاب‌هایی هستند که ارزش ترجمه کردن را ندارند و موضوعاً برای ما مفید نیستند. دسته دوم کتاب‌هایی هستند که اگر کمی بومی شوند، قابل ترجمه و چاپ شدن هستند. دسته سوم هم کتاب‌هایی هستند که به عنوان یک سرمایه و فکر برای نویسندگان هستند؛ یعنی کتاب در قالب مسیحیت نوشته شده و به درد چاپ نمی‌خورد، ولی اگر مؤلفین ما کتاب را مطالعه و بررسی کنند، ایده‌های ناب را از آن به دست می‌آورند که این ایده‌های ناب

داروینیسیم و بیگ‌بنگ و نفی خدا و نفی نبوت و غیره هستند.

مهم‌ترین چیزی که در این باره می‌توانم بگویم این است که در بخش دینی، ناشران مسیحی، به‌ویژه آمریکایی، آثار خوبی برای بخش کودک دارند که این امر مورد غفلت ما قرار گرفته است. برخی فکر می‌کنند که غرب جز برهنگی و فساد و مسائل جنسی چیز دیگری برای ما ندارد، حال آنکه در بخش دینی آنها ناشران زیادی دارند که بسیاری از آنها بسیار قدرتمند هستند و حداقل ما می‌توانیم از فرم و شیوه و روش آنها در کتاب‌های خودمان استفاده کنیم.

کتاب‌هایی که در حال حاضر ترجمه می‌شوند سه دسته‌اند. دسته اول کتاب‌هایی هستند که با نگاهی معارضانه یا مغرضانه ترجمه می‌شود و متأسفانه به هردلیلی مجوز می‌گیرد و وارد بازار می‌شود و اینها نوعاً برای ترویج مصارف سکولار می‌آید.

دسته دوم ترجمه کتاب‌هایی را شامل می‌شود که تلاش می‌کنند ویرایش مختصری در متن و تصاویر انجام دهند و کتاب را چاپ کنند. معمولاً چون هزینه این‌گونه کتاب‌ها ارزان‌تر است، برخی ناشرین رغبت می‌کنند که این کتاب‌ها را بیاورند و چون نیروی انسانی‌ای که بتواند این کتاب‌ها را به شیرینی در بیاورد، موجود نیست، بعد از ترجمه این کتاب‌ها گاهی مواردی که در آن غفلت شده و مناسب نیست یافت می‌شود.

دسته سوم و بخش آخر هم شبه‌ترجمه‌هاست

که کتاب‌ها را ترجمه می‌کنند و سعی در بومی‌سازی آن دارند. در این مورد هم گاهی غفلت‌هایی رخ می‌دهد، برای مثال اصل و مبنای کتاب را یافته‌های غربی می‌گذارند و بعد شاهد مثال را از کتاب‌های دینی و معارف می‌آورند. گاهی هم تلمیح به آیات و روایات می‌کنند که چیز خوبی از آب در نمی‌آید. البته بعضاً کتاب‌های خوبی هم می‌شوند، ولی در کل چون مبنا را معارف غربی قرار داده‌اند، آسیب‌زا می‌شود، چون که می‌خواهند از آیات و روایات استفاده کنند تا معارف غربی را توجیه کنند.

در مجموع در ترجمه کتب باید احتیاط کنیم و ابتدا در مورد درستی کار قانع شویم و سپس کتاب را به چاپ برسانیم. باید بنا را بر ناسالم بودن این کتب بگذاریم، لذا دقیق بررسی کنیم، کارشناس نظر بدهد و اگر قانع نشدیم، آن را منتشر نکنیم.

در واقع، ترجمه ناصحیح از کتب غربی موجب نوعی دوگانگی فرهنگی در کودکان می‌شود و جهان‌بینی غیرتوحیدی آنها به کارهای ما آسیب می‌رساند. تأثیر این آموزه‌ها نیز تا بزرگسالی با کودک همراه است.

در بسیاری از اوقات نیز این ترجمه‌ها صرفاً با هدف اقتصادی انجام می‌شود، چون این ترجمه‌ها سود خوبی دارند، اما تأثیرات فرهنگی خوبی ندارد. لذاست که به نظر من، با ترجمه می‌توان در خیابان انقلاب برج ساخت، اما لزوماً نمی‌شود با ترجمه فرهنگ انقلابی ساخت. برج ساختن در خیابان انقلاب با فرهنگ انقلابی ساختن تفاوت بسیار زیادی دارد و کار متفاوتی می‌طلبد.

«در بخش دینی، ناشران مسیحی، به‌ویژه آمریکایی، آثار خوبی برای بخش کودک دارند که این امر مورد غفلت ما قرار گرفته است»

«در ترجمه کتب باید احتیاط کنیم و ابتدا در مورد درستی کار قانع شویم و سپس کتاب را به چاپ برسانیم. باید بنا را بر ناسالم بودن این کتب بگذاریم، لذا دقیق بررسی کنیم، کارشناس نظر بدهد و اگر قانع نشدیم، آن را منتشر نکنیم»



گفت‌وگو با دکتر عبدالحسین پیروز، استاد دانشگاه مذاهب قم

مشکل ما در تولید کامیک استریپ مربوط به داستان پردازی است

۳۹



پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
گفت‌وگو



عبدالحسین پیروز

..... ابوالفضل حیدر دوست

دکتر عبدالحسین پیروز، در دانشگاه مذاهب اسلامی قم، فلسفه هنر تدریس می‌کند. او که دکترای فلسفه هنر از دانشگاه علامه طباطبائی دارد، در زمینه کامیک استریپ تحقیقات فراوانی انجام داده است. با او در مورد پیشینه‌های کامیک استریپ و کاربرد آن در کتاب‌های کودک و نوجوان گفت‌وگو کردیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

شکل امروزی کامیک را نیز می‌توان پیش از هر جا در مجله کیهان بچه‌ها و کتاب‌های انتشارات مصور (در قبل از انقلاب) و در نشریاتی نظیر کارتون و هزار قصه (در ابتدای انقلاب) مشاهده کرد.

ثانیاً برای عدم تولید کامیک در ایران دو دلیل اصلی وجود دارد؛ اول عدم ورود و توزیع کامیک‌های متنوع خارجی. در برخی سال‌ها جلوی کامیک‌ها گرفته شده است. مثلاً در دهه شصت کتاب‌های ترن منتشر نمی‌شد. واقعیت آن است که رونق خرید و فروش کامیک‌های خوب خارجی همواره موجب می‌شود تا علاقه‌مندان این هنر وارد میدان شوند و از میان آنها افرادی که استعدادی در این زمینه دارند، به صورت جدی درگیر تولید و نشر کامیک و رقابت با یکدیگر شوند.

دوم، ناتوانی در تولید کامیک، عمدتاً به ناتوانی ما در داستان پردازی برمی‌گردد. متأسفانه ادبیات داستانی معاصر ما، ادبیاتی ضعیف، بی‌رسم و فاقد حس و حال لازم است و نویسندگان ما استعداد و توانایی کافی برای آفرینش شخصیت‌های جذاب و ماجراهای جالب و درگیرکننده را ندارند. این در حالی است که کامیک‌ها به‌مثابه نوعی ادبیات مصور پیش از هر چیز نیازمند داستان قوی و جذاب هستند.

کامیک استریپ از چه زمانی وارد ایران شد و چرا هیچ‌گاه مانند کشورهای توسعه‌یافته در ایران رواج آن چنان پیدا نکرده است؟

اولاً بهتر است به جای واژه کامیک استریپ، از واژه کامیکس (Comics) استفاده کنیم چراکه کامیک استریپ تنها دسته خاصی از کامیک‌ها را در برمی‌گیرد که در قالب‌هایی کم و با تصاویری ساده در روزنامه‌ها چاپ می‌شوند.

در ضمن، اگر منظور شما زمان ورود کامیک‌های خارجی به ایران است، باید گفت ابتدا در دهه‌های پیش از انقلاب بود که تعدادی کامیک‌های انگلیسی‌زبان و فرانسوی، در میان مطبوعات عامه‌پسند خارجی به ایران وارد شدند؛ اما اگر منظور شما از این پرسش، یافتن تاریخچه‌ای از شکل بومی این هنر است، می‌توانیم به کتاب‌هایی نظیر عجایب المخلوقات قزوینی در قرن ۱۳ میلادی و نیز برخی نسخه‌های مصور شاهنامه یا کلیله و دمنه اشاره کنیم که همگی از نوعی روایت مصور برخوردار بوده‌اند. همچنین، نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و برخی اشکال نقالی و پرده‌خوانی، نمونه‌های دیگری از اشکال هنری قابل مقایسه با کامیک در سرزمین ما به شمار می‌روند.

«رونق»

خرید و فروش

کامیک‌های خوب

خارجی همواره موجب

می‌شود تا علاقه‌مندان

این هنر وارد میدان

شوند و از میان آنها

افرادی که استعدادی

در این زمینه دارند،

به صورت جدی درگیر

تولید و نشر کامیک و

رقابت با یکدیگر شوند

فلسفه استفاده از کامیک‌استریپ چیست و چرا کمتر در آثار کودک و نوجوان از این شیوه استفاده می‌شود؟

کامیک‌ها که امروز به‌عنوان هنر نهم شناخته شده‌اند، هنری تلفیقی و میان‌رشته‌ای هستند. کامیک‌ها ذیل دسته‌ای از آثار ادبی قرار می‌گیرند که از آن با نام ادبیات مصور یاد می‌شود. خود ادبیات مصور، ذیل هنرهایی قرار می‌گیرند که بر روایت تصویری استوارند و به آنها هنرهای توالی محور (مراد از توالی، توالی تصویری است) گفته می‌شود. ویژگی اصلی روایت بصری، جذابیت ذاتی آن برای انسان است. همه ما آدم‌ها دوست داریم، آنچه را می‌شنویم یا می‌خوانیم، تماشا هم بکنیم. این اصل ساده مهم‌ترین دلیل به وجود آمدن انواع هنرهای توالی محور است؛ اما در پاسخ به بخش دوم پرسش شما باید گفت برخلاف کشور ما، سال‌هاست که کامیک‌ها بخش اصلی ادبیات کودک و نوجوان در بسیاری از کشورهای دنیا را به خود اختصاص داده‌اند.

کامیک‌استریپ در کتاب‌های کودک و نوجوان چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟

من صرفاً به دو کارکرد فرهنگی مهم کامیک‌ها در حوزه کودک و نوجوان اشاره می‌کنم: ۱- کارکرد مدیاتوری یا واسطه‌گرایانه کامیک‌ها در سوق دادن این گروه سنی به سمت مطالعه ۲- کارکرد آموزشی کامیک‌ها. رسانه کامیک، با عرضه توانمند کلمه و تصویر، قوای معرفت‌زای بیشتری را در انسان فعال می‌کند.

از آن مهم‌تر، کامیک‌ها به دلیل بهره بردن از زبان تصویری قادرند تا اطلاعات بیشتری را در زمان کمتر و با دقت بیشتر انتقال دهند. از همین روست که امروز بسیاری از کتب آموزشی در حوزه‌های گوناگون (خاصه حوزه کودک و نوجوان) از این رسانه استفاده می‌کنند.

تفاوت نگرش ما به کامیک‌استریپ با نگرش کشورهای توسعه‌یافته چیست؟

در کشور ما هنوز درک درستی از ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، صنعتی و سیاسی کامیک‌ها وجود ندارد. امروز صنعت تولید کامیک‌های ژاپنی (مانگاها)، قریب به ده میلیارد دلار در سال گردش مالی دارد. البته بد نیست بدانید که تولید کامیک در مقام یک هنر مولد، همواره به تولید طیف گسترده‌ای از انواع کالاها و فرآورده‌های فرهنگی نظیر فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، اسباب‌بازی، پوشاک، لوازم التحریر و... انجامیده است.

به نظر شما آموزه‌های دینی را چطور می‌توان از طریق کامیک‌استریپ منتقل کرد؟

آموزش یک عمل دینی ساده نظیر وضوگرفتن یا نمازخواندن را در نظر بگیرید و مقایسه کنید که روایت صرفاً کلامی آن مؤثرتر، دقیق‌تر و سریع‌تر است یا روایت

کلامی-تصویری آن؟

استفاده از کامیک‌استریپ در کتاب‌های کودک و نوجوان چه مزایا و معایبی دارد؟

استفاده از کامیک نه تنها هیچ ضرری ندارد، بلکه ضرورتی غیرقابل انکار است. زبان دوران ما، زبان کامیک‌هاست. زبان این عصر، دیگر زبان صرفاً کلامی نیست، بلکه زبان تصویر و کلام است. امروز اگر نتوانیم به این زبان حرف بزنیم، بی‌سواد محسوب می‌شویم.

در کشور ما و در سالیان گذشته، برخی بر این باور بودند که مطالعه کامیک، تخیل خلاق انسان به‌ویژه کودکان را از کار می‌اندازد، چراکه در حین مطالعه کامیک‌ها دیگر مجبور نیستیم تا خردمان تصاویری را در ذهن خود خلق کنیم. در واقع این افراد گمان می‌کردند، اگر حین خواندن جمله‌های یک کتاب، یک معادل یا ترجمه تصویری از آن جملات را به ذهن خود بیاوریم، تخیل خلاق داشته‌ایم! البته چنین دیدگاهی باطل و خطا بود. این سینما می‌گوید تخیل بر دو نوع است: تمثیلی و ابداعی. تخیل تمثیلی یعنی ایجاد یک صورت ذهنی در ذهن. این نوع تخیل، هیچ ارزشی ندارد. اینکه شما بگویید لیوان و من تصویر یک لیوان را به ذهن خود بیاورم، ارزش خاصی ندارد؛ اما تخیل ابداعی، عبارت است از ایجاد نوعی صورت ذهنی که تاکنون وجود نداشته است، مثل خلق داستانی که تاکنون خلق نشده بوده یا خلق تصویری که تاکنون جایی ندیده بودیم یا خلق یک ملودی تازه و نظایر اینها. این نوع تخیل، خلاقانه و واجد ارزش است و همان کاری است که از هر هنرمندی نیز انتظار می‌رود.

حقیقت آن است که اگر قرار بود با ندیدن چیزی، انسان به تخیل خلاق برسد، لازم می‌آمد تا افراد نابینا، خلاق‌ترین انسان‌ها باشند که البته چنین نیست. ضمن آنکه می‌توانیم به تجربه خودمان هم رجوع کنیم و ببینیم آیا کودکان دینور ما که از خواندن کامیک محروم شدند، امروز تخیل خلاق‌تری دارند یا افرادی که در جاهای دیگر دنیا، کودکی‌شان را با دنیای کامیک‌ها سپری کردند؟

چه واژه فارسی‌ای را به جای این کلمه پیشنهاد می‌کنید؟ داستان-نما گزینه خوبی است. کلمه داستان روایتگری را در خود دارد و واژه نما می‌تواند ناظر به فریم‌ها یا همان کادرهای مسلسل‌وار تصویری باشد که روایت از طریق آنها صورت می‌گیرند.

البته بد نیست درباره این موضوع چند منبع مطالعه خوب را هم معرفی کنم. فصلنامه فارابی، شماره ۵۳ یکی از منابع خوب در این زمینه است. همچنین از آثار خوب در این زمینه، هنر کامیک ۱، انتشارات کتاب آبان، کتاب کامیک، چاپ و نشر نظر، تاریخچه تحلیلی کامیک‌استریپ، انتشارات سوره مهر و چگونه کامیک‌استریپ بسازیم، انتشارات خانه هنرمندان است.

« در کشور ما هنوز درک درستی از ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، صنعتی و سیاسی کامیک‌ها وجود ندارد. امروز صنعت تولید کامیک‌های ژاپنی (مانگاها)، قریب به ده میلیارد دلار در سال گردش مالی دارد

« تولید کامیک در مقام یک هنر مولد، همواره به تولید طیف گسترده‌ای از انواع کالاها و فرآورده‌های فرهنگی نظیر فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، اسباب‌بازی، پوشاک، لوازم التحریر و... انجامیده است

با کامیک استریپ می توان مفاهیم دینی را به کودکان آموزش داد

۴۱



پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
یادداشت شفاهی



علی جاسبی نیا
مدیر انتشارات دانش آموز

شد. لذا اگر این سبک گسترش پیدا کند، انیمیشن ایران هم رشد پیدا می کند.

برخی از افراد معتقدند که تولید آثار کامیک استریپ، به دلیل بالا بودن هزینه تصویرگری، به لحاظ اقتصادی توجیه پذیر نیست؛ اما ما در حال حاضر این کار را می کنیم و اقتصادی است. من حدود ۱۷، ۱۸ سال پیش، تقریباً ۹ میلیون تومان برای یک کتاب ۶۰ صفحه ای پرداخت کردم، آن زمان این مبلغ بسیار بالایی بود و خیلی ها به من می گفتند جواب نمی دهد؛ اما جواب داد و حتی میزان استقبال از آن تا جایی بوده که چندی پیش از حرم حضرت معصومه (س) با من تماس گرفته و گفتند که در حال آماده سازی کارهای عاشورایی شما هستیم تا در حرم به نمایش بگذاریم.

ما در ایران تصویرگر خوب زیاد داریم؛ اما چون ما در این وادی کار نکرده ایم، فکر می کنیم نمی شود، در حالی که می شود و کار خیلی سختی هم نیست. اتفاقاً اگر بخواهیم در زمینه دینی، مذهبی و ملی کودک و نوجوان در خارج از کشور موفق باشیم، یکی از راه های بسیار مؤثر آن همین داستان های مصور می باشد. منتها رنگ و بوی تصویرگری باید ایرانی اسلامی باشد. با استفاده از تصویرگری های غربی نمی توان آثار ایرانی اسلامی تولید کرد. دلیل موفقیت داستان مصور عاشورایی ما این بود که نگارگری آن کاملاً ایرانی اسلامی بود. لذا با یک برنامه ریزی درست و با استفاده از ظرفیت هایی که وجود دارد، می توان مسائل مختلفی مانند حجاب و نماز و... را با استفاده از کامیک استریپ کودکان و نوجوانان آموزش داد.

در غرب بیش از سه دهه است که روی کامیک استریپ به صورت جدی کار می شود و الآن بسیار جا افتاده که انواع و اقسام موضوعات مختلف اعم از اجتماعی، جنایی، عشقی و... را با استفاده از شیوه کامیک استریپ ارائه می کنند. اگر بخواهیم تعریفی چند خطی از کامیک استریپ ارائه کنیم، باید بگوییم که نوعی فست بوک (fastbook) است که چون همراه با تصویر است و متن کمی هم دارد، هم خیلی سریع مطالعه می شود و هم خیلی در ذهن باقی می ماند. البته این کار در ابتدا با کارهای تن تن آغاز شد و منظور از کامیک استریپ، طنز دنباله دار بود. کامیک به معنای طنز بود و استریپ به معنای دنباله دار. البته ما اینجا به آن داستان مصور می گوییم.

ما خودمان دو داستان به این سبک کار کردیم یکی داستان عاشورا بود که به دو زبان چاپ شد و دیگری هم داستان ملیکا، مادر حضرت امام زمان (ع) بود که به چهار زبان ترجمه شد که خیلی هم جذاب است. اما کلیت ماجرا این است که در ایران به خاطر هزینه و زمان بری بسیار، هیچ ناشری زیر بار این کار نرفته است؛ اما ما در حد توانمان این کار را انجام داده ایم.

در حال حاضر، ظرفیت های خوب و زیادی برای کار در حوزه کامیک استریپ وجود دارد. دفاع مقدس، داستان های قرآنی و فرهنگ ایران موضوعات خوبی هستند که می توان به آنها پرداخت. الحمدلله، ما تا به حال، در این کار موفق بوده ایم. کامیک استریپ ملیکا را که تولید کردیم، با یک شرکت لبنانی قرارداد مشترک بستیم و بر طبق آن انیمیشنی به نام شاهزاده روم ساخته

« برخی از افراد
معتقدند که تولید
آثار کامیک استریپ،
به دلیل بالا بودن
هزینه تصویرگری،
به لحاظ اقتصادی
توجیه پذیر نیست؛
اما ما در حال حاضر
این کار را می کنیم و
اقتصادی است

« دلیل موفقیت
داستان مصور
عاشورایی ما این بود
که نگارگری آن کاملاً
ایرانی اسلامی بود



خانواده‌ها به کتاب خوب دست‌رسی ندارند



نادر قدیانی

رئیس انجمن فرهنگی هنری کتاب کودک و نوجوان

کنم، باید بگویم، به برکت جمهوری اسلامی ایران و گذشت سی و چند سال از آغاز انقلاب، نسل اول انقلاب الآن دیگر در همه حوزه‌ها شکوفا شده‌اند. در حوزه نیروی انسانی کتاب، ما مترجمان، نویسندگان و تصویرگران قابل داریم. اما مشکل اصلی از جایی شروع می‌شود که به دلیل وضعیت ضعیف اقتصادی حوزه نشر، ناشران خوب و بهترین مناسبی برای عرضه ندارند. در نتیجه این و بهترین نداشتن، ویرتین‌ها و فروشگاه‌هایی در سر راه مردم قرار می‌گیرد که اغلب کتاب‌هایی با کیفیت پایین دارند و همین باعث می‌شود، این تیپ کتاب‌ها به خانواده‌ها برسد و بچه‌ها را از همان کودکی با مطالب با کیفیت پایین روبرو می‌کند. تا زمانی که این کودک بزرگ شود و خودش به نمایشگاه کتاب و یا فروشگاه‌های کتاب راه پیدا کند، ذهنش با کتاب‌های بی کیفیت نقش بسته است. این یکی از مشکلات اصلی است که کتاب خوب به دست خانواده‌ها نمی‌رسد. رسانه‌ها، صدا و سیما، ویرتین ناشران و... همه و همه مؤثر هستند. وزارت آموزش و پرورش بیش از یک دهه است که بخشی به عنوان جشنواره کتاب‌های رشد دارد. این جشنواره سایتی دارد که هزاران کتاب خوب در آن وجود دارد، ولی این سایت را مردم نمی‌شناسند و تبلیغی برای آن وجود ندارد. صداوسیما و رسانه‌های ما آن قدری که باید به کتاب کودک اهمیت نمی‌دهند.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که جمعیت جوان زیادی دارد. ما حدود یک میلیون دانش آموز ابتدایی داریم و همه اینها نشان از جوان بودن کشور است. طبیعتاً در چنین شرایطی، برنامه‌ریزان و مدیران فرهنگی در حوزه کودک و نوجوان باید دقت عمل بیشتری داشته باشند، چون این کودکان هستند که آینده‌ساز کشور می‌شوند. مدیران باید هماهنگی‌های لازم را در مورد نشر کودک و نوجوان داشته باشند. این شامل همه کتاب‌ها است. همه سازمان‌ها و تشکلهایی که به بحث نشر کودک و نوجوان می‌پردازند، نیازمند هم‌فکری بیشتری هستند، الآن این هم‌فکری وجود ندارد. هر کدام از این نهادها برای خودشان یک مسیری را انتخاب کردند. چه بسا، بعضی از اینها موازی کاری هم می‌کنند. وقتی در حوزه نشر می‌آییم وحدت رویه نمی‌بینیم. اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی، وزارت ارشاد، قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و وزارت آموزش و پرورش همه اینها باید یک وحدت رویه با هم داشته باشند، اما این‌طور نیست.

دانش آموز اول دبستانی که تازه می‌خواهد، الفبا را یاد بگیرد، می‌بیند که رسم الخط موجود در کتاب‌های درسی‌اش با رسم الخط موجود در کتاب‌های قصه‌اش هم‌خوانی ندارد و اولین ایراد از همین جا شروع می‌شود. اگر بخواهیم به نیازهای اصلی حوزه نشر کودک اشاره

«سازمان‌ها و تشکلهایی که به بحث نشر کودک و نوجوان می‌پردازند، نیازمند هم‌فکری بیشتری هستند، الآن این هم‌فکری وجود ندارد»

«مشکل اصلی از جایی شروع می‌شود که به دلیل وضعیت ضعیف اقتصادی حوزه نشر، ناشران خوب ویرتین مناسبی برای عرضه ندارند»



ضعف دسترسی به کتاب و انحرافات فرهنگی در کودکان



عبدالعظیم فریدون
مدیر انتشارات محراب قلم

از طریق آموزش انجام می‌گیرد و لازمه آموزش، کتاب است. وقتی برای آگاهی و مطالعه، کتابی در دسترس بچه‌ها نباشد، دسترسی کم‌تر و در نتیجه، آگاهی کم‌تر آنها موجب می‌شود تا وقت خود را با مواد دیگری پر کنند که موجب انحرافات فرهنگی آنها می‌شود و آن موقع، اصلاح آنها سخت و هزینه‌بر می‌شود.

همچنین در مورد عملکرد انجمن ناشران کودک و نوجوان باید گفت در بهترین شرایط اگر ناشران و اعضای انجمن منصفانه و متعهدانه عمل کنند، کتاب خوب را بر اساس نیازسنجی و پژوهش تولید و به بازار عرضه می‌کنند؛ ولی زمانی که کتاب عرضه‌شده خریداری نشود، به تدریج، کتاب‌های ضعیف روانه بازار می‌شود.

با این شرایط هم نمی‌توان از ناشر انتظار داشت کتاب‌های مناسب تولید و در انبار نگهداری کند، زیرا مانند رودخانه‌ای است که باید به‌صورت مستمر، آب به آن وارد و خارج شود و چنان‌چه این اتفاق نیفتد، صدماتی را وارد می‌کند که جبران‌ناپذیر است.

خلاصه‌ای که تعداد کم کتابفروشی‌های مستقل کودکان و کتابخانه‌های کودکان و فقر کتاب در کتابخانه‌های مدارس از عوامل مهم عدم دسترسی کودکان به کتاب و کتابخانه و از عوامل تاثیرگذار در کاهش مطالعه کودکان و نوجوان است.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بیشترین کتابخانه تخصصی کودک را دارد. غیر از کانون، تعدادی از کتابخانه‌های عمومی در بخش‌هایی از خود یک بخش کودک هم دارند.

دست‌رسی به کتابخانه کودک در کشور برای کودکان وجود ندارد، چرا که کتابفروشی کودک نداریم و در توزیع کتاب، چه کودک و چه نوجوان، دارای ضعف بسیار هستیم؛ در واقع کتب کودک و کتابخانه کودک فقط در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هست که والدین به‌خاطر اشتغال، نمی‌توانند کودکان را به آنجا ببرند و از دسترسی به آن محروم‌اند.

تقریباً می‌توان گفت دسترسی به کتاب کودک محال است. حتی در کتابخانه‌های مدارس کشور، کتاب فعال و تازه کم پیدا می‌شود و دسترسی به آن دشوار است.

بحث مطالعه در کشور ما نیازمند تعیین سیاست‌های استراتژیک توسط دولت و نهادهای دولتی می‌باشد.

دست‌رسی به کتاب و کتابخانه کودک امری ضروری است و اولین جایی که اثر می‌گذارد روی تربیت نیروی انسانی است. باید گفت اولین گام در تربیت مطالعه است. کشوری که بخواهد پیشرفت کند و پیشرو باشد، باید افرادی آگاه به همه امور را دارا باشد. این امور هم

«دست‌رسی به کتابخانه کودک در کشور برای کودکان وجود ندارد، چرا که کتابفروشی کودک نداریم و در توزیع کتاب، چه کودک و چه نوجوان، دارای ضعف بسیار هستیم»

کتابخانه‌هایی که فقط جای کتاب نیستند



محمد معماریان



۴۴

پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
یادداشت

پایین، متناسب با مراحل رشد قوای شناختی و عاطفی بچه‌ها، یک پیش‌نیاز بدیهی است، اما طراحی فضا و تأمین اقلام کمک آموزشی دیگر نیز لازم است تا نتیجه لازم حاصل شود. کودکی که به هر دلیل به جایی به نام کتابخانه پا می‌گذارد، به دلایلی علاوه بر متن اوراق صحافی شده، نیاز دارد تا در آنجا بماند، با کتاب‌ها خو بگیرد و به بازگشت دوباره به آن مکان علاقمند باشد. به همین خاطر، کتابخانه‌هایی در سراسر دنیا راه کارهای مختلف برای خلق محیط‌های ویژه برای کودکان را پی‌گیری و اجرا کرده‌اند. در این محیط‌های امن و جذاب، امکان مجموعه‌ای از فعالیت‌های مختلف و هم‌افزا برای کودکان فراهم می‌شود. چنین جایی دیگر یک کتابخانه به مفهومی که بزرگ‌سالان آن را می‌شناسند، یعنی یک سالن با ردیف قفسه‌های

به موازات درهم آمیختگی وجوه مختلف زندگی در حیات امروزی، یکی از رویکردهای نوین در ساخت کتابخانه‌های ویژه کودکان هم آن است که کتابخانه را جایی مختص کتاب‌ها نمی‌داند. کتاب یکی از چندین و چند ابزار مختلف آموزش و تفریح است که بهره‌گیری از ترکیب سنجیده‌ای از این ابزارها در کنار یکدیگر، می‌تواند بازده مناسب‌تری در جذب و حفظ توجه کودکان داشته باشد. به تعبیر دیگر، ابزارهای مختلف آموزش و سرگرمی که پیش‌تر به هر دلیل از هم جدا شده و مکانی خاص برای تجربه هریک از آنها تدارک دیده می‌شد، دوباره برای کودکان هم‌گرا شده‌اند.

در همین راستا، آنچه یک کتابخانه امروزی ویژه کودکان را از سایر کتابخانه‌ها متمایز می‌کند، فقط محتوای کتاب‌هایی نیست که در قفسه‌ها کنار یکدیگر ردیف می‌شوند. تدارک محتوای جذاب برای سنین

« آنچه یک

کتابخانه امروزی

ویژه کودکان را از

سایر کتابخانه‌ها

متمایز می‌کند، فقط

محتوای کتاب‌هایی

نیست که در قفسه‌ها

کنار یکدیگر ردیف

می‌شوند. تدارک

محتوای جذاب برای

سنین پایین، متناسب

با مراحل رشد قوای

شناختی و عاطفی

بچه‌ها، یک پیش‌نیاز

بدیهی است





بلکه ایده‌ کلیدی آن است که یک نمای کوچک از زندگی جمعی فراهم شود: جایی که هم در ابعاد و هم در نقش‌ها، متناسب با توانایی‌ها و خواسته‌های کودکان، نه طبق ذائقه بزرگسالان، ساخته شده است. در این مکان‌هاست که می‌توان مجموعه برنامه‌هایی مانند کتاب‌خوانی، بازی، خرید در فروشگاه‌های مینیاتوری و حتی ایفای نقش‌های بزرگسالانه (مانند شغلی که کودک برای آینده خود می‌پسندد) را در میان جمعی از همسالان تجربه کرد. غرق شدن در یک تجربه متنوع کودکان، هدف این برنامه‌هاست و البته در گوشه و کنار انواع نمونه‌های پیاده‌شده از کتابخانه‌های ویژه کودکان، راهنمایان متخصص و حرفه‌ای نیز حضور دارند تا در تعامل با کودک و والدینش شیوه بهره‌برداری کارتر از ابزارها را نیز به آنها بیاموزند.

بسیاری از مسئولین امر تربیت و آموزش کودکان در نقاط مختلف جهان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که ادغام روش‌های مختلف گاهی بهتر از استفاده از آنها به صورت مجزا جواب می‌دهد. به همین خاطر است که امروزه کتابخانه‌های کودکان نه فقط خانه کتاب‌اند و نه مخصوص کودکان.

تودرتوی پُر از کتاب همراه با کتابدارها و سیستم‌های اطلاع‌رسانی راهنما، نیست. بلکه بیشتر به یک پُرش از مجموعه‌ای از تجربه‌های متفاوت در کنار هم شباهت دارد.

در ساده‌ترین حالت، ایستگاه‌های نقاشی، اسباب‌بازی، رایانه‌های ویژه کودکان (که سخت‌افزار و نرم‌افزارشان با در نظر گرفتن مهارت‌ها و آسیب‌پذیری‌های کودکان تهیه شده است) و برنامه‌های دسته‌جمعی (هم برای کودک با والدینش و هم برای گروه‌های کودکان) در کنار کتاب‌ها قرار می‌گیرند تا فضای غنی‌تری برای ترکیب تفریح و یادگیری فراهم کنند. کتاب‌پارک‌های مضمونی با بهره‌گیری از سوژه‌های جذاب برای کودکان از قبیل داستان‌ها و فیلم‌های محبوب، ابزار دیگری برای ایجاد یک تجربه مفرح کتاب‌خوانی هستند. داستان‌کده‌ها هم دهکده‌های کتاب‌محوری را در ابعاد و طرح‌های متناسب با خواسته‌ها و خلیات کودکان بازآفرینی می‌کنند تا پذیرای کودکان خردسال باشد. در داستان‌کده‌ها، کودک به حال خود رها نمی‌شود تا کتاب یا اسباب‌بازی مناسبی پیدا کند و مشغول گردد؛

«کودکی که به

هر دلیل به جایی

به نام کتابخانه یا

می‌گذارد، به دلا بلی

علاوه بر متن اوراق

صحافی شده، نیاز دارد

تا در آنجا بماند، با

کتاب‌ها خو بگیرد و به

بازگشت دوباره به آن

مکان علاقمند باشد



گفت و گو با استاد محمدحسین صلواتیان، تصویرگر، کاریکاتوریست و نویسنده

لشگری از تصویرگران جوان و پرانرژی داریم که به آنها توجه نمی کنیم

حسام آبنوس



۴۶

محمدحسین صلواتیان تصویرگر، کاریکاتوریست و نویسنده کتاب و نشریات کودک و نوجوان طی سال‌های طولانی است که در این عرصه مشغول فعالیت است و انتشار بیش از هزار عنوان کتاب در داخل و خارج از کشور، گواهی بر این سابقه کم‌نظیر اوست. اولین تصویرگری او در سال ۶۸ منتشر شده و از آن پس، به صورت جدی، به تصویرگری پرداخته است. قصه ما مثل شد، روزی بود روزی نبود، یک قل دو قل، داستان‌های مثنوی و قصه‌های قرآنی از جمله کارهایی هستند که او تصویرگری آنها را انجام داده است. با موضوع تصویرگری کتاب‌های کودک و حواشی آن، به سراغ او رفتیم. او در این گفت‌وگو به تفاوت مخاطب در خلق یک تصویر برای کتاب‌ها اشاره کرد. همچنین از وجود خط‌قرمز در این حوزه گفت و از نسل جدید تصویرگران نیز یاد کرد. در ادامه، مشروح گفت‌وگوی ما را با او می‌خوانید.

پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
گفت‌وگو

نقش نویسنده در خلق یک تصویر چه میزان است؟ یعنی نویسنده به شما، به عنوان تصویرگر، نظر می‌دهد؟ رابطه متقابل نویسنده و تصویرگر بیشتر مواقع موجب غنی و جامع شدن تصویر می‌شود. مگر جایی که نویسنده بخواهد سلیقه‌ای در تصویرگری دخالت کند که این امر موجب نزول ارزش تصویر می‌شود. البته این مشکل به ندرت پیش آمده و بیشتر دامن تصویرگران نو قلم را می‌گیرد.

مشورت کردن با نویسنده در فرآیند تصویرگری فرصت ارزشمندی است که نباید از آن چشم‌پوشی کرد؛ به‌ویژه بعضی از نویسندگان مانند آقای میرکیانی که در نقد و بررسی و مشاوره با تصویرگران آثارش بسیار مؤثر و سودمند عمل می‌کنند.

به نظر شما در تصویرگری کتاب کودک به منظور افزایش دریافت کودک از محتوای یک کتاب چه گزینه‌هایی باید رعایت شود؟

در نظر گرفتن ذائقه بصری مخاطب و همچنین توان درک بصری خیلی مهم است. ما اجازه نداریم مخاطب را اذیت و سردرگم کنیم و یا به رأی خود سلیقه بصری او را تغییر داده و دفرمه کنیم. ارتقای سواد بصری غیر از تغییر سلیقه بصری است که بحث خاص خود را دارد و در این مصاحبه نمی‌گنجد.

متأسفانه در روند تصویرگری برای کودک و نوجوان یک جریان غیرمنطقی ظهور کرده که تعدادی از تصویرگران در این مسیر حرکت می‌کنند و آن هم

برای خلق تصویرهای کتاب‌هایی که به شما سپرده می‌شود، به خصوص در حوزه کودک به چه مؤلفه‌هایی توجه دارید؟ ویژگی‌های مهمی از تصویرگری کتاب کودک عطف به متن است. گروه سنی مخاطب متن، از ۲ سال تا حدوداً ۱۲ سال، در دایره گروه سنی خردسال و کودک قرار می‌گیرد که در هر رده سنی از این طیف، ویژگی‌هایی وجود دارد که مستقیماً بر مختصات تصویر برای این مخاطب دخیل است. همچنین موضوع متن به عنوان مؤلفه دوم، بر تصویر تأثیر می‌گذارد. متن علمی، آموزشی، بهداشتی، تاریخی و... در نوع نگاه تصویرگر اثر دارد. قالب متن، شعر، داستان، پی‌نما، قصه تصویر و... نیز در ساختار تصویر بی‌تأثیر نیست.

ویژگی‌های مخاطب هم از عوامل مؤثر در خلق اثر است. تصویرگری برای کودک تهرانی با تصویرگری برای کودک روستای دورافتاده یک استان محروم تفاوت می‌کند. به این دلیل که سواد بصری مخاطب متفاوت است. گرچه با گسترش رسانه‌های بصری این تفاوت کم‌تر شده، ولی وجود داشته و باید در نظر گرفته شود. بنده تعداد زیادی کتاب برای کودکان عراقی، کویتی، لبنانی و کشورهای دیگر تصویرگری کرده‌ام. فضای تصویرها با فضای تصویرگری برای بچه‌های ایرانی کاملاً متفاوت است.

قطع کتاب، تکنیک چاپ، نوع کاغذ، سلیقه و ویژگی‌های سفارش‌دهنده یا ناشر هم یقیناً باید در نظر گرفته شود.

« در هر رده سنی از این طیف، ویژگی‌هایی وجود دارد که مستقیماً بر مختصات تصویر برای این مخاطب دخیل است »

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۴ و ۵، مهر و آبان ۱۳۹۴



یکی از نکات مهم در تصویرگری خروجی اثر است؛ یعنی بعد از اینکه یک کار تولید شد، خروجی آن که به صورت چاپی است باید از کیفیت خوبی برخوردار باشد تا جذابیت لازم را ایجاد کند. شما به عنوان تصویرگر یک کتاب در مرحله خروجی گرفتن نقشی دارید؟

بستگی به ناشر دارد. بعضی ناشران تصویرگر را در جریان روند تولید کتاب قرار داده و دخالت می‌دهند، ولی بعضی از ناشران تخت گاز می‌روند و تا سر بجنانی، کتاب از مرحله صحافی هم گذشته است. من خیلی ذوق پیگیری کارهایم را نداشته‌ام و از این باب آثارم آسیب هم دیده‌اند. به هر حال، روحیه رفت و آمد به لیتوگرافی و چاپخانه را ندارم. خیلی همت کنم، روی گرافیک کار نظر می‌دهم.

باز خوردی از میزان ارتباط مخاطب با آثارتان داشته‌اید؟ و به‌طور کلی مخاطب ایرانی چه میزان با آثار ایرانی ارتباط برقرار می‌کند؟

به لطف الهی، عمده کتاب‌هایی که تصویرگری کرده‌ام، پرفروش بوده‌اند. یکی از دلایل داشتن سفارش همیشگی، با وجود رکود بازار کتاب، همین امر است. بعضی از کتاب‌هایی که کار کرده‌ام تقریباً رکورد فروش دارند. من همیشه طیف متوسط مخاطب را در نظر می‌گیرم؛ بین بچه‌های روستای دور افتاده فلان استان محروم و کودک و نوجوان بالای شهر تهران، که البته کار خیلی ساده‌ای هم نیست. با همه اینها معتقدم امور جای دیگری رقم می‌خورد، مثل دعای مادر و یا ...

امروز وضعیت تصویرگری کتب کودک را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به دلیل گسترش پدیده‌های نوظهور، به‌ویژه در عرصه رسانه و ارتباطات، دامنه کتاب محدود و محدودتر شده و به تبع آن، تصویرگری کتاب هم همین‌طور؛ ولی عرصه‌های جدیدی برای تصویرگری باز شده که برای تعریف روشن آن به زمان نیاز داریم. تصویرگران نوجوان و جوان ایرانی هم به لطف خداوند به یک لشکر وسیع تبدیل شده‌اند. هنرمندانی که یکی از یکی تواناتر و مستعدتر هستند.

وقتی این جوانان عزیز پرنرزی و خلاق را می‌بینم به وجد می‌آیم. مسئولین محترم و متولیان فرهنگی در برابر این ظرفیت عظیم، بار سنگینی بر دوش دارند. ایجاد زمینه‌های اشتغال از مهم‌ترین کارهایی است که باید برای این عزیزان صورت گیرد. ما در برابر این فرزندان خوبمان مسئولیم و باید برایشان کارهای جدی انجام دهیم؛ به یاری خداوند متعال.



گسست رابطه متن و تصویر و استقلال تام تصویر در فرآیند تصویرگری است. بعضی از تصویرگران معتقدند که تصویر هویت و استقلال خاص خود را دارد و نیاز به تقید به متن نیست. ممکن است این حرف را به زبان نیاورند، ولی در آثارشان مشهود است. به‌ویژه این معضل در آثار کسانی دیده می‌شود که به‌طور مفرط، تحت تأثیر مطالعات تصویری خود قرار می‌گیرند و همه چیز را فدای یک تابلوی زیبای نقاشی می‌کنند. آثارشان ممکن است زیبا باشد؛ اما ربطی به تصویرگری ندارد. این موضوع هم بحث مطول دارد و خارج از ظرفیت این صفحات است.

آیا در تصویرگری کتاب کودک خطوط قرمز وجود دارد؟ و اگر وجود دارد آنها چیست؟

بله، در تصویرگری برای کودکان بدون تردید حریم وجود دارد، همان‌طور که در همه شئون دیگر کودک خط‌قرمز وجود دارد؛ از خوراک و ورزش و لباس و بازی بگیرد تا خواب و بهداشت و آموزش و بقیه شئون. همان‌طور که اگر به یک کودک کم سن و سال یک کله پیاز را بدهید، بخورد، نمی‌تواند بخورد و دهانش می‌سوزد و گریه‌اش می‌گیرد، در تصویر هم همین است. هر تصویری برای کودک مناسب نیست و حرف‌های زیادی در این باره است که بماند.

تفاوت‌های تصویرگری کتاب کودک و بزرگسال در چیست؟ و آیا مفهومی به نام تصویرگری کتاب بزرگسال وجود دارد و مصطلح است؟

تفاوتش در تفاوت بین این دو مخاطب است. حتماً برای بزرگسالان هم تصویرگری وجود دارد. حداقل در کتاب‌های آموزشی، مثل آموزش‌های پزشکی و البته در کتاب‌های غیر آموزشی هم همچنین.

«**رابطه متقابل نویسنده و تصویرگر بیشتر مواقع موجب غنی و جامع شدن تصویر می‌شود**»

«**ما اجازه نداریم مخاطب را اذیت و سردرگم کنیم و یا به رأی خود سلیقه بصری او را تغییر داده و دفرمه کنیم. ارتقای سواد بصری غیر از تغییر سلیقه بصری است**»

«**در روند تصویرگری برای کودک و نوجوان یک جریان غیرمنطقی ظهور کرده که تعدادی از تصویرگران در این مسیر حرکت می‌کنند و آن هم گسست رابطه متن و تصویر و استقلال تام تصویر در فرآیند تصویرگری است**»

در تولید رمان برای کودکان در ابتدای راه هستیم



داود امیریان
نویسنده

اثری برای کودک خلق کرده‌اند، درحالی که نوشتن برای کودک نیاز به شناخت مخاطب، ایجاد فضایی صمیمی همراه با زبانی ساده و تصویری دارد.

ما اگر قرار است برای جنگ یا انقلاب که نه دغدغه ذهنی کودک است و نه آن را متوجه می‌شود، بنویسم باید به دریچه نگاه کودک توجه کنیم. چنین موضوعاتی اگر با زبانی درست و از دریچه نگاه کودک و با پس‌زمینه‌ای امروزی نوشته شود، برای کودک هم قابل فهم است و هم جذاب خواهد بود. درحالی که اگر موضوعات امروزی را که دغدغه کودک هم است و دست نویسنده هم برای نوشتن آن آزاد است، با زبانی تاریخ‌مصرف گذشته و قدیمی و بدون توجه به مخاطبش بنویسد، مسلماً اثر هیچ ارتباطی با کودک برقرار نمی‌کند.

یکی دیگر از مسائل پیش روی ما برای خلق رمان برای کودک، اشتباه گرفتن گروه سنی کودک با خردسال است. برخی از نویسندگان فکر می‌کنند رمان کودک هم مانند رمان خردسال، اثری است که پدر و مادرها برای بچه‌ها می‌خوانند، درحالی که در گروه سنی کودک، مخاطب ما ۸ تا ۱۲، ۱۳ ساله‌ها هستند. پس اثری که نوشته می‌شود، باید توسط کودک خوانده شود و دارای تصویری جذاب و گیرا باشد.

بالین حال، ما در ابتدای راه هستیم و نیاز به گذشت زمان و خلق رمان‌های متعدد برای کودکان هستیم تا در این زمینه صاحب تجربه شویم و حرفی برای گفتن داشته باشیم. مسلماً نسلی که از دوران کودکی با کتاب و کتاب‌خوانی عجین باشند، نسل موفق و امیدواری خواهند بود.

یکی از بحث‌های تازه که در ایران در حال جا باز کردن است، رمان برای کودکان است. این موضوع مدت‌هاست در کشورهای توسعه‌یافته جا افتاده و بنیادهای انتشاراتی بزرگ روی آن سرمایه‌گذاری گسترده‌ای انجام می‌دهند. البته در ایران هم، در چند سال اخیر، ناشرانی در این زمینه کارهایی را منتشر کرده‌اند که مسلماً در مرحله آزمون و خطا قرار دارد.

ما خودمان چند وقتی است به اتفاق دوستان در واحد کودک و نوجوان حوزه هنری این کار را شروع کرده‌ایم. چند رمان هم برای کودکان زیر چاپ پرده‌ایم که به‌زودی منتشر خواهد شد. این کارها عمدتاً درباره انقلاب و جنگ و موضوعات اجتماعی است که فکر می‌کنم برآیند خوبی خواهد داشت.

در بحث رمان کودک باید حواسمان باشد که این رمان را چه کسی و درباره چه موضوعی می‌نویسد. اینکه فکر کنیم چون کار برای کودک است، باید اثری ساده بنویسیم که شخصیت اول آن حتماً کودک باشد، اشتباه است. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که در رمان کودک شخصیت می‌تواند بزرگ‌سال باشد، اما موضوع باید کودکانه باشد و این گروه سنی بتواند با آن ارتباط برقرار کند. حتی رمان کودک این قابلیت را دارد که به ماجراهای فانتزی، بشر غارنشین یا موضوع خون‌آشام نیز بپردازد. اما موضوعات باید به گونه‌ای جذاب و درست پرداخته شود که کودک بتواند خودش بخواند و از آن استفاده کند.

یکی از مشکلاتی که در زمینه رمان و داستان کودک می‌بینیم، این است که نویسندگان تازه‌کار یا بی تجربه فکر می‌کنند به‌صرف این‌که خاطرات کودکی‌شان را بنویسند،

«اینکه فکر کنیم چون کار برای کودک است، باید اثری ساده بنویسیم که شخصیت اول آن حتماً کودک باشد، اشتباه است»

«یکی دیگر از مسائل پیش روی ما برای خلق رمان برای کودک، اشتباه گرفتن گروه سنی کودک با خردسال است»

فردی، اعتماد به کتاب را به خانواده‌ها بازگرداند

۴۹



پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
یادداشت



کیوان امجدیان
نویسنده و روزنامه‌نگار

ادبیات کودک، پیش از انقلاب، نمود چندانی نداشت. کل این گونه از ادبیات به دو شکل تقسیم می‌شد. یکی شعرهای کودکانه‌ای که فقط نیمچه قافیه‌ای داشت و تلاش می‌کرد مفهومی اجتماعی را به بچه‌ها آموزش دهد؛ مثل شعر حسنی نگو بلا بگو که نتیجه‌گیری آن مثلاً می‌شد: تنبلی کار بدی است و بچه‌های خوب نباید تنبلی کنند.

یکی دیگر هم داستان‌هایی بود که شخصیت‌هایشان معمولاً حیوانات جنگل بودند و عموماً در خدمت نهاده‌ها کردن مفاهیم چپی و کمونیستی بودند. آنها هم که شخصیت انسان داشتند، باز هم هدفشان ترویج نظام تفکر

کمونی بود و سیاست، مقصد نه‌اییشان بود و نه تنزیه و پرورش روح پاک کودک.

داستان‌های کودک غیر کمونیستی هم به‌جز چند نمونه از آثار محمود حکیمی، مانند وجدان و هوشمندان سیاره و یا آثار عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، بقیه چنگی به دل نمی‌زدند و عموماً آن‌قدر ضعیف بودند که خانواده‌ها ترجیح می‌دادند از خیر خریدنش برای کودکشان بگذرند.

شاید فهرست تعداد کتاب‌ها دلیل خوبی برای اثبات این ادعا باشد. اینکه از سال

۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ و شروع انقلاب اسلامی متوسط تولید سالانه کتاب کودک ۱۶۰ عنوان بوده است، نشان می‌دهد که به هر دلیل، خانواده‌ها تمایلی نداشته‌اند تا در آن مقطع برای کودکانشان کتاب بخرند. معلولی که می‌تواند علت‌های زیادی از جمله عدم اعتماد کافی خانواده‌ها به مناسب بودن کتاب برای کودکانشان داشته باشد.

این آمار از سال ۵۷ تا پایان جنگ به حدود سالیانه ۴۰۰ عنوان کتاب تألیفی می‌رسد و پس از آن، روند تولید کتاب‌ها به‌صورت تصاعدی اوج می‌گیرد و یک‌باره به بیش از هزار عنوان کتاب می‌رسد. هزار عنوان کتابی که البته در کنار ترجمه‌ها و سایر حوزه‌ها

به عددی بسیار بیشتر می‌رسد. اما چه شد که این اتفاق افتاد؟ ممکن است بگویید رشد جمعیت و زیاد شدن چندین برابر نفوس طبیعتاً به همان نسبت هم کتاب بیشتری طلب می‌کند و تقاضا موجب تولید و عرضه می‌شود و... این نظر اما صائب نیست. با استناد به همان آمار پیش از انقلاب و حتی بعد از انقلاب کاملاً می‌شود این دلیل را رد کرد. سال ۴۶ تولید کتاب کودک به ۱۲۸ عنوان رسیده بود و ده سال بعد با وجود رشد چندین میلیونی جمعیت، این عدد نه‌تنها چند



«اینکه از سال
۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ و
شروع انقلاب اسلامی
متوسط تولید سالانه
کتاب کودک ۱۶۰
عنوان بوده است،
نشان می‌دهد که به
هر دلیل، خانواده‌ها
تمایلی نداشته‌اند تا
در آن مقطع برای
کودکانشان کتاب
بخرند»

ماهانامه شیرازه کتاب
مجموعه ناشران انقلاب اسلامی



بر سازمان دارد. یعنی اگر غذای خانواده مهیا بود و لباس هم تهیه شد و تفریحی هم جفت‌وجور شد، هر چقدر که بماند، کمی از آن را می‌توان صرف خواندن کتاب یا دیدن فیلم و نمایش کرد.

اما همین پدر و مادر برای کودکان سید متفاوتی را طراحی می‌کنند. سیدی که در آن یادگیری و درک بهتر و درست‌تر دنیا و ارتقای سطح اخلاق و علم و دین در کنار آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای اولویت دارد؛ شاید به اندازه لباس و پوشاک و بالاتر و مهم‌تر از تفریح.

طبیعتاً این پدر و مادر، با هر میزان درآمد، از همان اول برای سه چهار اولویت اول سید کودکان هزینه‌ای را کنار می‌گذارند. همین خانواده برای رسیدن به آن هدف هم چند گزینه دارد: ارتقای سطح دانش و اخلاق کودک از طریق سینما به‌وسیله نمایش یا با بهره‌گیری از کتاب.

تا امروز، سینما و تئاتر برای انتخاب شدن توسط خانواده‌ها از کتاب جامانده‌اند و کتاب تقریباً جای خود را در سبد کودک خانواده تثبیت کرده‌است.

نمایش متأسفانه با وجود کارکردی که در اوایل انقلاب یافت و از وسایل گروه‌های مذهبی و انقلابی برای مقابله با شاه بود و حتی در جبهه‌ها نیز استقبال خوبی از آن می‌شد، به‌دلیل گرایش اغلب اهالی نمایش به ادبیات نمایشی غربی و روشنفکرانه نتوانست جای خود را میان خانواده‌ها باز کند و اعتماد آنها را جلب کند. طبیعتاً خانواده‌ها و فرزندانشان تئاتر را عموماً از سبد خود حذف کردند.

سینما هم با وجود هزینه‌های سنگین تولید و محدودیت در تعداد آثار ارائه‌شده، نمی‌توانست جایی در سبد نیازهای فرهنگی کودک داشته باشد. سالی دو سه فیلم چیزی نبود که نیاز او را مرتفع کند و صرفاً می‌توانست

برابر نمی‌شود که حتی عدد آن در مسیر حرکت نزولی به ۱۰۵ عنوان می‌رسد.

سال ۱۳۵۹، میزان تولید کتاب کودک به ۴۳۳ عنوان و همین عدد در سال ۶۴ به ۱۵۹ عنوان کتاب می‌رسد. از سوی دیگر، بعضی ممکن است مدعی شوند بعد از انقلاب، علاقه به کتاب و کتابخوانی به هر دلیلی بیشتر شده و طبیعتاً کتاب کودک هم از این قاعده مستثنا نبوده‌است؛ دلیلی که باز هم اشتباه است. چرا که سرانۀ مطالعه در کشور تا چهار پنج سال پیش بسیار پایین بود و تا حوالی سال ۸۵، پیش از آن که مردم مذهبی و معتقد و انقلابی به‌صورت جدی وارد حوزه کتاب بشوند، عدد پایینی بود.

اما کتاب کودک بعد از انقلاب همیشه جایگاه مطلوب و مناسبی داشته است و حتی چند سال بعد از انقلاب و از حوالی سال ۶۷ به بعد، شروع به پیشی گرفتن از ادبیات بزرگ‌سال کرد و بعد کار به جایی رسید که حتی بسیاری از رمان‌نویسان مسیر حرکتشان را به سوی ادبیات کودک تغییر دادند.

با این وجود، مهم‌ترین دلیل توفیق قاطع ادبیات کودک در سال‌های پس از انقلاب و عمده‌ترین عاملی که باعث شد تا ادبیات کودک و نوجوان گوی سبقت را از ادبیات بزرگ‌سال برآید و به سرعت باد از آن دور شود و فاصله بگیرد چیست؟

همه‌چیز ساده‌تر از آن چیزی است که گمان می‌کنید. اولویت‌بندی اقلام مورد نیاز بزرگسالان با کودکان تفاوت زیادی دارد. در سبد خرید بزرگسالان (طبقه متوسط) تنوع لباس جایگاه مهمی ندارد و آنها صرفاً همین که لباسشان تمیز و سالم باشد، برایشان کفایت می‌کند. در همین سبد، کتاب تنها نقش تفریحی و تقویتی و اضافه

« کتاب کودک
بعد از انقلاب همیشه
جایگاه مطلوب و
مناسبی داشته است و
حتی چند سال بعد از
انقلاب و از حوالی سال
۶۷ به بعد، شروع به
پیشی گرفتن از ادبیات
بزرگ‌سال کرد و بعد
کار به جایی رسید
که حتی بسیاری از
رمان‌نویسان مسیر
حرکتشان را به سوی
ادبیات کودک تغییر
دادند



در کنار کودکان و نوجوانان روستای گلپایه همراه با محسن مومنی هرهه

«فردی بعد از انقلاب و تا وقتی زنده بود، ادبیات کودک را رها نکرد. او اگر چه در زمینه‌های دیگری هم فعالیت داشت، همیشه همه کارهایش در کنار مدیریت کیهان بچه‌ها بود»

«فردی به بچه‌ها احترام می‌گذاشت. اجازه نمی‌داد هیچ کدام از کارمندهای نشریه به هیچ مخاطبی درستی کنند. نشریه‌اش ساده بود و بی‌آلایش؛ کیهان بچه‌هایی که درش به روی همه بچه‌ها باز بود و هر هفته در همان چند صفحه‌اش چندین بار بچه‌ها را به نوشتن مطلب برای کیهان بچه‌ها و چاپ شدنش تشویق می‌کرد»

را موجه می‌دانند توصیه‌ها و پیشنهادهایش را هم در مورد انتخاب کتاب برای سبد کودک می‌پذیرند. چهار پنج نفر مثل فردی کفایت می‌کرد تا آرام آرام اعتماد نسبی میان والدین و کتاب کودک برقرار شود. با نظارت و مدون کردن قانون از سوی افرادی مانند فردی، ادبیات کودک نمی‌توانست قابل اعتماد نباشد. با نظارت‌ها و به کمک وضع قوانینی دقیق ادبیات کودک به‌سوی غنی بودن از مفاهیم دینی علمی و اخلاقی رفت و خانواده‌ها می‌توانستند با اعتماد کامل برای کودکانشان کتاب تهیه کنند

فردی بعد از انقلاب و تا وقتی زنده بود، ادبیات کودک را رها نکرد. او اگر چه در زمینه‌های دیگری هم فعالیت داشت، همیشه همه کارهایش در کنار مدیریت کیهان بچه‌ها بود. فردی به بچه‌ها احترام می‌گذاشت. اجازه نمی‌داد هیچ کدام از کارمندهای نشریه به هیچ مخاطبی درستی کنند. نشریه‌اش ساده بود و بی‌آلایش؛ کیهان بچه‌هایی که درش به روی همه بچه‌ها باز بود و هر هفته در همان چند صفحه‌اش چندین بار بچه‌ها را به نوشتن مطلب برای کیهان بچه‌ها و چاپ شدنش تشویق می‌کرد. امیرحسین فردی همیشه محبوب و مهربان بود و هیچ کس بدی از او ندیده بود. همین هم باعث شده بود که همه در ظاهر با او خوب باشند. از میان آن همه، اغلبشان البته فردی را واقعاً و از صمیم قلب دوست داشتند. لیکن گروه کمی هم بودند که او را عامل از رونق افتادن ادبیات کودک چپی و... می‌دانستند و تلاش می‌کردند تا اجازه ندهند آثار کودک و نوجوان او در خارج از مرزها آن‌طور که باید دیده شود؛ اما فردی حالا با کمک چند نفر دیگر، نهال خشکیده و کم‌جان ادبیات کودک را به درختی تنومند تبدیل کرده بودند.

برای سرگرمی و بهبود روحیه کودک و گذراندن ساعتی خوش کارکرد داشته باشد؛ اما شاید کتاب اگر چه در این میان حریفی نداشت، طبیعتاً اگر نمی‌توانست اعتماد مخاطب را جلب کند، حتی ممکن بود از سوی خانواده، نه تنها مورد استفاده قرار نگیرد که حتی در مورد آن ممنوعیت ایجاد شود. مثل بعضی کتاب‌های صمد بهرنگی که خانواده‌ها در سال‌های پیش از انقلاب به فرزندان کودک و نوجوانشان اجازه نمی‌دادند آنها را داشته باشند و بخوانند. لذا اگر اعتماد به وجود نمی‌آمد، کتاب شعر و داستان به شکل غریبی از سبد نیازهای فرهنگی کودک و نوجوان کنار گذاشته می‌شد.

بعد از انقلاب و در دوره انتقال یکی دو ساله بعد از انقلاب، اعتماد خوب و مناسبی از سوی خانواده‌های مذهبی و انقلابی نسبت به کتاب‌های کودک و نوجوان شکل گرفت. اعتمادی که حاصل تلاش چند چهره محبوب بود. چهره‌های محبوبی که آستین بالا زده بودند و آمده بودند تا خانواده‌ها را با کتاب آشتی دهند.

امیرحسین فردی یکی از این چهره‌ها بود. معلم دوست داشتنی و محبوبی که میان اهالی محله سی‌متری جی سرآمد و از جنس خود آنها بود. مردی که خوش‌نامی‌اش مثال‌زدنی بود.

فردی در مسجد جوادالاکمه، کلاس هنری و فرهنگی دایر کرد. در همان مسجد کتابخانه‌ای راه انداخت. به بچه‌ها قصه نوشتن را یاد داد؛ هر روز پایه‌ای آنها کتاب می‌خواند؛ قصه تعریف می‌کرد و برایشان می‌نوشت؛ بچه‌هایی که هر کدام بعدها نویسندگی بزرگی شدند.

طبیعی است که وقتی نویسنده و معلم خوش‌نامی مانند فردی وارد میدان می‌شود، خانواده‌ها هم چون او



گفت‌وگو با استاد احمد رضا اخوت پیرامون آموزش فلسفه به کودکان

تعبد و تفکر؛ دو عنصر گمشده در کتاب کودک

مجید شفیعی

از جمله کسانی که در موضوع آموزش فلسفه به کودکان به شیوه‌ای متمرکز کار کرده‌اند، احمد رضا اخوت است. این استاد دانشگاه تهران در گروه آموزشی مدرسه قرآن و اهل بیت^(ع) به صورت اسلامی و ایرانی و مبتنی بر روش تفکری قرآن کریم و روایات اهل بیت^(ع) دست به تحقیق، پژوهش، تألیف و آموزش زده است. برای پرداختن به موضوع آموزش فکر و فلسفه برای کودکان از زاویه دینی، گفت‌وگویی با ایشان داشتیم.

فعال می‌شود. این موضوع بسیار مهم است. ما دریافتیم که بسیاری از دیدگاه‌ها در حوزه تفکر، دارای نقاط مشترک است. مثلاً در به کارگیری توان ادراکی انسان حرفی نیست، ولی یک بخشی هست که فقط در سیستم قرآن کریم وجود دارد و آن معیار داشتن و در واقع ارتباط با حق است. پرداختن به این موضوع، تفکر قرآنی را از بقیه ممتاز می‌کند.

در تفکر قرآنی صرف کنش و واکنش یک گزاره یا گزاره دیگر، یا یک تصور یا تصور یا تصدیق دیگر مطرح نیست، بلکه باید عنصر حق در آن جاری شود، مانند جاری شدن روح در پیکر، تا بتوان گفت این تفکر است. به خاطر همین موضوع چیزی که حالا در انواع تفکر خلاق و نقاد یا سیستمی وارد فضای کودکان می‌شود، یک انحراف اساسی دارد و آن این است که حق در آن وجود ندارد. تفکر الان بیشتر علم و دانش ریاضی مدرن است، برای اینکه انسان بهتر زندگی کند، ولی این زندگی بهتر الهی نیست؛ حیوانی است!

اینکه مایه گوییم حق منظورمان نظام فطری انسان است. تفکر نمی‌تواند از تعقل و عقلانیت جدا باشد. اگر تفکر از عقلانیت جدا شود، انحراف است. وقتی می‌گوییم حق، منظورمان همان عقلانیت است و عقلانیت همان است که فرموده‌اند: هر چیزی را که شرع به آن حکم کند، عقل هم به همان حکم می‌کند.

با مدرسه قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان مجموعه‌ای آشنا شدیم که با دغدغه‌های اسلامی و قرآنی، در موضوع فلسفه و تفکر برای کودکان حرف‌هایی برای گفتن دارد. برای شروع، لطفاً دیدگاه‌تان را در مورد بحث تفکر بفرمایید.

هر کسی ایده فلسفه برای کودکان را بشنود، جذب آن می‌شود! به‌ویژه که کارهای جالبی هم در این باره طراحی و اجرا شده است. این رشته در دیدگاه ما از دو بخش تشکیل می‌شود؛ یکی بحث تفکر و چیستی آن، نوع تفکری که قرآن می‌گوید، همچنین تفاوت و تمایز تفکر قرآنی با تفکری که دیگران مطرح می‌کنند، دوم هم بحث سن کودک، نوجوان یا جوان؛ یعنی بررسی سن متفکر و اینکه ما باید از کی و چگونه آموزش تفکر را آغاز کنیم. به نظرم این دو بحث کاملاً مجزا است. فعالیت ما این بوده که رفته‌ایم سراغ تفکر، بعد رفته‌ایم سراغ کودک. در مورد تفکر حدوداً روی هفت روش و شیوه تفکر کار کردیم؛ مثلاً تفکر قرآنی، تفکر بنیادین، تفکر اجتماعی و تفکر پرسشی. اینها نام‌هایی است که بر اساس تجربه روایی و قرآنی به آنها رسیده‌ایم.

روش آموزش قرآنی تفکر و فلسفه برای کودک چه تفاوتی با دیگر روش‌ها دارد؟

بسیاری از بخش‌های علم حضوری انسان حاصل تفکر اوست. لذا اصلی‌ترین مجرای شناخت انسان‌ها با تفکر



« اگر کسی بتواند

کلمات طیبه را در

ذهن و وجود کودکان

مستقر کند، البته نه

از راه استدلال، در این

صورت کودک به شکل

طبیعی گرایش به حق

خواهد داشت. مثلاً

کودک اگر در خانه‌اش

خوبی و مهربانی

ببیند، با او بازی شود

و کلمات طیبه بشنود،

در این صورت قدرت

فهم او به طور طبیعی

در جهت حق فعال

خواهد شد

دارند، ولی تعبدی است که خودشان تعریف می‌کنند. مثلاً اینکه تو باید قانون را بپذیری! تو باید منضبط باشی! در صورتی که ما اولین چیزی که به بچه‌های هفت‌سال دوم (۷ تا ۱۴ سال) می‌آموزیم، تعبد است و سپس تفکر را به ایشان یاد می‌دهیم.

اگر بین این دو جابه‌جایی صورت گیرد، تنها به تقویت طغیان خواهد انجامید. حالا در دوره اول چیزی که رایج است و در واقع بدیهی فرض می‌شود، این است که ما یک صورت‌تصوری از اشیاء داریم و یک صورت‌گزاره‌ای، و تفکر کارش این است که بین صورت‌های گزاره‌ای و تصویری ارتباط برقرار کند

تفاوت‌های دیگر این دو رویکرد در چیست؟

در تفکر غربی مباحث را عرضی موشکافی می‌کنند، ولی در تفکر الهی و حق‌محور، اشیاء را طولی بسط می‌دهند. ایراد بسط دادن عرضی این است که شما در مواجهه با مشکلات بالاخره راهی را برای خروج از مشکلی پیدا می‌کنید، چون می‌گردید و مسئله را از یک جنبه دور می‌زنید. مثالش همان حرف امیرالمؤمنین^(ع) در مورد معاویه است که فرمودند: به‌خدا معاویه از من زیرک‌تر نیست، ولی او مقید نیست و فجور و نادرستی می‌کند. یا مثلاً در آمریکا در ایالت‌هایی که قانون قمار در خاک‌شان را ممنوع اعلام کرده‌اند، برخی مردم بر روی رودخانه‌ها یا دریاچه‌ها قایق‌های مجلل مستقر می‌کنند و روی آب قمار می‌کنند! ظاهراً قانون را هم نقض نکرده‌اند!

در تفکر الهی شما وقتی با پدرتان مواجه می‌شوید، او را ولی خودتان می‌دانید، از او حرف‌شنوی دارید، به او احترام می‌گذارید و او را واسطه فیض الهی می‌دانید. این‌گونه در طول او را بالا می‌برید که هم جایگاه او محکم‌تر می‌شود و هم جامعه رشد می‌کند. این متفاوت

تفکر و آموزش به کودکان، پیوستگی جدی با رده سنی آنها دارد. شما چه برداشتی از وضع فعلی و بومی در این زمینه دارید؟

غربی‌ها روی این موضوع خیلی خوب کار کرده‌اند که کودک چه وقتی تفکر انتزاعی‌اش، حسش، خیالش و... فعال می‌شود؛ از جهت رده‌بندی سن کودکان و همچنین از حیث فهمی و ادراکی که قابل آزمایش و اندازه‌گیری است. البته بعضاً اختلاف‌هایی در این باره وجود دارد. ما همان دوره معروف سه هفت سال را از روایات استخراج کردیم و نتیجه گرفتیم که در دوره هفت سال اول، مجاری ادراکی کودک از طریق کلام و تکلم و با کلمات شکل می‌گیرد. در این دوره، برای شکل‌گیری صحیح شخصیت درونی کودکان، مهم است که کلمات طیبه در ذهن و وجود آنان جا بیفتد.

اگر کسی بتواند کلمات طیبه را در ذهن و وجود کودکان مستقر کند، البته نه از راه استدلال، در این صورت کودک به شکل طبیعی گرایش به حق خواهد داشت. مثلاً کودک اگر در خانه‌اش خوبی و مهربانی ببیند، با او بازی شود و کلمات طیبه بشنود، در این صورت قدرت فهم او به طور طبیعی در جهت حق فعال خواهد شد.

در هفت سال دوم قبل از اینکه کنش و واکنش فکری کودک فعال شود، باید عنصر تعبد را در او زنده و فعال کرد. اگر شما عنصر تعبد را در این سن فعال نکنید، هر داده‌ای که به این انسان بدهید، در او به تقویت طغیان می‌انجامد. خلاصه اینکه دو تا انحراف در این قضیه احتمال وقوع دارد؛ انحراف اول از حیث تفکر و خالی‌بودنش از ساختار حق و دومی در اثر تقدم و تأخر تعبد و تفکر نسبت به هم. البته در قسمت دوم شاخه‌های غربی فلسفه برای کودک یک سری نظراتی درباره تعبد

است با اینکه شما پدرتان را عرضی بسط دهید و خدای ناکرده این پدر ضعیفی هم داشته باشد و واسطهٔ بدبختی شما در این عالم هم تلقی‌اش کنید! دیگر آیا سنگ روی سنگ بند خواهد شد؟!

خب شما به کودکان تفکر آزاد یاد می‌دهید یا مقید به حق؟ حالا شما می‌گویید تفکر مطلق‌اش خوب است. تفکر قرآنی مطلق‌اش خوبی است، ولی این تفکری که شما آموزش می‌دهید، تفکر ابزاری است. من جداً عرض می‌کنم اگر جلوی این قضیه گرفته نشود و این نگاه در مدارس رسوخ کند، مسائلی که اول در خانواده و بعد در جامعه باید به‌صورت تعبدی پذیرفته شود، دیگر پذیرفتنی نیست و چه‌بسا مثلاً جوان هفده‌ساله را به این ادعا برساند که کی گفته چون فقط پدر است، باید بگویی چشم؟! یا چرا چون این فقط شوهر است، باید بگویی چشم؟! مگر می‌شود زنی تفکر آزاد داشته باشد و برود در زندگی مشترک و شوهر بگوید فلان کار را بکن و این زن بگوید چشم؟! حالا اگر شما بگویید، فلان مطلب را دین بیان کرده و واقعاً هم دینی است، ولی او در حوزهٔ فهم عقلی‌اش نباشد، مثل نماز خواندن، خب چنین جوانی شروع می‌کند به طغیان که تو باید برای من ثابت کنی که این رفتار مربوط به دین است!

یعنی آیا در تفکر غربی خوب و بد را از تفکر خارج کرده‌اند و عمل‌گرا شده‌اند؟

در غرب کلاً تفکر را تبدیل به ابزار کرده‌اند، ولی تفکر در قرآن ابزار نیست؛ روش و سبک زندگی است. جامعهٔ اسلامی اگر بخواهد کودکان خود را تربیت کند، نباید تفکر را به مثابهٔ یک ابزار، بلکه باید آن را به‌عنوان سبک زندگی در اختیار آنان قرار دهد. البته در p.f.c هم جلوه‌هایی از اینها را به‌صورت قانون و مقررات آورده‌اند؛ مثلاً اینکه اول باید این کار را بکنید و بعد فکر. یعنی برای خودشان حد زده‌اند. حدش را هم اخلاق اجتماعی تعیین کرده است! ما اما حدش را اخلاق اجتماعی نمی‌گذاریم، بلکه می‌گذاریم فطرت یا شرع. ما این وجه کودک را می‌بریم به سمت فطرتش؛ به سمت دینش. اولین کار ما این است که توجه کودک را به فطرتش جلب می‌کنیم. بعدش تجزیه و تحلیل را به او یاد می‌دهیم. تجزیه و تحلیل را هم به جای اینکه عرضی یاد بدهیم، تجزیه و تحلیل طولی یاد می‌دهیم.

اگر این دو کار را نکنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر این کار را نکنیم، افرادی را خواهیم دید که فرضاً دانشجوی دکتری است، ولی حتی قدرت تحلیل مسائل رشتهٔ خودش را هم ندارد! می‌بینیم طرف پزشک است، ولی علمش آن چیزی است که در کتاب‌ها نوشته شده است. ذهن اینها طبیعتاً نمی‌تواند از موضوعی به موضوعی دیگر انتقال یابد! الان تقریباً می‌توان گفت در اغلب زمینه‌های

« در غرب کلاً تفکر را تبدیل به ابزار کرده‌اند، ولی تفکر در قرآن ابزار نیست؛ روش و سبک زندگی است. جامعهٔ اسلامی اگر بخواهد کودکان خود را تربیت کند، نباید تفکر را به مثابهٔ یک ابزار، بلکه باید آن را به‌عنوان سبک زندگی در اختیار آنان قرار دهد »

تخصصی دچار این مشکل هستیم. لذا ما باید به‌دنبال تدبیر باشیم. تدبیر در لغت یعنی پشت چیزی را فهمیدن. تدبیر را در پنج مرتبه تعریف و تقسیم می‌کنند: عاقبت‌اندیشی، عاقبت‌سنجی، عاقبت‌شناسی، عاقبت‌نگری و عاقبت‌گرایی. تعلیم دادن باید با الگوی تدبیر باشد.

سیستم آموزشی کنونی ما تفکر محور نیست. یعنی قدرت تفکر و قدرت انتخاب را به بچه‌ها نمی‌دهد؛ فقط موضوعاتی را بحث می‌کند و می‌گذرد! چه ضرورتی هست که ما بحث تفکر در آموزش کودکان را وارد کنیم؟

شما در واقع نکته‌ای را گفتید که رهبر معظم انقلاب هم تأکیدشان بر همین است: اینکه شما در آموزش دروس نباید حافظه‌محور وارد شوید، بیا باید افراد را اهل تجزیه و تحلیل و استدلالی بار بیاورید؛ اما با چه روشی؟ ما اسمش را گذاشته‌ایم تفکر مشاهداتی و تفکر شنیداری. دو تا کتاب هم با همین نام‌ها داریم. وقتی می‌گوییم مشاهدهٔ فلان فرد را تقویت کن، یعنی باید به او اجازهٔ تجربه داد؛ به نحوی که از ادراک حسی به ادراک عقلی و شهودی نقل مکان کند. مثلاً متنی را می‌دهید و می‌گویید این را بخوان و حفظ کن. این می‌شود ادراک خیالی، ولی اگر بگویید، این جمله را باید لمس کند، یعنی آن را بفهمد. یعنی ادراک حسی را به خیالی، بعد به وهمی و سپس به عقلی ببرد.

یعنی آیا مشکل این است که این روش، توان رشد دادن و توان استخراج یعنی از بحث دیگر را در مخاطبش ایجاد نمی‌کند؟ بله؛ مثلاً در علوم مهندسی چون ساختارهای علمی وجود دارد و آموزش داده می‌شود، کارهای خوبی انجام می‌شود، ولی شما در علوم پایه نمی‌توانید یک قدم جلوتر بروید یا مثلاً در علوم انسانی زمین گیر می‌شوید؛ یعنی به سمت پایه که می‌روید، چون با مدل غربی اختلاف نظر دارید، می‌خواهید بگذارید کنار! ابداع هم نمی‌توانید انجام دهید! برای همین در کشور ما پیشرفت در علوم فنی مهندسی اتفاق می‌افتد، ولی در علوم پایه نه.

اگر خوب دقت کنیم، این مشکل در زندگی شخصی افراد هم هست! مثلاً شخصی در زندگی با همسرش اختلاف پیدا می‌کند، ولی چون تفکر صحیح را آموزش ندیده، نمی‌تواند راه‌های مختلفی را طی کند و راه‌حل‌های دیگری را بیابد. یک راه حل بیشتر بلد نیست! بعد در جدال می‌افتد بین اینکه در زندگی‌اش خودش را نگهدارد یا خدا را! در صورتی که علاوه بر این دو راه، صد راه دیگر هم هست که چون مسلط به ابزار تفکر نیست، به ذهنش نمی‌رسد. در حال حاضر ما می‌کوشیم که بر اساس آموزه‌های قرآنی، مدلی را ارائه و آموزش دهیم که این شاء‌الله بر این مشکلات فائق آییم.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

هدف غرب تربیت شهروند دموکراتیک است، هدف ما، تربیت انسان کامل



۵۵

پرونده ویژه کتاب
کودک و نوجوان
گفت‌وگو

..... مرزیه کرباسچی

بنیاد حکمت اسلامی صدرا یکی از مراکزی است که در مورد آموزش فکر و فلسفه به کودکان، مورد مطالعه جدی رهبر انقلاب است. این بنیاد یک مرکز تخصصی علمی در زمینه فلسفه و حکمت متعالیه است. در زمینه فلسفه کودکان هم اقداماتی داشته است. برای تشریح صورت‌بندی و ارتباط این نوع آموزش با حکمت صدرایی، با خانم زهره حسینی، مسئول گروه فلسفه و کودک بنیاد حکمت اسلامی صدرا، گفت‌وگو کرده‌ایم.

«آنچه که بسیار در زندگی به درد می‌خورد، تفکر نقاد است که کودک بتواند درست و غلط را تمیز دهد و در داورها جانب صحیح را بگیرد»

«کودکی که بیاموزد چگونه بیندیشد، استدلال کند، دلیل بخواد و به ملاک‌ها و معیارها برای تشخیص و داورى توجه کند، هرگز در بزرگسالی تحت تأثیر هر تفکری قرار نخواهد گرفت و راه صواب را از ناصواب تشخیص خواهد داد»

ماهانماه شیرازه کتاب
مجمع‌ناشران انقلاب اسلامی

بیاموزد چگونه بیندیشد، استدلال کند، دلیل بخواد و به ملاک‌ها و معیارها برای تشخیص و داورى توجه کند، هرگز در بزرگسالی تحت تأثیر هر تفکری قرار نخواهد گرفت و راه صواب را از ناصواب تشخیص خواهد داد. به بیان دیگر، این سیستم درست نیست که یک‌سری داده‌هایی را به کودکان بدهیم و آنها هم پس بدهند و دلشان خوش باشد که درسی خوانده‌اند. در واقع، تمام این داده‌ها بعدها در حل مسائل ذهنی به درد آنها نمی‌خورد؛ مانند داده‌هایی که به ما دادند و در امتحانات پس دادیم. نتیجه آن هم امروز افزایش مشکلات اجتماعی مانند بالا رفتن آمار طلاق، اعتیاد و... است، زیرا ما به بچه‌هایمان یاد نداده‌ایم که هر چیزی را ابتدا پردازش و بعد قبول یا رد کنند.

بحث همان دادن ماهی یا یاد دادن ماهیگیری است. بلکه صرفاً یک سری اطلاعات داده شده و ما اینها را پس می‌دهیم؛ یعنی همین جور منتقل می‌شود به شاگرد و شاگرد خودش استاد می‌شود و... اما همین‌طور که یک مسئله کوچک در زندگی ما به وجود می‌آید، همه‌مان درمی‌مانیم که باید چه کار کنیم؟ اینکه بتوانیم از بچگی به بچه‌ها یاد بدهیم که فکر و تجزیه و تحلیل کنند، به ملاک‌ها حساس باشند، در قضاوت‌ها به چه نکاتی توجه کنند و خلاصه یک تفکر عمیق و تعقل را بیاموزند تا وقتی بزرگ می‌شوند، افراد عاقلی باشند.

از نظر شما اهمیت موضوع فلسفه برای کودک چیست و بنیاد اسلامی حکمت صدرا از این فعالیتش چه اهدافی دارد؟
پرورش و آموزش یا همان تعلیم و تربیت صحیح کودکان از مهم‌ترین پایه‌های تعالی هر جامعه‌ای است. در روش‌های یادگیری کلاسیک، معمولاً آموزش و پرورش را به معنی یادگیری مطالب و حفظ آنها تلقی می‌کردند. معلم مطالبی را به شاگرد منتقل می‌کرد و شاگرد آن را بعدها به دیگران انتقال می‌داد. کسی حق به چالش کشیدن استاد را نداشت و نقد و بررسی معلومات استاد کار صحیحی به شمار نمی‌رفت. طبیعی است که این کودکان در آینده با مشکلاتی در حل مسائل خود و دیگران روبه‌رو می‌شدند، زیرا تفکر نقاد نداشتند و این‌گونه تفکر را آموزش ندیده بودند. در مواجهه با مسائل، روش‌های نقد و بررسی موشکافانه، تجزیه و تحلیل و سپس قضاوت و داورى راجع به آن را نداشتند. به نظر ما آنچه که بسیار در زندگی به درد می‌خورد، تفکر نقاد است که کودک بتواند درست و غلط را تمیز دهد و در داورها جانب صحیح را بگیرد. داشتن این نوع از تفکر از نیازهای مبرم و ضروری جامعه ماست که باید از کودکی به آن پرداخت. به نظر ما کودکی که با این نوع تفکر پرورش یابد، تحت تأثیر القابات و تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمن قرار نخواهد گرفت. پایه‌های تفکر عمیق و قوی را باید از کودکی بنا نهاد. کودکی که



خطر جدی این طرح این است که افراد نالایق و ناشایست در گوشه و کنار کشور اقدام به برقراری کلاس‌هایی با محتوای غربی کرده‌اند. این می‌تواند آسیب‌هایی جدی برساند و باید کارشناسی جدی بشود. علاوه بر اینها، والدین نیز باید توجه بشوند که کودکانشان در جهت مثبت در حال تغییراند و آموزش ببینند که با کودک پرسشگر و کنجکاو چگونه برخورد کنند تا خلاقیت وی سرکوب نشود. یعنی ما حتماً باید کلاس‌ها و جلساتی برای توجیه والدین هم بگذاریم. فقط این نیست که روی کودک کار شود.

شما معتقدید که بر اساس مبانی فلسفه اسلامی و حکمت صدرایی می‌شود، به کودکان فلسفه را آموخت؟

بله؛ ببینید، حکمت عملی به معنی کاربردی کردن حکمت نظری در جامعه است؛ یعنی استفاده از حکمت در زندگی روزمره به آنجا گوناگون. تفکر در کودکان در واقع شاخه‌ای از حکمت عملی است که حکمای مسلمان مانند خواجه نصیرالدین و ابن سینا و ملاصدرا به آن اشاره داشته‌اند و از این رهگذر، مبانی این طرح در حکمت عملی فلسفه اسلامی نهفته است. در حکمت نظری انسان دارای قوه عاقله است؛ قوه‌ای که با آن قادر به شناخت و معرفت است. انسان با این قوه توانایی دارد که از بسیاری مسائل آگاهی پیدا کند، اما دارای محدودیت‌هایی هم هست.

مبنای تعلیم و تربیت ما باید بر اساس شکوفا کردن استعداد ذاتی انسان در رسیدن به حکمت نظری باشد. دستیابی به حکمت نظری، مقدمه و سرچشمه حکمت عملی است. در فلسفه صدرایی، نه تنها بصیرت‌های درک فلسفه اسلامی حکمی و دینی یافت می‌شود، بلکه روش‌هایی وجود دارد که به سادگی می‌توان به کودکان آموزش داد. البته این روش‌ها زمانی مؤثرتر هستند که کودکان تربیت دینی شده باشند.

این مفاهیم سنگین را چگونه به کودکان تعلیم می‌دهید؟ در سطح دبستان برنامه ما این است که به کودکان آداب بحث کردن را یاد بدهیم. کودک باید یاد بگیرد، چگونه

تجویزها و توصیه‌های شما به والدین در مورد موضوع فلسفه برای کودک چیست؟

والدین باید بدانند کودکان امانت‌های الهی در دستان آنها هستند و نسبت به تربیت آنها موظفند. در مرحله بعد باید بدانند که کودکان با فطرت پاک الهی به دنیا می‌آیند و هر نوع رفتار با آنها مانند نقش بر سنگ جاودانه می‌ماند. پس امر تربیت بسیار مهم و خطیر است. والدین باید بدانند که کودکان ذاتاً و فطرتاً کنجکاوند. ذات حیرت و کنجکاو کودکان باعث شده تا ما کودک را بالفطره فیلسوف بدانیم. والدین نباید این حس را در درون کودکانشان نابود کنند، بلکه باید با مهارت‌هایی آن را پرورش دهند.

به نظر ما، اولین مربیان فلسفه و کودک والدین هستند. آنها نباید روحیه پرسش‌گری را در درون کودک سرکوب کنند، بلکه باید به سوالات او با دقت گوش کنند و در پیدا کردن پاسخ او را راهنمایی کنند تا خودش به جواب برسد. دادن جواب‌های آماده و کامل یا سرکوب پرسشگری در کودک، هر دو روحیه کنجکاو او را از بین می‌برد. کودک باید خودش روش جست‌وجو برای رسیدن به جواب را بیابد و طی کند. والدین باید نقش راهنما و تسهیل‌گر را ایفا کنند. البته از محبت و نقش تربیتی آن نباید غافل بود. محبت به کودکان و ارضای نیازهای عاطفی آنها می‌تواند پلی میان کودک و والدین ایجاد کند تا بهتر بتوانند به اهداف تربیتی خود برسند.

خطرات و تهدیدهای احتمالی ورود به این فضا برای تربیت نسل آینده چیست؟

بخش فلسفه و کودک در بنیاد حکمت اسلامی صدرا با اینکه ایده اولیه را از فلسفه برای کودکان در غرب الهام گرفته، اما هیچ‌گاه در این فکر نبوده که آن را اشاعه دهد؛ تنها عمل به این آیه از قرآن بوده که «سخنان را بشنوید و از بهترین آنها تبعیت کنید».

ما در طی سال‌ها فعالیت در این مرکز این طرح را بارها مرور و آسیب‌شناسی کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که هدف و مبانی فلسفه برای کودک در ایران با روش‌های غربی‌ها متفاوت است. هدف آنها تربیت شهروند دموکراتیک است و هدف ما تربیت انسان کامل است و رساندن انسان به رستگاری و فلاح واقعی. مبانی آنها فلسفه غرب و اگرستانسیالیسم است و در متون و داستان‌هایشان، نسبی‌گرایی مشهود است، اما مبنای کار ما فلسفه اسلامی و اعتقاد به اصول اخلاقی است.

در این سال‌ها، سعی کرده‌ایم محتواهای کار با کودکان را متناسب با سن آنها و با استفاده از متون کهن ایرانی-اسلامی تهیه کنیم که الحمدلله مورد پسند کودکان نیز بوده است. این داستان‌ها ابزارهایی برای راه‌اندازی بحث گروهی در کلاس خواهد بود که علاوه بر آموزش مفاهیم اخلاقی، آداب بحث عملی را نیز به کودک آموزش می‌دهد.

« والدین باید

بدانند کودکان

امانت‌های الهی در

دستان آنها هستند و

نسبت به تربیت آنها

موظفند. در مرحله بعد

باید بدانند که کودکان

با فطرت پاک الهی

به دنیا می‌آیند و هر

نوع رفتار با آنها مانند

نقش بر سنگ جاودانه

می‌ماند

« هدف و مبانی

فلسفه برای کودک

در ایران با روش‌های

غربی‌ها متفاوت است.

هدف آنها تربیت

شهروند دموکراتیک

است و هدف ما تربیت

انسان کامل است

و رساندن انسان به

رستگاری و فلاح

واقعی



در یک گروه بحث کند. بتواند بدون اینکه محکوم کند یا محکوم شود یا تعصبی داشته باشد یا داوری غلطی کند، یک بحث سالم داشته باشد. در دبستان خیلی سعی نکرده‌ایم چیزی را آموزش دهیم؛ تنها چند مفهوم اخلاقی به عنوان دستاویزهایی برای بحث. اما هدف اصلی این است که کودکان بتوانند بحث کردن سالم را یاد بگیرند. سپس در برنامه دوره راهنمایی، مفاهیم اخلاقی را در خلال بحث آموزش می‌دهیم و در سطح دبیرستان مفاهیم فلسفی را. یعنی همین‌طور که کودک بزرگ و نوجوان و جوان می‌شود، این مفاهیم هم با سنش به اصطلاح بزرگ‌تر و غنی‌تر می‌شود.

ابزار کار ما برای کودکان دبستانی داستان است. البته از فیلم، کارتون، عکس و حتی نقاشی‌های خود بچه‌ها هم استفاده می‌کنیم. روش‌های مختلفی داریم. اگر ببینیم بچه‌ها از داستان خسته می‌شوند، جلسه بعد، از روش دیگری مانند بازی استفاده می‌کنیم. ما فکر می‌کنیم داستان از همه بهتر است. داستان‌ها را از متون کهن بیرون کشیده‌ایم و سعی کرده‌ایم در هر داستان، حداقل یک مفهوم اخلاقی باشد. مربی داستان را در کلاس می‌خواند و بچه‌ها درباره آن بحث می‌کنند. ریزه‌کاری‌هایی هم دارد؛ مثل طرز نشستن بچه‌ها در کلاس یا مثلاً اینکه معلم را آموزش می‌دهیم که بحث را به‌گونه‌ای هدایت کند تا به مطلوبش برسد و بحث از هدف اصلی منحرف نشود. این هم مهم است. مجموعاً یک روش است که هدف اصلی آن ارتقای سطح تفکر در کودک است.

مهم این است که پایه‌های تفکری ما بر اساس فلسفه اسلامی و حکمت صدرایی است.

بله؛ مبانی ما بسیار مهم است. از سال ۱۳۷۸، چند سالی روی منابع خارجی کار کردیم. داستان‌های آنها را مطالعه کردیم. وقتی دقیق می‌شویم می‌بینیم مبانی تمام آنها، مبانی فلسفه غربی است. موضوعات و مفاهیمی که در داستان‌ها کار می‌کردند، مبتنی بر نسبی‌گرایی بود. فرض کنید یک داستان داشتند به‌نام خرس و ماهی که خرس

می‌تواند با ماهی دوست شود یا مثلاً مفهوم دزدی را بررسی می‌کردند که دزدی می‌تواند بد باشد، می‌تواند خوب هم باشد! روی اصول اخلاقی دست گذاشته و آنها را زیر سؤال برده بودند که همه‌جا این بد است و بعضی جاها خوب است. اینها را در غالب داستان به خورد بچه‌ها می‌دادند.

ما کتاب‌های آقای لیپمن، آقای فیشر و آقای فیلیپ کمپ در استرالیا را آسیب‌شناسی کردیم. کتاب‌های آنها اینجا موجود است. به این نتیجه رسیدیم که خودمان داستان‌هایی لازم داریم که اولاً کودکان بپسندند و بعد هم مفاهیم غنی داشته باشد. الان داستان‌های مولوی را داریم، کلیله و دمنه را داریم که البته اساسش ایرانی نیست، گلستان و بوستان را داریم. متون کهن خودمان هم سرشار از داستان‌های پندآموز است.

آیا مفاهیم و داستان‌های این متون را به زبان کودکان برگردانده‌اید؟

بله؛ روی اینها کار شده است. حتی داستان‌هایی با روایت دینی داریم. مثلاً در بحث شجاعت ما داستانی از کودکی امام جواد^(ع) را برای بچه‌ها می‌خواندیم که بسیار برایشان جالب بود. همه اینها را ارزیابی هم کردیم و نتایج آن موجود است که بچه‌ها اینها را بیشتر از داستان‌های غربی پسندیدند و ما با این کار به هدف خودمان رسیدیم.

آیا این تغییرات کودکان مطابق میل پدر و مادرها بوده است؟

اگر پدر و مادرها مجاب می‌شدند که این تغییرات در بچه‌ها مثبت است، آنها هم سعی می‌کردند که درست برخورد کنند، اما اگر پدر و مادرها توجه نمی‌شدند و با این موضوع کنار نمی‌آمدند، کار خراب می‌شد. مثلاً مادری می‌آمد و می‌گفت بچه ما تازگی‌ها زیاد سؤال می‌کند و راجع به همه چیز کنجکاوی می‌کند و خیلی فضول شده است! بعد او را دعوا می‌کردند و این بچه سرکوب می‌شد. خب این تقصیر ما بود. ما این آتش را در دامن این بچه‌ها انداخته بودیم که سؤال کنید و راحت از کنار هر چیزی نگذرید. اگر پدر و مادر توجه می‌شدند و می‌فهمیدند که کودک در حال تغییر مثبت است، کم‌کم می‌کردند.

ما به پدر و مادرها می‌آموخیم که سؤال کردن کودکان را سرکوب نکنید. فوری هم پاسخ‌ها را در دامن‌شان نگذارید. این خوب نیست که سریع احساس کنند، شما دایرةالمعارف هستیید. بگذارید یک مقدار خودشان هم تحقیق کنند و بگردند. اینها را به والدین آموزش می‌دادیم که جواب سؤالات بچه‌ها را ندهید. شما هدایت‌گر باشید تا خودشان دنبال جواب بگردند.

بی‌نوشت

«بخشی از آیه ۱۸ سوره مبارکه زمر: الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»
منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

«تفکر در کودکان در واقع شاخه‌ای از حکمت عملی است که حکمای مسلمان مانند خواجه نصیرالدین و ابن سینا و ملاصدرا به آن اشاره داشته‌اند و این رهگذر، مبانی این طرح در حکمت عملی فلسفه اسلامی نهفته است»

«در سطح دبستان برنامه ما این است که به کودکان آداب بحث کردن را یاد بدهیم. کودک باید یاد بگیرد، چگونه در یک گروه بحث کند. بتواند بدون اینکه محکوم کند یا محکوم شود یا تعصبی داشته باشد یا داوری غلطی کند، یک بحث سالم داشته باشد»

«چند سالی روی منابع خارجی کار کردیم. داستان‌های آنها را مطالعه کردیم. وقتی دقیق می‌شویم می‌بینیم مبانی تمام آنها، مبانی فلسفه غربی است. موضوعات و مفاهیمی که در داستان‌ها کار می‌کردند، مبتنی بر نسبی‌گرایی بود»



نقش دولت و تشکلهای نشر در ارتقای کتاب کودک



مریم جدلی
رئیس انجمن فرهنگی زنان ناشر

کتاب کودکان به آن توجه خاص نماییم و با هماهنگی تشکلهای نشر در حوزه کتاب کودک و بخش دولتی، بی تردید در آینده می توان کتبی با محتوای پرارزش و با ادبیاتی برتر معرفی کرد و به کمک آنها به انتقال پیامها، مفاهیم، عواطف، اندیشه ها و همچنین لطیف کردن احساسات و استفاده از انواع قصه های پندآموز، اسطوره، حماسه، دانستنی های علمی و شعر کودک و نیز آموزش و پرورش تخیل و استعداد کودکان پرداخت. نقش دولت و تشکلهای نشر در ارتقای کتاب

کودک را می توان در پنج مورد خلاصه کرد.

۱. تقبل هزینه های مؤلفین کتاب کودک توسط

دولت

۲. برگزاری دوره های آموزشی روانشناسی رشد و آشنایی مؤلفین با نیازهای کودک و نوجوان در سنین مختلف

۳. هماهنگ نمودن مؤلفین با سیاست های تعلیم و تربیت در نظام تربیتی تدوین شده توسط شورای

عالی آموزش و پرورش

۴. تشکیل کارگروه هایی برای تقویت و پر بارتر نمودن برنامه های تربیتی و تدوین محتوای مورد نیاز

۵. آموزش عمومی و فرهنگ سازی در جامعه توسط رسانه های جمعی مبنی بر ضرورت کتابخوانی

برای کودکان و اثر این عادت بر زندگی آینده آنها.

مفهوم کودکی یکی از مفاهیم مهم و اساسی و تعیین کننده محدوده آن است. پرداختن به مفهوم کودک و کودکی باعث شده که بسیاری از کشورهای توسعه یافته با استفاده از یافته ها و دیدگاه های تازه، نیازهای این گروه را جزء اولویتهای جامعه خود قرار دهند و امکانات گسترده و مناسبی را در اختیار کودکان بگذارند و توجه پژوهشگران در حوزه های ادبیات، علوم روان شناسی، جامعه شناسی، تاریخی تربیتی و... را به موضوع کودک جلب نمایند.

همچنین آموزش مطالعه به صورت غیرمستقیم می تواند در ایجاد حس لذت برای کودکان و هدفمند کردن و ارتقای سطح ادبیات کودک نقش سازنده ای داشته باشد.

در واقع بهترین دستاورد جامعه از شناخت مفهوم کودکی و نوجوانی، تلاش در پیشبرد مطالعه، برنامه ریزی و رسیدگی به نیازها و علایق کودکان و نوجوانان ایران زمین است. ترغیب و تشویق کودک به کتاب و علاقمندی و آشنایی آنها با هنر و ادبیات، سهمی اجتماعی است که بجاست که با ایجاد مراکز مطالعات و تحقیقات گسترده در این زمینه، دستاوردهای خوبی را جهت عرضه کتاب در داخل و خارج از کشور با مفاهیم موجود در این دانش، حضوری همیشگی داشته باشیم و به عنوان یکی از شاخه های مطالعات در حوزه

خط اخبار
پرونده ویژه
طعم کتاب
خانواده نشر

کتاب‌هایی برای این روزها



- نگاهی به پرفروش‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس در یکسال گذشته | من زنده‌ام و آن بیست‌وسه نفر در صدر ۶۰
یادداشت | کتابی که تن نتانیاها را لرزاند ۶۳
معرفی کتاب | بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای مهر ۶۴
معرفی کتاب | کتاب‌هایی برای محرم ۷۰
گزارش | گزیده‌ای از کتاب‌های خواندنی که در نشست کتابخوان معرفی شدند ۷۴
معرفی کتابی به‌مهله فاجعه جان‌سوز صحرای منا | کتابی که این روزها دوباره خواندنی شد ۷۸





تگاهی به پرفروش‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس در یک سال گذشته

من زنده‌ام و آن بیست‌وسه نفر در صدر

در تمام جهان، پس از هر جنگ، هنرمندان با تولید آثاری نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند تا رشادت سربازان خود را پاس بدارند و وقایع آن روزگار را برای آیندگان روایت کنند. پس از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و حتی در زمان جریان داشتن این جنگ نیز هنرمندان، از نویسندگان گرفته تا فیلم‌ساز و... به تولیداتی در این زمینه دست زدند.

حال پس از گذشت حدود ۲۷ سال از پایان این رویداد تاریخی، کتاب‌های این موضوع به‌قدر کافی به پختگی رسیده و مخاطبان خود را پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که پرفروش‌ترین کتاب‌های کشور در این سال‌ها کتاب‌های دفاع مقدس ما بوده‌اند. گزارش حاضر، بر اساس داده‌های هفتگی خبرگزاری فارس از بازار نشر کشور تنظیم شده که بازه زمانی شهریور ۹۳ تا شهریور ۹۴ را در بر می‌گیرد. برای تهیه این آمار، بیش از ۵۰ کتابفروشی نقش داشته و اکنون پس از گذشت یک‌سال می‌توان بر اساس آمارها پرفروش‌های بازار کتاب دفاع مقدس را شناخت.

من زنده‌ام

سرنوشت بازار کتاب در سال ۹۳ و بخشی از سال ۹۴ با کتاب من زنده‌ام گره خورده بود. این کتاب که خاطرات معصومه آباد از روزهای اسارتش در زندان‌های عراق در سن ۱۷



سالگی بود، کتابی بود که توانست پرفروش‌ترین کتاب بلامنازع سال باشد. این کتاب هم‌چنان نیز در میان پرفروش‌ها دیده می‌شود و بنا به اعلام ناشر، تاکنون نیم‌میلیون نسخه از آن منتشر شده است.

آن بیست‌وسه نفر

۲۳ نوجوان، تنها قطره‌ای بودند از سیل نوجوانانی که در طول هشت‌سال دفاع مقدس با ترفندهای مختلف راهی جبهه‌ها شدند تا لیبکی به فرمان پیر خود گفته باشند.



سلام بر ابراهیم

سلام بر ابراهیم دیگر کتابی است که در طول سال گذشته پرفروش بوده است. این کتاب خاطرات شهید ابراهیم هادی است که از سوی گروه ابراهیم هادی منتشر شده است. این



کتاب از زمره کتبی است که به‌طور معمول پرفروش است و تاکنون شمارگان قابل توجهی از آن به‌فروش رسیده است.



شده است. قصه به سرگذشت دختری در قبل از انقلاب باز می‌گردد که به پسری علاقه‌مند می‌شود که آن پسر از مبارزین و انقلابیون است و این علاقه، وی را به جریان مبارزات سوق داده و همراه و هم‌پای پسر می‌کند. این کتاب را فهمیه پرورش نوشته و انتشارات کتابستان معرفت آن را منتشر کرده است.

مترسک مزرعه آتشین

مترسک مزرعه آتشین اثر داود امیریان، سرگذشت نوجوان سیزده، چهارده ساله‌ای به نام آیدین است، که در مسیر به اصطلاح مرد شدن تصمیم می‌گیرد، به جبهه برود تا بتواند از رهگذر حضور در جبهه، به مردانگی دست یابد. این کتاب را انتشارات کتابستان معرفت منتشر کرده است.



نیمه پنهان ماه

نیمه پنهان ماه را که شهید چمران به روایت همسر شهید است، انتشارات روایت فتح منتشر کرده است. این کتاب خاطرات همسر شهید چمران است که از زمان انتشار تاکنون مورد توجه مخاطبان بوده است. این کتاب که حجم زیادی نیز ندارد، بعد از گذشت چند سال از انتشار، همچنان پرفروش است.



نورالدین پسر ایران

نورالدین پسر ایران کتاب خاطرات سید نورالدین عافی است؛ پسری شانزده‌ساله از اهالی روستای خنجان در حوالی تبریز در آذربایجان شرقی که مانند دیگر رزمنده‌های نوجوان ایران با تلاش و زحمت فراوان رضایت والدین و مسئولین را برای اعزام به مناطق عملیاتی جلب کرد و از دی ماه ۱۳۵۹، یعنی تنها سه‌ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی، به جبهه‌های نبرد با متجاوزان رفت. او حضور در گردان‌های خط‌شکن لشکر ۳۱ عاشورا را به‌عنوان نیروی آزاد، غواص و فرمانده دسته در جبهه‌های مختلف تجربه کرده و بارها مجروح شده است. نورالدین نزدیک به هشتادامه از دوران جنگ تحمیلی را علی‌رغم جراحات سنگین و شهادت برادر



عباس دست‌طلا

عباس دست‌طلا عنوان کتابی است که مورد توجه جامعه بوده و در میان پرفروش‌ها خودنمایی می‌کند. این کتاب خاطرات عباس‌علی باقری است که به حرفه صافکاری مشغول بوده و با آغاز جنگ، کار و کاسبی را رها کرده و برای صافکاری خودروهای جنگ راهی جبهه می‌شود. این کتاب را محبوبه معراجی‌پور نوشته و انتشارات فاتحان منتشر کرده است.



تفحص

تفحص عنوان کتابی است که حمید داودآبادی آن را نوشته و مؤسسه شهید کاظمی آن را منتشر کرده است. این کتاب مشاهدات داودآبادی و برخی نیز خاطرات دیگران از روند تفحص پیکر شهدا است. این کتاب تصاویری به خواننده عرضه کرده که کم‌تر دیده شده و از این منظر، ارزشمند است.



سیزده ساله‌ها

کتاب سیزده ساله‌ها، حکایتی است از نبرد و حماسه آفرینی نوجوانانی که هنوز طعم تکلیف را نچشیده بودند، ولی به بهترین نحو، تکلیف خود را ادا کردند و بلوغشان با رسیدن به شهادت بود؛ آن هم بلوغ خونین. به گونه‌ای که سیزده ساله‌ها، روایاتی است از حضور قاسم‌های خمینی کبیر، بزرگ مردانی که به جایی رسیدند که رهبران آنان را رهبر نامید. این کتاب را هادی شیرازی نوشته و مؤسسه شهید کاظمی منتشر کرده است.



پنجره چوبی

داستان بلند پنجره چوبی از وقایع تاریخی پیش از انقلاب آغاز می‌شود و در ادامه، به روایت دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌پردازد و ماجراهای آن تا سال ۶۵ ادامه پیدا می‌کند. تمام این وقایع در قالب یک داستان عاشقانه و تأثیری که انقلاب بر افراد می‌گذارد، بیان





کوچک‌ترش سیدصادق در برابر چشمانش در جبهه ماند و در عملیات‌های متعددی حضور داشت و جانباز هفتاد درصد دفاع مقدس است.

قصه فرماندهان

این کتاب در حقیقت عنوان یک مجموعه کتاب است که در قطع پالتویی منتشر شده بود. این کتاب‌ها مختصر بوده و در حجم کمی خاطرات فرماندهان دوران مقدس را بازخوانی کرده و به خواننده ارائه کرده است. داوود بختیاری‌دانشور این کتاب‌ها را نوشته و انتشارات سوره مهر منتشر کرده است.



دختر شینا

دختر شینا، خاطرات قدم‌خیز محمدی‌کنعان است که بهناز ضرابی‌زاده آن را نوشته و انتشارات سوره مهر آن را چاپ کرده است. این کتاب خاطرات روزهای سخت یک زن از جنگ است که به‌تنهایی در حالی که همسرش در جبهه‌ها است، بار زندگی را به دوش می‌کشد. این کتاب دارای روایتی متفاوت از دوران دفاع مقدس است که به شهرها و حال و هوای آنجا در هنگامه جنگ اشاره دارد.



اینک شوکران

اینک شوکران! عنوان کتابی است که در آن خاطرات شهید منوچهر مدق به روایت همسر شهید نقل شده و از زمره کتب موردتوجه انتشارات روایت فتح است و از زمان انتشار تاکنون در میان پرفروش‌های کتاب حضور پررنگی داشته است. این کتاب دارای بار عاطفی بسیار است و از این حیث بسیار مورد توجه است.



تبسم‌های جبهه

کتاب تبسم‌های جبهه، تألیف حمید داودآبادی، با موضوع طنزهای رزمندگان در دفاع مقدس از سوی مؤسسه شهید کاظمی راهی بازار کتاب شده است. در این کتاب به‌خوبی صفا و صمیمیت بین رزمندگان اسلام توصیف شده است و بیان شوخی‌ها و طنزهای رزمندگان در دفاع مقدس به جذابیتش افزوده است.



خاک‌های نرم کوشک

خاک‌های نرم کوشک، اثر سعید عاکف، یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس از زمان انتشارش تاکنون بوده است. این کتاب خاطراتی از شهید عبدالحسین برونسی است که در قالبی متفاوت منتشر شده است. این کتاب، تاکنون، بیش از ۲۰۱ بار تجدید چاپ شده است.





کتابی که تن نتانیاها را لرزاند

۶۳



مطم کتاب
یادداشت

العی، قرار گرفت. گستره اطلاعات معظم له و اشراف ایشان بر مبانی فقهی، تاریخی و سیاسی مسأله فلسطین، هر محقق و شیفته علم را به پای سخن ایشان می کشاند. اثر حاضر تلاشی ناچیز برای تسهیل استفاده علاقه‌مندان به بهره‌مندی از محضر ایشان است.

بخش‌هایی از کتاب

در بخش‌هایی از کتاب، مطلبی با عنوان روز قدس؛ روز اسلام، انسانیت، انقلاب و امام آمده است: امروز روز بزرگ و جهانی قدس است، روز تجمع آرمان‌های مسلمانان جهان در یک کلمه و در یک جمله است، روز اتحاد صفوف همه مسلمانان از همه ملت‌ها و کشورهاست، روز اسلام است، روز انسانیت است، روز انقلاب است و روز امام ماست.

همچنین در بخش دیگری با عنوان مسأله فلسطین؛ مهم‌ترین مسأله دنیای اسلام نوشته است: مسأله فلسطین، مهم‌ترین مسأله دنیای اسلام است. هیچ مسأله بین‌المللی‌ای در دنیای اسلام از این بالاتر نیست، چون تسلط غاصبان سرزمین فلسطین و قدس بر این بخش از پیکر امت اسلامی، منشأ بسیاری از ضعف‌ها و دشواری‌ها در دنیای اسلام است. امیدواریم خدای متعال بر کات و فضل خود را بر ملت فلسطین و بر دنیای اسلام نازل کند و آنها را مشمول لطف و نصرت خود قرار دهد. ما آفاق را روشن می‌بینیم. ما با ایستادگی، آینده خوبی را برای دنیای اسلام و فلسطین پیش‌بینی می‌کنیم. ما معتقدیم که مرگ دنیای اسلام و ذلت و تحقیر نهایی او روزی است که در مقابل فروزن طلبی استکبار و صهیونیسم عقب بنشیند و تسلیم آن شود. امیدواریم خداوند چنین روز و چنین وضعیتی را هرگز برای دنیای اسلام پیش نیاورد. ما یقین داریم با ادامه مبارزات مردم مسلمان فلسطین و حمایت جهان اسلام، فلسطین به فضل الهی آزاد می‌شود و بیت‌المقدس و مسجدالاقصی و سایر نقاط آن سرزمین اسلامی به آغوش جهان اسلام باز می‌گردد، ان شاء الله. والله غالب علی امره.



مجید صحاف - نتانیاها این بار در سخنرانی خود در سازمان ملل به جای نقاشی کشیدن، یک کتاب معرفی کرد تا بتواند مردم جهان را با نگاه ایران به رژیم صهیونیستی آشنا کند. اما نتانیاها کدام کتاب را پیشنهاد داده است؟

کتاب پیشنهادی نتانیاها فلسطین از منظر آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی) نام دارد. این کتاب شامل مرور بیانات مقام معظم رهبری در هشت بخش کلیات، شکست‌ها و پیروزی‌ها، مسئولیت‌ها، جنایات، راه‌حل‌ها، قهرمانان، روشنگری و آینده روشن است. این کتاب به کوشش سعید صلح‌میرزایی به زبان فارسی و انگلیسی در ۴۱۶ صفحه توسط انتشارات انقلاب اسلامی چاپ و تولید شد. در بخش درباره کتاب این کتاب آمده است: «بر هیچ کس پوشیده نیست که انقلاب اسلامی ایران بر پایه مبانی دین مبین اسلام به وجود آمده است.»

بر همین اساس، حمایت از منافع جهان اسلام به‌ویژه ملت‌های مظلوم مسلمان از نخستین شعارهایی بود که توسط بنیان‌گذار مقدس جمهوری اسلامی (قدس سره) مطرح شد. این در حالی بود که رژیم منحوس پهلوی جزو نخستین دولت‌های اسلامی بود که رژیم جعلی صهیونیستی را به رسمیت شناخته بود. آرمان امام خمینی (قدس سره) جان تازه‌ای به پیکر انتفاضه دمید و ابتکار تعیین جمعه آخر ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس، عامل ماندگاری مسأله فلسطین شد.

پس از ارتحال آن حکیم الهی، علم این آرمان خواهی بر دوش خلف صالح او، یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)



بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای مهر

از جمله فعالیت‌های سامانه کارشناسی مجمع ناشران انقلاب اسلامی تولید سیرهای مطالعاتی و بسته‌های پیشنهادی کتاب در موضوعات مختلف، برای مخاطبان گوناگون است. سامانه کارشناسی بنا به سلیقه و علایق مخاطبان، در هر ماه، تعدادی کتاب معرفی می‌کند. کتاب‌هایی که در ادامه معرفی می‌شوند، کتاب‌هایی است که سامانه کارشناسی برای خوانندگان شیرازه کتاب تدارک دیده است.



۶۴

طعم کتاب

بسته پیشنهادی مهر



ایما

سجاد سامانی

سوره مهر



آواز بلند

عزتی پاک

شهرستان ادب

سجاد سامانی در همین دفتر اول، لطافت طبع خود را به رخ مخاطب شعر خوان کشانده است. ابیات پر نقش و نگار او دل‌بستگی‌اش به سبک هندی را به ذهن می‌آورد و آرایه‌ها و کنایه‌های او تأثیرپذیری‌اش از فاضل نظری. (در کجا علم سخن یاد گرفتی که هنوز/ ظاهراً معنی برگرد نمی‌دانی چیست) بیشتر کشف‌های سامانی در حوزه معنا اتفاق افتاده و شعرش را به شعری تأمل‌برانگیز تبدیل کرده است. درونمایه اصلی شعرهای این مجموعه عشق است که در کنار خودشناسی و ایمان فضای غالب اشعار را رقم می‌زند. زبان در شعر سامانی یک پا در زبان شاعران کلاسیک دارد و یک پا در زبان شاعران امروز که این خود به علت انتخاب مضامینی این چنین است؛ یعنی دقیقاً مضامینی که یک پا در سنت دارند و یک پا در مدرنیته. شیرینی این غزل‌ها هم از همین جا ناشی می‌شود. شنیدن قصه کهن عشق از زبان جوانی که بهارهای گذشته‌اش به سی نمی‌رسد.

اگر دنبال رمانی می‌گردید که صحنه‌های بمباران شهرها در زمان دفاع مقدس، توسط عراق را به گونه‌ای ملموس و تأثیرگذار به تصویر کشیده باشد و نیز اگر هم‌ذات‌پنداری با مادر پیری را که بی‌قرار پسر مفقودش در جبهه‌هاست، دوست دارید، *آواز بلند* علی‌اصغر عزتی‌پاک را بخوانید. مفقود شدن هادی و کنکاش خانواده برای یافتن زاینده ماجراهایی جذاب است که مخاطب را در حسی عمیق فرو می‌برد. عزتی‌پاک در این اثر در کنار روایت از تجاوز دشمن، دفاع مردم از میهن و نیز تلخی‌هایی که متجاوز بر مردم تحمیل کرده، از قصه عشق پاک غافل نشده است. بومی بودن اثر در اقلیم همدان از ویژگی‌های منحصر به فرد این روایت است. اقلیت‌های دینی نیز در این رمان مورد اشاره قرار گرفتند و این حکایت از شناخت کافی راوی نسبت به مکان روایت است. *آواز بلند* را نشر شهرستان ادب منتشر کرده و برای چهارمین بار تجدید چاپ شده است.

ماهنامه شیرازه کتاب

شماره ۴ و ۵، مهر و آبان ۱۳۹۴



حق السکوت

محمد مهدی سیار
فصل پنجم

چهل و یک غزل نجیب و محبوب! چهل و یک بار انعکاس جهان پیرامون در آئینه وجودی محمد مهدی سیار، حق السکوتی را برای حرف‌های نگفته‌اش، که بسیار بیشتر از گفته‌ها هستند، می‌آفریند و مخاطب اشعار را بعد از پایان شعر به فکر فرو می‌برد. این فکر همان حق السکوتی است که مخاطب در قبال شعر سیار باید پرداخت کند. (مرغ بسمل خواند: بسم الله الرحمن الرحیم/ در گلویم صد هزار آهنگ باقی مانده است)

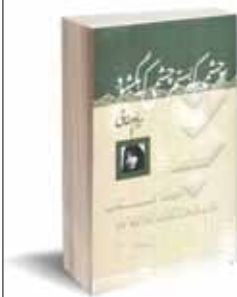
زبان و تصویر در شعر سیار در خدمت معنا هستند و این شاید خود به علت فلسفه خواندن سیار و دکترای فلسفه مشای اوست. اشعار آیینی این دفتر هم در راستای همان رسالت اشعار دیگر پرورانده شده‌اند. بدین معنا که خواننده با دو جهان شقه شده، یکی از آن زندگی، دیگری از آن ایمان و عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) روبرو نمی‌شود و این از امتیازات این شاعر است و در روزگار ما موهبتی است که شکرها را واجب می‌کند.



جمعه‌ها هنوز خواب می‌بینند

سودابه مهیجی
سپیده باوران

موعودگرایی و انتظار حضرت صاحب‌الزمان (عج) در شعر روزگار ما جایگاه بایسته‌ای یافته است؛ به شکلی که گاه دفتر شعری کامل به این ساحت اختصاص می‌یابد. *جمعه‌ها هنوز خواب می‌بینند* از این دست دفاتر شعر است. شرح هجران، عشق، انتظار، گلایه، محبت و دیگر حالات و احساسات شاعر منتظر در قبال امام منتظرش پنجاه و دو غزل زیبا را شکل داده است. آرایه‌های ادبی، ظرف‌های زبانی و اشاره‌های غیرصریح به آیات و آموزه‌های اسلامی، خصوصاً پیرامون انتظار، شعرهای این مجموعه را خواندنی‌تر کرده است. در شعر مهیجی محیط پیرامون به کمک شاعر در آفرینش تصاویر محتوی معنا شتافته‌اند و این عناصر هم شامل جنگل و کوه و دریا می‌شوند و هم خیابان و کوچه و چتر و قطار. گرچه موضوع تمام اشعار این دفتر موعود است، به هیچ وجه یکنواخت از کار درنیامده، چرا که مخاطب قدم به قدم با شعر همه موقعیت‌های احساسی در قبال امام عصر را تجربه می‌کند: (نیامدن؟ نه هرگز به او نمی‌آید/ اگر چه دیر شد، اما نگو نمی‌آید)



چشمی که بستم، چشمی که بگشود

مریم مقانی
تکا

ترور، جنگ، جنایت‌های اسرائیل و قدرت سرویس‌های جاسوسی و در طرف دیگر، غیرت و جان‌فشانی همراه با زیرکی جوانان مقاومت و نفوذ در قلب خاک فلسطین اشغالی مسائلی است که درون‌مایه رمانی خوب از مریم مقانی را تشکیل می‌دهد. چشمی که بستم، چشمی که بگشود جزو معدود رمان‌هایی است که با موضوع مقاومت و رویارویی با رژیم جعلی اسرائیل نگاشته شده و در این زمینه به روشن‌گری می‌پردازد. این اثر، جدا از اینکه از مضمونی ارزشی و ضدصهیونیستی برخوردار است، از فرم و ساختار فنی و حساب‌شده‌ای بهره می‌برد. نویسنده، هر چند مکان روایت داستان را شخصاً درک نکرده و پا به سرزمین اشغالی نگذاشته است، در فضا سازی و پرداخت مکان چنان حرفه‌ای و فنی عمل کرده است که مخاطب را در حسی عمیق از حضور در مکانی که داستان روایت می‌شود، فرو می‌برد. نویسنده، هم‌چنین، علی‌رغم اینکه با شخصیت‌های بدیل داستان معاشرت نداشته، در خلق آنها حرفه‌ای و حساب‌شده عمل کرده است. این کتاب را می‌توانید در خروجی‌های نشر تکا سال ۱۳۹۲ پیدا کنید.



پرتاب

محمد مهدی صفری
شهرستان ادب



پنجشنبه فیروزه‌ای

سارا عرفانی
نیستان



قصه سنگ و خشت

محمد کاظم کاظمی
کتاب نیستان

نگاه داستانی بر پیشرفت‌های هوا و فضا در این سال‌ها، موضوع کتاب پرتاب نوشته محمد مهدی صفری است. ماجرا از آنجا آغاز می‌شود که ساخت تا پرتاب یک موشک به فضا زندگی علمی و خانوادگی دو دانشجو را دچار تغییر و تحولات می‌کند. بیان لحظه به لحظه طراحی و ساخت این موشک، به تصویر کشیدن سختی‌ها، پشتکار و همت و اراده یک دانشجوی ایرانی، شهادت، و باور ارزش‌ها و آرمان‌های ملی و شکست‌های کوچک تا رسیدن به توفیق پرتاب همه و همه حادثه‌های فروگذار نشده نوشته صفری هستند که در ایده‌ای نو پا به عرصه وجود گذاشته است.

آن‌چه درباره پرتاب شایان توجه است، آن است که در ملغمه بی‌سر و سامان انتشار انبوه رمان‌های غیرمتعهد، پرطمطراق و مدعی که بیشتر آنها روحیه ضعف و بی‌اعتقادی و بی‌هویتی را القاء می‌کنند، پرتاب متعهدانه سعی بر این دارد، حماسه‌ای را که مخاطب ساده از آن عبور می‌کند، در خاطرها یادآور شود.

پنجشنبه فیروزه‌ای آخرین اثر سارا عرفانی اواسط اسفند ماه ۹۳، رونمایی شد و نگاه جمعی از اصحاب قلم را به خود جلب کرد. داستان این کتاب حول دو محور اصلی زیارت صحیح و ارتباط با نامحرم جلو می‌رود. مطالب مربوط به زیارت صحیح مجموعه اتفاقاتی است که برای شخصیت غزاله پیش می‌آید. از این نظر می‌توان پنجشنبه فیروزه‌ای را حاوی یک پیرنگ بلوغ دانست، بلوغی که برای شخصیت غزاله به وجود می‌آید و وی در طول داستان با خواندن جلد اول کتاب/دب فناء مفریان، اثر آیت‌الله جوادی آملی، به درکی صحیح از زیارت امام رضا (علیه‌السلام) می‌رسد. جدا از این درک شخصی، غزاله با بیان موضوعاتی چون لگد کردن مردم، هجوم به سمت ضریح و فشار به اطرافیان، تعداد بوسیدن ضریح به عنوان تعداد زیارت، زیارت با هدف رفع گرفتاری‌ها و تهدید امام در خواسته‌ها، شلخته و کثیف بودن مسافران و... به گوشه‌ای از رفتارهای اشتباه برخی از زائران اشاره می‌کند. پنجشنبه فیروزه‌ای رمانی یک‌دست، جذاب، اثرگذار و یک سر و گردن بالاتر از آثار قبلی سارا عرفانی است که جایگاه این نویسنده جوان را در ادبیات ایران بالاتر خواهد برد.

قصه سنگ و خشت قصه غربت است. شاعر افغانی که سال‌هاست مقیم ایران شده، در این دفتر از دو غربت حرف می‌زند؛ یکی غربت و سرگردانی هم‌وطنانش میان خط‌خطی‌های این کره خاکی که مرز می‌نامندش و دیگری غربت هم‌نوعانش در این کره خاکی که زمین می‌نامندش. انسان در این گزینه شعر اصالت دارد و جایگاه او در ساحت هستی موضوع گفت‌وگوهای ابیات شده است. وقتی شاعر در این شعر معروفش می‌گوید: (غروب در نفس گرم جاده خواهیم رفت/ پیاده آمده بودم، پیاده خواهیم رفت) هر دو غربت مذکور را می‌شود برداشت کرد. به تناسب همین مضامین، آنچه در این دفتر برجسته است، عنصر عاطفه و صمیمیت است؛ به شکلی که مخاطب خود را در فضایی صمیمی و پرشور هم‌نوا با شاعر می‌یابد. اشعار این مجموعه که در قالب‌های گوناگون کلاسیک، غزل، مثنوی، چهارپاره و... سروده شده‌اند، گزینهای از اشعار پیشین محمد کاظم کاظمی از دفتر پیاده آمده بودم... و اشعاری است که بعداً در دفتر کفران به چاپ رسیدند.



ادواردو
بهزاد دانشگر
آرما

همواره در طول تاریخ، مرگ‌های مشکوکی وجود داشته‌اند که گاه تا ده‌ها و یا صدها سال علت وقوع آن حادثه پنهان مانده است.

مرگ ادواردو آنیلی پسر سناتور آنیلی ثروتمند مشهور ایتالیایی و مالک کارخانجات اتومبیل‌سازی فیات، فراری، مازراتی و... از آن جمله است. جوانی که به جرم اسلام آوردن و انتخاب مذهب شیعه مورد ظلم مافیای قدرت و ثروت واقع گشته و به‌صورت مشکوکی از دنیا رفت.

بهزاد دانشگر پس از چندین سال تحقیق، رمانی را با نام ادواردو در ۳۶۰ صفحه آماده و امسال توسط نشر آرما روانه بازار کرد. رمانی جذاب در مورد گروهی مستندساز که برای ساخت مستند ادواردو به ایتالیا رفته‌اند، اما مشکلاتی برای آنها ایجاد می‌شود. نویسنده به‌طور موازی داستان خبرنگاری ایتالیایی را که بر روی این موضوع کار کرده است نیز روایت می‌کند. معمای قتل ادواردو و رابطه خبرنگار و نامزدش و... باعث می‌شود خواننده مشتاقانه تا آخر ماجرا را دنبال کند. چهره دختر، کش می‌آید. شکل بزی می‌شود که موهایش را رنگ کرده باشد؛ زرد یا نارنجی؛ شاید هم یک رنگ دیگر. شاید شکل یک حیوان دیگر، زرافه یا شتر...



پرندگان زرد
کوبین پاورز
شور آفرین

سربازی آمریکایی به جنگ عراق اعزام می‌شود. قبل از اعزام، به مادر دوستش قول می‌دهد که او را سالم برگرداند، اما در خلال جنگ، آن دوست تعادل خود را به‌خاطر کشت و کشتار از دست می‌دهد و قربانی این ماجراجویی می‌شود...

جنگ می‌خواست ما را در بهار بکشد این جمله آغازین رمان پرندگان زرد نوشته کوبین پاورز است. رمانی که دارای پلات نسبتاً خوبی است و خواننده را تا آخر داستان به‌دنبال خود می‌کشانند. نویسنده به‌خوبی سرگشتگی سربازان آمریکایی را به‌تصویر کشیده و نشان می‌دهد که چگونه فریب خورده و آلت دست سیاستمداران دروغگو و فریبکار می‌شوند.

به من یاد داده بودند فکر کنم جنگ یک متحدکننده بزرگ است که مردم را بیشتر از هر فعالیت دیگری در جهان به‌هم نزدیک می‌کند. مزخرف بود.

پرندگان زرد را انیسا دهقانی به‌صورتی روان ترجمه و نشر شور آفرین راهی بازار کرده است.



جشن باغ صدری
عذرا موسوی
شهرستان ادب

طراوت زندگی و سیاهی ظلم در جشن باغ صدری جریان دارد. حس نفرت از حکومت ظلم و همراهی با مردم ظلم‌ستیز و حقیقت‌طلب، حس غالب داستان هاست. تصویر دهه ۵۰ و قبل از آن نیز با همان رنگ و بو و قدمت به‌خوبی توصیف می‌شود و حسی اصیل و صمیمی به مخاطب می‌دهد. جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، به‌توپ بستن حرم امام رضا (ع) در قضیه کشف حجاب، سخنرانی آقای بهلول در مشهد، توده‌ای‌ها و انحراف آنان، برخی از بینامتنیت‌های کتاب است. زنان در داستان‌ها محوریت دارند. داستان‌ها با پیرنگ‌های مناسب، سبک رئال، فضا سازی و توصیفات صحنه در حد خوب و بسیار خوب نوشته شده و نشان دهنده اوضاع ایران در بریده‌ای از تاریخ مربوط به انقلاب است. فعال بودن زنان در فعالیت‌های انقلابی، ترسیم شجاعت و شخصیت انقلابی آنان، ذکر نجابت، مظلومیت، وفاداری و تعهد آنان به زندگی و اعتقاداتشان و ظلم و ستمی که در این مسیر به آنان شده گزینۀ مشترک اغلب داستان هاست.



■ صبح بنارس
■ علیرضا قزوه
■ شهرستان ادب

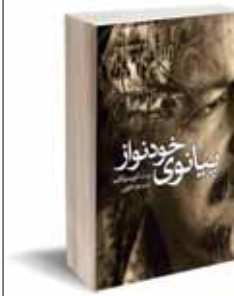
شاعر، پرورش دهنده دیده‌ها و شنیده‌های خود از هستی و جهان پیرامونش است؛ هر چه تنوع دریافت‌ها بیشتر، تنوع ارائه‌ها بیشتر. صبح بنارس در بین آثار قزوه که شاعر نام‌آشنایی است، این ویژگی را دارد که بر دریافت‌های شاعر از اقلیم هندوستان استوار است. شعر سهل و ممتنع قزوه این بار با رسوم، آداب و احساس‌های ناشی از زیست کردن در کشور هزار آیین هندوستان ممزوج شده است. طبعاً اقامت در محیطی عارفانه شعرهای این مجموعه را هم به سمت عرفان کشانده و خلوتی را برای تجربه‌های شهودگونه و سرمستی‌های سماع‌گونه فراهم آورده، (سکوتستان فریاد است هر سطر غزل‌های اشارت‌های پنهانم، قیامت‌های خاموشم) اما باز هم انتقادات اجتماعی قزوه در این مجموعه شعر نیز به چشم می‌خورد: (تمام تیمچه‌ها پر شد از نقاب فروش/ زمانه‌ای است که حلاج شد طناب فروش). صبح بنارس که شامل هفتاد غزل و قصیده است، برگزیده جایزه کتاب فصل جمهوری اسلامی در بخش شعر نیز شده است.



■ داستان یک انسان واقعی
■ بوریس پوله‌وی
■ قدیانی

خلبانی هواپیمایش هنگام جنگ در جنگل سقوط می‌کند، ولی زنده می‌ماند. استخوان‌های پایش می‌شکند و توان راه رفتن ندارد، اما کم نیاورده و تسلیم درد پا نمی‌شود. لنگ‌لنگان و سینه‌خیزان هجده‌روز تمام دوام آورده و پیش می‌رود تا سرانجام به مقر نیروهای خودی می‌رسد. این روایت بورس پوله‌وی اهل روسیه است که برش‌هایی از وقایع جنگ جهانی دوم و نبرد شوروی با آلمان را در قالب رمان داستان یک انسان واقعی بازنمایی و نقل می‌کند. روایت این سختی‌ها آن قدر ملموس است که هر لحظه خودتان را کنار خلبان مجروح تصور می‌کنید.

داستان یک انسان واقعی را گامایون ترجمه و محمدرضا سرشار ویراش کرده است. این رمان توسط انتشارات قدیانی اولین بار در سال ۱۳۷۶ منتشر گشته و تا به حال نیز هشت‌بار تجدید چاپ شده است. نکته قابل توجه در مورد این کتاب این است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره این کتاب می‌فرمایند: هر خلبان یا هر جانبازی که پایش قطع شده باشد... این کتاب را که بخواند، احساس آرامش و رضایت می‌کند.



■ پیانوی خودنواز
■ کورت ونه‌گات
■ سبزان

آیا تا به حال به این اندیشیده‌ایم که ابزارهای مدرن در ظاهر در خدمت ما هستند، ولی در باطن بر ما خیانت‌هایی را روا می‌دارند. تا به حال به این اندیشیده‌اید که زندگی آپارتمانی و امکانات مدرن داخل و خارج آن فرصت‌هایی طلایی را از ما ربوده‌اند؟ دیگر از راه رفتن خبری نیست. با ماشین تا دم بلوک می‌آییم. با آسانسور به طبقه دلخواه می‌رویم. در منزل، از همه امکانات بهره‌مندیم. از ماشین‌های لباسشویی گرفته تا ظرفشویی و... همه و همه فرصت فعالیت‌های فیزیکی را از ما ربودند و آپارتمان یا حتی دیگر خانه‌ها را تبدیل به زندانی مدرن کرده‌اند. با داشتن دستگاه پیاده‌روی (تربدمیل) حتی حق ورزش در فضای سبز هم از انسان‌ها گرفته شد. کورت ونه‌گات در رمان پیانوی خودنواز سبک زندگی ماشینی را به چالش می‌کشد. مخاطب با مطالعه این رمان هم متنبه می‌شود و هم لذت ادبی می‌برد. پیانوی خودنواز را زهرا تراوتی ترجمه و نشر سبزان منتشر کرده است.



■ **فرمانروای مه**
■ مهدیه ارطایفه
■ تکا

توفیق شاگردی کسی که با بی بی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ارتباط دارد، چیز کمی نیست. انسان وقتی علائمی نظیر خبر از غیب و پیش گویی را در زنی می بیند، مهر صحت بر ادعای رابطه اش با حضرت فاطمه زهرا (ع) می زند. به خود می بالد که توفیق شاگردی همچین استادی را دارد و هر چه آن زن بگوید، با جان و دل می پذیرد. زندگی و کارهای روزمره خود را تعطیل می کند تا توفیق شاگردی اش را از دست نهد، فرزندش را به توصیه آن زن به اجبار به عقد دیگری در می آورد و... رفته رفته زندگی اش رنگی دیگر می گیرد تا اینکه معلوم می شود، زن مدعی مرتبط با اجنه بوده و به دروغ آن اخبار را منتسب به حضرت فاطمه (ع) می کرده تا شیادی اش مستور بماند. این داستان که یک رئالیست اجتماعی بوده و بسیار آموزنده است، موضوع رمان فرمانروای مه نوشته خانم مهدیه ارطایفه را شکل می دهد. نشر تکا این رمان را در سال ۱۳۹۲، منتشر کرده است.



■ **عقربه‌ها خوابشان می آید**
■ معصومه عیوضی
■ سوره مهر

خاطرات هیجان انگیز تیراندازی، درگیری، تعقیب و گریز، زخمی شدن، مفقود و ناپدید شدن دوستی به نام اسماعیل که مجروح شده بود و نیز انتظار دردآور مادر پیرش برای برگشتن او و... بعد از گذشت یک سال از آن ماجرا، در قطاری که راوی داستان و خانواده اش با آن به مشهد می روند، در ذهنش مرور می شود که ناگهان اسماعیل را در راهروی قطار می بیند، راوی به دنبال اسماعیل می رود، ولی باز گمش می کند و... دردسرهای سفر و مشکلاتی که برای هر کدام از اهالی خانواده پیش می آید، بر غنای دراماتیک اثر می افزاید. این ماجراهای جذاب، دل پذیر و پر کشمکش برای مخاطب نوجوان در زمانی به نام عقربه‌ها خوابشان می آید به قلم نویسنده خوش ذوق و توانمندی به نام سرکار خانم معصومه عیوضی گنجانده شده است. عقربه‌ها خوابشان می آید برگزیده اول سومین جشنواره داستان انقلاب است که در سال ۱۳۹۱، سوره مهر منتشرش کرده است.



■ **عاشقانه‌های پسر نوح**
■ علی محمد مؤدب
■ شهرستان ادب

آزادی ای که شعر آزاد (سپید) دارد، فرصت بیشتری را در اختیار شاعر قرار می دهد و میدان را برای جولان اسب های معنا فراخ تر می کند. علی محمد مؤدب در دفتر عاشقانه های پسر نوح این میدان بزرگ را عرصه تاخت و تاز خود کرده و جهاتی از جهان بینی اش را به تماشاگران نشان داده که شاید در غزل ها و اشعار کلاسیک اینچنین نمایان نباشند. اشعار این دفتر تنها حدیث نفس و واگویه های در خلوت شاعر نیستند، بلکه کاملاً در بستر جامعه اتفاق می افتند و تعهد شاعر را در قبال مردم خود نشان می دهند. زبان در شعرهای این دفتر رها و در عین حال منسجم است، حتی در جایی که به محاوره می گراید؛ چه در شعرهای بلند، چه در شعرهای کوتاه. گل سرسید شعرهای این دفتر شعری برای شهید محمدعلی بردبار است: (... تو رفتی / باقر بی بی زهرا رفت / حسین عمو رفت / حسن عمو رفت / اما هیچ اتفاق مهمی نیفتاد / تنها بعضی از دختران ده / گیسوهایشان را / دور از چشم شویشان / سپید کردند).



کتاب‌هایی برای محرم



۷۰

طلم کتاب
معرفی کتاب‌های
عاشورایی



کیمیای وصل

ناشر: تراث

عرفانی و اعتقادی، هر فراز از این زیارت قدسی پرداخته است. مؤلف در هر بخش، ابتدا فراز مربوطه را آورده و سپس به شرح آن اقدام کرده است.

در واقع باید گفت که کتاب کیمیای وصل، هم‌چون آثار پیشین مؤلف، فقط جنبهٔ تئوری و نظری نداشته و به‌نوعی راهنمای عملی سیر و سلوک نیز هست. مؤلف، پیش از این، در سلوک با همسر که کتابی برای ارتقای معنوی و اخلاقی خانواده‌ها و اصلاح رابطهٔ زوجین است، یا در بالاترین نذر که طریقهٔ ختم حدیث شریف کساء است و یا در بادهٔ گلگون که چهارصد و چهل کلمه در سیر و سلوک الی‌الله از مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی است، نیز این رویه را پیش گرفته بود.

کیمیای وصل، سیری در معارف زیارت عاشورا، بر اساس نسخهٔ جمال‌العارفین، حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقای قاضی، است.

این کتاب دریچه‌ای است برای فهم بیشتر زیارت عاشورا و انس بیشتر با آن و بهره‌مندی بیشتر از آن. ۶۰ صفحهٔ ابتدایی کتاب، به بیان نکاتی دربارهٔ زیارت عاشورا اختصاص دارد. نکاتی مثل معنای زیارت، نمونه‌ای از آثار دنیوی زیارت عاشورا، توصیهٔ برزخی علامه امینی و توصیه به قرائت هر روزهٔ زیارت عاشورا که کمک می‌کنند با فهم بیشتر نسبت به جایگاه رفیع این زیارت نورانی به دامن آن چنگ بزنیم. از اینجا به بعد و در قالب بیش از ۷۰۰ صفحه، مؤلف به شرح نکات اخلاقی،

ماهنامهٔ شیرازه کتاب
شمارهٔ ۴ و ۵، مهر و آبان ۱۳۹۴



زخم عتیق
محمدسعید میرزایی
نشر بین الملل

کتاب زخم عتیق شامل سروده‌های محمدسعید میرزایی شاعر آیینی است که انتشارات بین الملل آن را به چاپ رسانده است. میرزایی در این کتاب اشعار عاشورایی خود را گردآوری کرده است. زخم عتیق در واقع شامل قصیده‌ها، مرثیه‌ها، زیارت‌نامه‌ها، نوحه‌ها، مخمس‌ها و بحر طویل‌های عاشورایی این شاعر است.

در مقدمه این کتاب آمده است: زخم عتیق، خبر از درد بزرگی است که تاریخ را تحت الشعاع خود قرار داده و قلوب را تسخیر خود کرده است. بعد از عاشورا همه، هنر عشق‌ورزی خود را با آن محک زدند و زانوی ادب بر عظمت صحنه ظهور عشق زدند. هر آنکه داغی از این زخم بر جگر دارد، نمی‌تواند آرام بگیرد و هر اثری در عالم از او به جا ماند، اثری از آن داغ دارد و محمدسعید میرزایی از قبیله ایشان است.



رحمت واسعه
مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت
آیت‌الله العظمی بهجت

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی بهجت (قدس سره) کتابی با محوریت موضوع حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و واقعه عظیم عاشورا، برگرفته از گفتار و سیره آن عالم عارف منتشر سازد. این کتاب پس از تلاش فروان، با پشت‌سرگذاشتن مراحل گوناگون گردآوری و تنظیم، با عنوان رحمت واسعه به مرحله نشر رسید.

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است:

۱. روایتی کوتاه از سیره و روش آن عالم ربانی: در این بخش به شرحی گذرا از دل‌دادگی و سرسپردگی آن عالم عارف به ساحت مقدس معصومین و اباعبدالله الحسین (ع) پرداخته شده است.

۲. گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی بهجت (قدس سره): این بخش که قسمت عمده کتاب را تشکیل می‌دهد، در ۹ فصل گردآوری شده است.

۳. پرسش‌ها و پاسخ‌ها: در این بخش، گزیده‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌هایی از حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره، جمع‌آوری شده است.



مقتل الحسین (ع)
علامه عسکری
ایمان ماندگار

کتاب مقتل الحسین (ع) برگرفته از کتاب معالم المدرستین، تألیف علامه سیدمرتضی عسکری می‌باشد. این کتاب، حوادث زندگی امام حسین (ع) و اولاد و اصحاب ایشان را و همچنین ماجراهای پس از شهادت ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب، در مقایسه با سایر مقاتل از ویژگی‌های خاصی برخوردار است.

کثرت استناد به کتب دست اول تاریخی در این کتاب کاملاً مشهود است. استفاده وسیع از منابع و کتب اهل سنت از ویژگی‌های بارز این کتاب است. چون مرحوم علامه عسکری (رحمات الله علیه) خود مورخی برجسته و متخصص در زمینه تاریخ اسلام بوده‌اند، لذا مطالب این کتاب با نگاه خاص و دقیقی نوشته شده است. حتی چگونگی ذکر ترتیب حوادث نیز آگاهانه و با نگاهی محققانه صورت گرفته است.

این کتاب نقل و بررسی حوادث منجر به حادثه عاشورا را از مرگ معاویه آغاز می‌کند و سپس ماجرای بیعت نکردن امام، دعوت مردم کوفه، پیمان شکنی آنان، ماجرای حر، حوادث شب عاشورا و ظهر عاشورا و سرانجام حرکت پیامبرگونه امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س)، پس از حادثه ظهر عاشورا را با دقت علمی بسیار، نقل و بررسی می‌کند.





چهل منزل با حسین^(ع)

نویسنده: علی اکبر رنجبر
ناشر: مجتمع فرهنگی عاشورا

این کتاب شامل سه مقدمه و دو بخش است. در مقدمه اول که نوشته محمدقاسم فروغی جهرمی است، به اهمیت نگارش درباره جریان عاشورا و در ضمن اهمیت تدوین این کتاب پرداخته شده است. مقدمه دوم کتاب که مفصل است، نوشته دکتر رسول جعفریان به سیر نگارش رویدادهای عاشورا در دوره‌های تاریخی با توجه به رویکرد زمانه نسبت به آن واقعه اشاره شده است. مقدمه سوم، نوشته نویسنده کتاب است. ایشان هدف خود را در تألیف بیان راهکاری در زمینه آشنایی مرثیه‌خوانان با متون اصلی و معتبر بیان می‌کند. بر این اساس، نوشتن متنی کوتاه در موضوعات مورد نیاز وقایع عاشورا و برگرفته از مقاتل معتبر می‌تواند راه‌گشای یک مرثیه‌خوان در نیاز او به محتوای مرثیه باشد. این نوشتار به مرثیه‌خوان این قدرت را می‌دهد تا بخش مقتل معتبر خواندن را استیفا کند و بخش دوم را نیز با هنر خود فراهم آورد. بعد از مقدمات بخش اول کتاب با عنوان گذری اجمالی بر تاریخ مقتل‌نگاری شیعه به بیان ویژگی‌های دوران‌های مختلف مقتل‌نگاری شیعیان پرداخته است. بخش دوم کتاب با عنوان از بهشت تا بقیع طی چهل منزل مهم‌ترین وقایع عاشورا را از زمان گریه آدم^(ع) بر امام حسین^(ع) که با عنوان اولین مرثیه نام‌گذاری شده تا برگشت اسرا به مدینه و اندوه همیشگی امام سجاد^(ع) و اهل بیت^(ع) بررسی شده است. در این بخش، در دو ستون ابتدا متن مقتل و در ستون مقابل ترجمه آن آمده است.

در این کتاب، ۴۰ مقتل با موضوعات خاص و کاربردی درباره عاشورا و بر اساس آنچه در مجالس روضه‌خوانی ایام محرم رایج است و البته نسبت به موقعیت مکانی و زمانی ما گزینش شده‌اند که مجتمع فرهنگی عاشورا آن را منتشر کرده است.



داریم با حسین حسین پیر می شویم

نویسنده: علی اکبر لطیفیان
ناشر: جمهوری

بدون شک هر جا بخواهیم سخنی از شعر اهل بیتی و هیبتی در شعر امروز بیاوریم، یکی از سرآمدهای آن علی اکبر لطیفیان است. امروزه در هیئات مذهبی شاید کسی را نتوان یافت که حداقل چند شعر از اشعار لطیفیان را نشنیده باشد و مرغ دلش با این اشعار به آستان رفیع اهل بیت پر نزده باشد.

کتاب داریم با حسین حسین پیر می شویم شامل حدود ۱۳۴ شعر اهل بیتی در ۳۱۴ صفحه است. که توسط انتشارات جمهوری به چاپ رسیده است. لطیفیان در بخشی از مقدمه کتاب این گونه می‌نویسد: هنری که حق نماست، هنر الهی است. شیطان گفت: آنرا خیر منه یعنی من بهترم از آدم، در حالی که آدم، اسماء الهی را به نمایش گذارد؛ نه خودش را. در منطق شیطان من در کار است. ملک می‌گوید: حق بهتر است و لذا به جهت ظهور اسماء الهی، اهل سجده به آدم است. بنابراین با سجده بر آدم نشان داد، در موقع ظهور حق، خودش را خاک می‌کند تا مانع ظهور حق نباشد. هر وقت در قلبتان احساس کردید، دارید حق را نشان می‌دهید، شکر کنید، ولی هر وقت سواد خودتان را می‌خواهید نشان بدهید، بدانید که شیطان پشت سر حرف‌هایتان خوابیده است.

این کتاب شامل اشعار محرم و صفر می باشد. در یکی از غزل‌های آن می‌خوانیم ...

هجوم ناگهان و وای زینب
به سمت کاروان و وای زینب
تن آقا بدون غسل و دفن و
بدون سایه‌بان و وای زینب
شنیده شد صدای مادری که
نشسته قد کمان و وای زینب
رسیده بر سر گودال اما
خمیده ناتوان و وای زینب





شهید عشق
احمد تور گوت
نشر کتابستان معرفت



نامیرا
پویش مطالعاتی روشنا



احمد تور گوت نویسنده نام‌آشنایی برای مردم ترکیه است. از همین روست که وقتی واقعه عاشورا را در قالب رمانی به نام شهید عشق نوشت، با استقبال کم‌نظیر مردم ترکیه مواجه شد و در زمانی کوتاه، ۲۵۰ هزار نسخه از آن در ترکیه فروخته شد.

شهید عشق روایتی داستانی از حرکت انقلابی امام حسین^(ع) و قیام عاشواری حسینی است که بدون تخیل محل به اصل تاریخ، قالبی روانی یافته، شاخصه‌های یک روایت داستانی را داراست.

شخصیت و قهرمان اصلی شهید عشق امام حسین^(ع) است که از تولد تا زمان حال روایت داستان، پیشینه‌های خاص و متمایز نسبت به همه افراد معاصر یا غیر معاصر خود دارد. مشکل پیش روی امام حسین^(ع) و موقعیت غیرمتعالی وی با مشکلات و موقعیت‌های غیرمتعالی دیگران فرق دارد. چه‌بسا در داستان‌ها مشکل پیش روی شخصیت‌ها، مشکلاتی مادی هستند، اما در شهید عشق، مشکل و موقعیت غیرمتعالی حضرت، صرفاً مشکل مادی نیست. تصور نشود که مشکل اساسی دراماتیک امام حسین صرفاً نبود آب، کم بودن یاران، از دست دادن عزیزان و دیگر مسائل مادی در کربلا بوده، بلکه اولین مشکل حضرت به خطر افتادن اصل اسلام با روی کار آمدن شخصی فاسد چون یزید بود. امام برای برون‌رفت از این مشکل، حرکت خود را آغاز کرد و در ادامه، به موانعی عدیده و مادی نظیر نبود آب، کم بودن یاران، از دست دادن عزیزان و... مواجه شد. این موارد در رمان به گونه‌ای هنرمندانه روایت شده که حقیقتاً به گونه‌ای خاص برای مخاطب اشک‌انگیز است.

نثر و زبان رمان، روان است. مترجم در ترجمه خود سعی کرده در انتخاب و چینش کلمات به گونه‌ای عمل کند که رمان برای همگان قابل فهم و قابل درک باشد.

دبیر خانه پویش مطالعاتی روشنا- در کوفه‌ای که ۱۸ هزار نامه برای حسین^(ع) ارسال می‌شود، چطور یک‌باره ورق بر می‌گردد و آدم‌هایی که تا دیروز مشتاق استقبال از فرزند پیامبر بودند، ناگهان با زرق و برق سکه‌های پسر مرجانه پشت او را خالی می‌کنند، سفیرش را می‌کشند و بزرگان کوفه ناگهان یار قدیمی ابن زیاد می‌شوند؟

راز و رمز دگردیسی مردم کوفه چه بود؟ آیا از ابتدا دروغ گفته بودند یا در عرصه‌های پرمخاطره و بحبوحه حوادث، کم آوردند و بر پیمان خویش پا نهادند؟ چرا از میان یک لشکر و سپاه، یکی حر درآمد و دیگری ابن سعد؟ چرا امام حسین^(ع) با اینکه مردم کوفه را می‌شناختند، باز هم دعوت آنان را پذیرفتند؟ چگونه امکان دارد مردمی که با شور و اشتیاق، امام را به کوفه دعوت می‌کنند در مدتی اندک، یا در مقابل چشم ایشان، شمشیر می‌زنند یا شرمنده و ترسان فرار می‌کنند تا چشم در چشم امام نشوند؟

نامیرا روایتی است از مردمان کوفه که در معركة امتحان الهی آن قدر جانانه شانه خالی کردند که دود آن تا نسل‌های متمادی به چشم کوفیان رفت. آن قدر وصف حالات روحی مردم این شهر و احتجاجات و استدلال‌هایشان در این کتاب به خوبی روایت شده است که مخاطب با خواندن آن به شناختی واقعی و عمیق نسبت به وصف و حال کوفیان خواهد رسید.

در آستانه ماه عزای ابا عبدالله^(ع)، با هدف ترویج شعور حسینی همگام با شور حسینی و نگاه از زاویه‌ای نو به قیام جوادانه عاشورا، پویش مطالعاتی روشنا با شعار #من_هم_سرباز_حسینم، در اقدامی غیرانتفاعی با هم‌یاری ناشر، مراکز پخش و کتابفروشان که از حقوق مادی خویش صرف نظر نمودند، کتاب تحسین‌شده نامیرا را با کاهش قیمت از ۱۷۰۰۰ تومان به ۶۰۰۰ تومان، به محبان عترت نبوی تقدیم می‌کند.



گزیده‌ای از کتاب‌های خواندنی که در نشست کتابخوان معرفی شدند

یکی از کارهای ارزشمند نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، راهاندازی نشست‌های سلسله‌واری است که در سطح کشور برگزار می‌شود؛ نشست‌هایی که با هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی برگزار می‌شود و در آنها، مردم مختلف و از هر صنف و گروهی، کتاب‌هایی را که به نظرشان جالب می‌رسد، به مخاطبان معرفی می‌کنند. گزارشی که در زیر می‌خوانید گزیده‌ای از کتاب‌هایی است که طی یک‌ماه گذشته، در این نشست‌ها در سراسر کشور، معرفی شده‌اند.



پریا پژوم، سفیر کتاب کتابخانه آیت الله مجتهد فارابی پل سفید، کتاب *رفاقت* به سبک *تانک*، اثر داوود امیریان، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: انتشارات سوره مهر *رفاقت* به سبک *تانک* را در سال ۱۳۷۸، چاپ کرده که موضوع آن در قالب طنز و مربوط به جنگ ایران و عراق است. این کتاب شامل ۴۷ قطعه طنز پیرامون حوادث جنگ است که برای کودکان و نوجوانان نگارش شده است. کتاب با داستان‌واره می‌روم حلیم بخرم شروع می‌شود که در آن نوجوانی شوق رفتن به جبهه را دارد. داستان‌واره‌هایی که در ادامه روایت می‌شوند به نوعی روند تکمیلی این طرح داستانی هستند.



میترا یآوری، فعال رسانه‌ای، کتاب *یک عاشقانه آرام*، اثر نادر ابراهیمی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: داستان کتاب *یک عاشقانه آرام* روایتی است از زندگی گیلهمردی معلم مسلک و عاشق پیشه که در سفری به منطقه آذربایجان، دل به دختری زیبا می‌بندد که هر دو از جنبه سابقه فعالیت سیاسی با یکدیگر اتفاق نظر دارند. نویسنده با خلق عباراتی خاص در کتاب به طرح آن چیزی می‌پردازد که به گفته او نظریه‌اش برای داشتن یک زندگی مشترک است که رو به سوی معنویت دارد. نقطه قوت نویسنده در این کتاب را می‌توان در بیان جملات عاشقانه و زیبا در متن کتاب جست‌و جو کرد.



محمد خوشبایی، کادر آموزشی مجتمع آموزشی سادات موسوی، کتاب *توجیه‌المسائل* کربلا، اثر سید علی اصغر علوی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این کتاب توسط انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق^(ع) منتشر شد. در این کتاب، ابتدا معنا و مفهوم توجیه بررسی و در ادامه انواع و اقسام توجیه تشریح می‌شود. سپس مهم‌ترین مطلب این کتاب، یعنی توجیهات کسانی که امام حسین^(ع) را یاری نکردند، مدنظر قرار می‌گیرد.



پوریا دهقان، دانش آموز پایه هفتم مجتمع آموزشی سادات موسوی، کتاب *بی‌بال پریدن* اثر قیصر امین پور، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این کتاب مجموعه‌ای است از یازده قطعه نثر ادبی که با بهره‌گیری از طنز و نگاهی شاعرانه به مسائل اجتماعی پرداخته است. کتاب شامل قطعه‌هایی به نام‌های ۱. بی‌بال پریدن ۲. کتاب‌ها مثل آدم‌ها هستند ۳. آدم‌ها مثل کتاب‌ها هستند ۴. زندگی در حاشیه ۵. تقسیم عادلانه ۶. خدا در همسایگی ما ۷. مثل کوچه‌های روستا ۸. مثل جاده‌های شهر ۹. سرودی برای پاک ۱۰. پیش از آفتاب ۱۱. چراغ سبز، است.



محمدجواد کیانی، دانش آموز پایه هشتم مجتمع آموزشی سادات موسوی، کتاب *سلام بر ابراهیم* را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این کتاب از سوی گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی نگاشته و توسط انتشارات پیام آزادی در ۲۳۲ صفحه و قطع رقعی به چاپ رسیده است. *سلام بر ابراهیم* زندگینامه شهید ابراهیم هادی است.



پوریا فراهانی، دانش آموز پایه هفتم مجتمع آموزشی سادات موسوی، کتاب *راز مثل‌های ما*، اثر محمد میر کیانی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: *راز مثل‌های ما* توسط انتشارات محراب قلم، در ۳۰۴ صفحه و قطع وزیری به چاپ رسیده است. در این مجموعه برخی از ضرب‌المثل‌های فارسی شرح و توضیح داده شده و دلایل به کارگیری آنها، ریشه برخی ضرب‌المثل‌ها، همراه با حکایت مرتبط با آن ذکر شده است. این ضرب‌المثل‌ها که بر حسب الفبا تدوین شده است، با آب انبار شلوغ کوزه زیاد می‌شکند آغاز و با ضرب‌المثل یک یوسف و صد خریدار پایان می‌پذیرد.



بیتا بهرامی، کتاب *بابا نظر*، اثر محمدحسن نظرنژاد، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: *بابا نظر* عنوان کتابی است که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده‌است. این کتاب حاصل مصاحبه‌های شفاهی با سردار شهید محمدحسن نظرنژاد است که طی آن خاطرات راوی پیرامون انقلاب و جنگ تحمیلی بیان می‌شود. محمدحسن نظرنژاد ملقب به بابانظر بیشتر زمان جنگ ایران و عراق را در جبهه‌های جنگ گذراند و جراحات و آسیب‌های جدی دید. مصاحبه‌های این کتاب توسط سیدحسین بیضایی انجام گرفته‌است و تدوین آن را مصطفی رحیمی به عهده داشته است.



احمد مرتضوی، فعال رسانه‌ای، کتاب *ترکه‌های درخت آلبالو*، اثر اکبر خلیلی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این رمان ماجراهای انقلاب و جنگ هشت‌ساله را می‌کاود. شخصیت اصلی یعنی سرهنگ تحت تأثیر خاطراتی که از عموی خود دارد، به لباس ارتش در می‌آید، اما با توجه به تربیت مذهبی و سنتی که دارد، دائم از این وضع در عذاب است. او با انقلاب همراهی می‌کند و با شروع جنگ خود را به کردستان می‌رساند...



مژگان احمدی، شاعر و مربی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتاب *خدا حافظ را کون پیر*، اثر کلر ژولبرت، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: داستانی برای رجعت و بازگشت به خویشتن که با یک حرکت دوری از تولد، زندگی، مرگ و دوباره زندگی پس از مرگ، فلسفه هستی را با زبانی ملموس، قابل فهم و با درایت و هوشمندی کامل بیان می‌کند و بر مخاطب تأثیر می‌نهد.



فهیمة وثوق، کتاب *مسئله حجاب*، اثر استاد شهید مرتضی مطهری، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این کتاب در پنج بخش تنظیم شده است و در آن تاریخچه حجاب، علت پیدا شدن حجاب، فلسفه حجاب، ایرادها و اشکالات (بررسی نقدها) و حجاب در اسلام بررسی شده است. هدف نویسنده زدودن انحرافات است که با تبلیغات جنجالی سعی در گمراهی جامعه دارند. وی با بیان تاریخچه حجاب اثبات می‌کند که حجاب تنها مربوط به اسلام نیست و از اعصار گذشته مورد توجه ادیان و مذاهب مختلف بوده است. ایشان با بیان فلسفه حجاب از جمله آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و... سعی در اثبات آثار حجاب بر زندگی فردی و اجتماعی دارد.



فرهاد سوداگر، کتاب‌قیدار، اثر رضا امیرخانی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این کتاب که برگزیده بیست و یکمین دوره کتاب سال در قسمت داستان است، در ۹ فصل و ۲۹۶ صفحه توسط انتشارات افق به چاپ رسیده است. داستان همان گونه که از نام کتاب پیداست به شرح زندگی پر فراز و نشیب شخصیتی به نام قیدار می‌پردازد. نثر خاص و خلاقانه، وجود نکات اخلاقی متعدد و درگیر کردن خواننده با ماجراهای کتاب از جمله شاخصه‌های مورد توجه این اثر است.



عبدالحسین بختیاری، رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان ابهر، کتاب محمد^(ص) پیامبری برای همیشه، اثر حسن رحیم‌پور ازغدی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: این کتاب متن پیاده شده چهار سخنرانی از حسن رحیم‌پور ازغدی در سال‌های ۸۱ و ۸۰ است که در ارتباط با شخصیت پیامبر اکرم^(ص) در مناسبت‌های گوناگونی ایراد شده است. نویسنده در چهار فصل و با عناوین موضوع چه باید کرد؟ حضرت محمد^(ص) پیامبری برای همیشه، پیامبری و خاتمیت و اجتهاد سرگردان، جهاد بی‌هدف مطالب مورد نظر خود را عنوان کرده است.



مهدی متصدی، استاد دانشگاه، کتاب امام علی^(ع) صدای عدالت انسانی، اثر جورج جرداق، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: اثری به زبان عربی با نام کامل الامام علی صوت العدالة الانسانیة درباره حضرت امیر^(ع)، به قلم جرج جرداق، نویسنده و ادیب و روزنامه‌نگار معاصر مسیحی لبنانی که به سال ۱۹۵۸ با مقدمه‌ای به قلم میخائیل نعیمه در بیروت به چاپ رسیده است. نویسنده در فصل‌های نخستین جلد اول به تاریخچه پیدایش دین اسلام و ستایش از آن پرداخته است. سپس با استناد به سخنان رسول اکرم^(ص)، به پیوند عمیق میان آن حضرت و امام علی^(ع) اشاره و نقش او را در تحکیم ارکان دین اسلام بیان کرده است. مطالب جلد دوم ادامه بحث جلد اول است. در این فصل از اصول و قوانین اجتماعی و سیاسی عادلانه مورد نظر امام بحث می‌شود.



سید مجید نبوی‌نامقی، شهردار شهر درود، مجموعه شعر پیاده آمده بودم، اثر محمد کاظم کاظمی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: مجموعه شعر پیاده آمده بودم حاوی ۳۳ قطعه شعر و نخستین مجموعه شعر محمد کاظم کاظمی است. کاظمی شاعر نام آشنا و افغانستانی است که در سال‌های اخیر، کارنامه درخشانی را در عرصه ادبیات از خود برجای گذاشته است.



معرفی کتابی به بهانه فاجعه جان سوز صحرای منا

کتابی که این روزها دوباره خواندنی شد

می‌پرسیم چطور یک آدم در طول سفرش اینقدر فرصت نوشتن داشته؟

سفرنامه از فرودگاه جدّه آغاز می‌شود؛ محل آشنایی اولیه مسافران با یکدیگر. مسافرانی که از دهاتی‌ها و پیرزن‌ها تا نخبه‌هایی مثل جلال، همه به یک رنگ در آمده‌اند. دردسرها و سختی‌ها و کمبود امکانات در سفر، برای همه یکسان است.

در آشیانه حجاج که به انتظار بودیم، جوانک‌های بازرس با آمیخته‌ای از اعجاب و تحقیر نگاه می‌کردند؛ همه را. به خصوص مرا. (شاید خیال می‌کردم؟ چون خودم را توی جماعت بر خورده می‌دیدم؟ و که بله چه اهمق‌هایی! لابد. و خودشان؟ بهترین مصرف‌کنندگان تیغ ریش‌تراشی و کراوات

و خمیردندان! و حاجی

بعد از اینها: دهاتی‌ها و

بازاری‌ها و خاله‌خانم‌ها و

آمل‌ها و تک‌توکی آدم‌های

مثل من. و اعجاب‌انگیز. و

همه تیغ ریش‌تراشی و آن

خررنگ‌کن‌های دیگر را رها

کرده، و روانه به کشفی.

هر کدام یک‌جور. یکی به

کشف سفر؛ دیگری به کشف

کعبه؛ و دیگری به کشف

خود کشف.. (ص ۱۵)



خسی در میقات یکی از معروف‌ترین سفرنامه‌های معاصر حج است که جلال آل احمد در سال ۱۳۴۳ و در سن ۴۱ سالگی، طی سفر حج نوشته است. شاید اولین ویژگی‌ای که از این کتاب به ذهن می‌رسد، موقعیت ویژه‌ای است که نویسنده در آن با به چنین سفری گذاشته و به موجب آن، این سفر می‌تواند فصل تازه‌ای از حیات نویسنده محسوب شود. به عبارت دیگر این سفر برای آل احمد یک سفر معمولی نیست. آل احمدی که به این سفر می‌رود، همانست که روزی پیوستن به حزب توده را تجربه کرده است؛ آل احمدی که گریز از خانواده مذهبی خود را و بی‌نمازی را و انتشار کتاب در اعتراض به سنت‌های دینی را هم تجربه کرده. دکتر شریعتی می‌گوید: اگر کسی ادوار زندگی آل احمد

را نداند و آل احمد خسی در میقات را با آل احمد سال‌های ۲۴ و ۲۵ که توده‌ای شده بود، مقایسه کند، نمی‌تواند بپذیرد نویسنده سفرنامه حج، هم او باشد.

آل احمد در این سفرنامه در هر منزلی و موقعی، قلم را دست گرفته و آن قدر از جزئیات و تفصیل سفر خودش به‌طور بداهه برای ما نوشته که از خودمان



۷۸

طلم کتاب

معرفی کتاب

ماهنامه شیرازه کتاب

شماره ۴ و ۵، مهر و آبان ۱۳۹۴

خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر

پاسخ کوبنده و یک پارچه جامعه فرهنگی ایران به دهن کجی های فرانکفورت



گزارش | پاسخ کوبنده و یک پارچه جامعه فرهنگی ایران به دهن کجی به پیامبر رحمت ۸۰
امینیان در بیست و هفتمین نشست صبح ناشر | نمایشگاه فرانکفورت به خاطر فتوای امام ده سال ما را
تحریم کرد ۸۶

یادداشت | ۵ ساعت در بزرگ ترین کتابخانه تخصصی کودک دنیا در مسکو ۸۷

یادداشت | معرفی جهانی انقلاب اسلامی کار جناح فرهنگی مؤمن است ۹۰

یادداشت | نمایشگاه کتاب مسکو هم در حال کوچک شدن است ۹۲

یادداشت | کتاب باید دم دست مردم باشد ۹۴

یادداشت | هزینه های میلیاردی برای نمایشگاه های بین المللی؛ به چه قیمتی؟ ۹۵



گزارشی از دعوت سلمان رشدی مرتد به نمایشگاه فرانکفورت توسط مدعیان دروغین آزادی بیان

پاسخ کوبنده و یک پارچه جامعه فرهنگی ایران به دهن کجی های فرانکفورت

لیلا منصوری

سایت رسمی نمایشگاه کتاب فرانکفورت خبری منتشر کرد که سلمان رشدی نویسنده هتاک کتاب آیات شیطانیه سخنران کنفرانس مطبوعاتی افتتاحیه نمایشگاه کتاب فرانکفورت خواهد بود تا با موضوع اهمیت آزادی بیان برای نویسندگان و صنعت کتاب سخنرانی کند. برخی از اخبار حاکی از آن بود که علت حضور سلمان رشدی، چاپ کتاب جدیدش با نام دو سال و هشت ماه و بیست و هشت شب بود. جالب اینکه عنوان این کتاب، برابر است با هزار و یک شب که رشدی در آن سعی کرده است، به نوعی از خود و زندگی مخفیانه و طرد شدنش بعد از حکم تاریخی امام خمینی^(۶) دفاع کند.

می دهند، سیاستمداران نفوذ قابل توجهی در آن دارند. جالب اینجاست که می دانیم نمایشگاه کتاب فرانکفورت، نمایشگاهی است که بعد از حکم تاریخی حضرت امام خمینی^(۶)، به مدت ده سال، اجازه حضور ایران را در این نمایشگاه نمی داد.

البته سیاسی بودن این نمایشگاه به همین جا ختم نمی شود و اقداماتی از این دست از مسئولین نمایشگاه به کرات دیده شده است. برای نمونه در سالی که ترکیه به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه حضور داشت، غرفه ای به گروهک پ.ک.ک اختصاص یافته بود که این امر موجب بروز اعتراض شدید ناشران ترک شد. هم چنین در سالی که چین در نمایشگاه به عنوان مهمان ویژه حضور داشت، گروه های تبتی مخالف دولت چین در نمایشگاه راه پیمایی اعتراض آمیزی برگزار کردند. به نظر می رسد پرداختن و حمایت از گروه های تندرو درست در زمانی که یک کشور مهمان ویژه آن دوره نمایشگاه می شود، یک پذیرایی مضحک و دهن کجی مسئولان این نمایشگاه به مهمان ویژه خود است.

البته مسئولین نمایشگاه همواره ادعا کرده اند که میدان دادن آنها به گروه های مختلف بر مبنای اصل آزادی بیان بوده است. اما مضحک بودن این ادعا زمانی روشن می شود که می بینیم هیچ گاه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت،

خبر حضور رشدی در حالی منتشر شد که تشکل ها و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال برنامه ریزی جدی برای حضور در این نمایشگاه بودند. چند روز پس از انتشار این خبر، سیدعباس صالحی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی مصاحبه ای، سخنرانی سلمان رشدی در نشست خبری نمایشگاه کتاب فرانکفورت را حرکتی غیر فرهنگی دانست و نسبت به آن اعتراض کرد. وی اظهار داشت: فتوای امام خمینی^(۶) در این موضوع نگاهی دینی است و هیچ گاه کم رنگ نخواهد شد.



اقدام عجیب دعوت از سلمان رشدی زمانی معنادارتر می نمود که مهمان ویژه نمایشگاه کتاب امسال، پرجمعیت ترین کشور اسلامی، یعنی اندونزی، بود. البته اندونزی تنها کشور مسلمان حاضر در نمایشگاه کتاب فرانکفورت نبود و در کنار آن، ایران، عراق، عربستان، ترکیه، افغانستان، پاکستان، لبنان، تونس، مصر، مالزی، اردن، بحرین، عمان و... از جمله دیگر کشورهای مسلمان حاضر در نمایشگاه کتاب فرانکفورت بودند و این اقدام مسئولین نمایشگاه، عملاً یک دهن کجی آشکار به همه آنها بود و بار دیگر نشان داد که علی رغم همه شعارهایی که برخی مبنی بر بی طرف و غیرسیاسی بودن نمایشگاه



« اقدام عجیب

دعوت از سلمان

رشدی زمانی

معنادار تر می نمود که

میهمان ویژه نمایشگاه

کتاب امسال،

پر جمعیت ترین

کشور اسلامی، یعنی

اندونزی، بود. البته

اندونزی تنها کشور

مسلمان حاضر در

نمایشگاه کتاب

فرانکفورت نبود و در

کنار آن، ایران، عراق،

عربستان، ترکیه،

افغانستان، پاکستان،

لبنان، تونس، مصر،

مالزی، اردن، بحرین،

عمان و... از جمله

دیگر کشورهای

مسلمان حاضر در

نمایشگاه کتاب

فرانکفورت بودند و

این اقدام مسئولین

نمایشگاه، عملاً یک

دهن کجی آشکار به

همه آنها بود

است و دولت و مجلس باید به آن ورود کنند و در کنار آنها رسانه ها باید نظر کارشناسان را بپرسند، زیرا حکم امام حکمی نیست که متوقف شده باشد.

در نشست مسافران فرانکفورت نیز که به همت مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، در سرای اهل قلم برگزار شد، پیرامون نوع مواجهه جمهوری اسلامی ایران با حضور سلمان رشدی نویسنده مرتد بحث شد. گرچه همه تشکل ها با برنامه ریزی مدون برای شرح فعالیت های خود در این نشست گرد هم آمده بودند، حضور رشدی در این نمایشگاه یکی از بحث های اصلی این نشست قرار گرفت و نمایندگان تشکل ها نارضایتی خود را از حضور این نویسنده مرتد ابراز کردند و به بیان راه حل هایی برای مقابله با این تصمیم مدیران نمایشگاه فرانکفورت پرداختند. در این نشست، علی رغم بالا گرفتن اعتراض ها در قبال این اقدام توهین آمیز، تصمیم مشخصی در این خصوص گرفته نشد.

امیر مسعود شهرام نیا، مدیر عامل مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، گفت: جلساتی با آقای جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین دکتر سید عباس صالحی، معاون فرهنگی ایشان داشته ایم. حتی چند نماینده مجلس هم ورود داشته اند. این گونه نیست که حضور یک نویسنده مرتد برای وزارت ارشاد و نمایندگان مجلس مهم نباشد، حتی در این بین، عدم حضور و تحریم هم مطرح بوده است؛ اما اگر در این باره در مراجع بالا تصمیم گیری شود، قائل به اجرا خواهیم بود.

روز بعد، حسین نوش آبادی، سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اشاره به برنامه حضور سلمان رشدی در نمایشگاه بین المللی فرانکفورت گفت: این یک اقدام سیاسی در نمایشگاه

کسی اجازه عرضه کتاب یا کتاب هایی در دفاع از ملت مظلوم فلسطین و یا علیه رژیم اشغال گر قدس را ندارد.

بهر تقدیر، این خبر در داخل

و خارج ایران با واکنش های جدی ای

روبرو شد. در اولین واکنش ها، دبیر کل

اتحادیه جهانی ناشران مسلمان بود که

به حضور این نویسنده مرتد در نمایشگاه کتاب اعتراض کرد. علی زارعی نجفداری، دبیر کل اتحادیه جهانی ناشران مسلمان، با اشاره به برنامه سخنرانی سلمان رشدی در نشست خبری افتتاحیه نمایشگاه، گفت: سلمان رشدی و مواضع فکری و فعل و انفعالاتش نسبت به دین اسلام در حوزه نویسندگی و نشر، ارزش فکری و اندیشه ای ندارد. آبخشور این تفکر نیز از مشورت سیاسی فکری نظام سلطه نتیجه می گیرد، لذا نوشته های سلمان رشدی هیچ گونه ارزش ایدئولوژیک ندارد.

وی ادامه داد: رشدی عنصر هتاک است که سیستم رسانه ای نظام سلطه سعی دارد، او را به عنوان نویسنده و متفکر جا بیندازد. ولی علی رغم همه تلاش هایی که انجام شد، نتوانستند این عنصر هتاک را به عنوان نویسنده جا بیندازند و این از موفقیت های حکم امام^(ع) درباره او بود.

امیر شهریار امینیان، مدیر انتشارات اندیشه ورزان آریا نیز لب به اعتراض گشود و گفت: به نظر من حضور سلمان رشدی در این نمایشگاه یک آزمون برای ما خواهد بود و این نظر حاصل بررسی پانزده ساله ماست.

وی گفت: در موضوع فرانکفورت دولت باید محکم موضع گیری کند و معتقدم اگر در نمایشگاه فرانکفورت حضور پیدا کردیم، باید یک جنبه معترضانة قوی در حضورمان وجود داشته باشد. تصمیم گیری در مورد نمایشگاه فرانکفورت از حیطة اختیارات مؤسسه نمایشگاه ها





رشدی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، این امر را نشانه آزادی بیان در این نمایشگاه دانست. پاسخ وی، اعتراض و واکنش شدیدی را در میان اهالی نشر و فرهنگ به وجود آورد، چرا که ابراز خوشحالی از حضور چنین فردی در نمایشگاه، دهن کجی مضاعفی به معترضین به این کار بود. مسعود پیرمردیان، مدیر نشر معارف، دعوت از سلمان رشدی را تصمیمی سیاسی برای دهن کجی به مسلمانان دانست و واکنش نشان کرد: سلمان رشدی به دین و کتاب الهی توهین کرده و پیامبر خدا را به سخره گرفته است. این کار او قلب یک‌ونیم میلیارد مسلمان را جریحه‌دار نموده است. بنابراین دعوت از چنین فردی نه تنها هیچ جای مباحثات و خوشحالی برای نمایشگاه فرانکفورت ندارد، بلکه مایه روسیاهی و خجالت برای دولت آلمان است.



انجمن قلم ایران هم در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار عدم شرکت در نمایشگاه کتاب فرانکفورت در پی دعوت از سلمان رشدی مرتد شد. در حالی که بازار اظهارنظرها پیرامون حضور این نویسنده مرتد در نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت داغ بود و بعضی از تشکل‌ها علی‌رغم صرف هزینه مادی و معنوی بسیار تصمیم گرفته بودند تا در این نمایشگاه شرکت نکنند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی اقدامی انقلابی و تحسین‌برانگیز اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل دعوت از نویسنده کتاب آیات شیطانی و همکاری نکردن بر گزار کنندگان نمایشگاه برای لغو این برنامه، رسماً از حضور در این نمایشگاه اعلام انصراف می‌کند. در بیانیه ارشاد چنین آمده بود: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگی از ملت بزرگی که همواره

فرهنگی است و به‌طور حتم در صورت حضور این فرد مه‌دورالدم در این نمایشگاه، وزارت ارشاد نسبت به حضورش تجدید نظر خواهد کرد.

وی افزود: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراتب ناراضیتی جمهوری اسلامی ایران را از این اقدام مسئولان نمایشگاه فرانکفورت ابراز کرده است.

نوش آبادی خاطر نشان کرد: این مسئله از جمله خطوط قرمز ما به شمار می‌رود و حاضر نیستیم در نمایشگاهی که بنیان آن به جای کار فرهنگی، اقدام سیاسی می‌کنند، حضور یابیم.

بعد از نشست تشکل‌های نشر و چانه‌زنی بر سر حضور یا عدم حضور در نمایشگاه فرانکفورت، تشکل‌های نشر فعال در جمهوری اسلامی ایران با ارسال نامه‌ای اعتراض‌آمیز به یورگن باس، رئیس نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت، نسبت به حضور سلمان رشدی واکنش نشان دادند و خواهان حذف سخنرانی وی در نشست خبری نمایشگاه شدند.

اتحادیه تعاونی‌های ناشران ایران، مجمع ناشران انقلاب اسلامی، مجمع ناشران دفاع مقدس، انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان، تعاونی ناشران قم، انجمن فرهنگی ناشران کتب دانشگاهی، انجمن اسلامی ناشران، شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران، انجمن فرهنگی هنری زنان ناشر، شرکت تعاونی ناشران خراسان و انجمن فرهنگی ناشران بین‌المللی ایرانیان این نامه را امضا کردند و تأکید کردند که دعوت از سلمان رشدی موجب تحریک عواطف ناشران مسلمان می‌شود. اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران نیز، روز بعد، در نامه‌ای جداگانه به هاینریش رایتمولر، رئیس اتحادیه ناشران آلمان، خواستار تجدیدنظر در دعوت از سلمان رشدی شد و این کار را بیان‌گر فاصله گرفتن نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت از رویکرد حرفه‌ای و صنعتی و نفوذ شباهه‌های ایدئولوژیک در حوزه نشر دانست.



محمدرضا سرشار، رئیس انجمن قلم ایران، با اشاره به اینکه انجمن قلم ایران هم به‌زودی بیانیه‌ای صادر می‌کند و نامه سرگشاده‌ای را به وزیر

ارشاد خواهد نوشت، در گفت‌وگویی به حضور این نویسنده مرتد در نمایشگاه فرانکفورت واکنش نشان داد و گفت: حضور سلمان رشدی در فرانکفورت علناً و عملاً فتوای تاریخی امام^(ع) را هدف قرار داده است.

او افزود: اینکه جرئت می‌کنند در نمایشگاه فرانکفورت کسی را بیاورند که جهان اسلام روی او حساسیت دارد و از کتابی رونمایی کنند که درست مقابل فتوای امام^(ع) و برخی دیگر از فقهای جهان اسلام است، جای تأمل بسیار دارد.

یک روز پس از ارسال نامه اعتراض‌آمیز تشکل‌های نشر به رئیس نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت، یورگن باس پاسخ این نامه را داد. وی با ابراز خوشحالی از حضور سلمان

«محمدرضا

سرشار، رئیس

انجمن قلم ایران، در

گفت‌وگویی به حضور

این نویسنده مرتد در

نمایشگاه فرانکفورت

واکنش نشان داد و

گفت: حضور سلمان

رشدی در فرانکفورت

علناً و عملاً فتوای

تاریخی امام^(ع) را

هدف قرار داده است.

او افزود: اینکه

جرئت می‌کنند در

نمایشگاه فرانکفورت

کسی را بیاورند که

جهان اسلام روی او

حساسیت دارد و از

کتابی رونمایی کنند

که درست مقابل

فتوای امام^(ع) و برخی

دیگر از فقهای جهان

اسلام است، جای تأمل

بسیار دارد.

فرانکفورت می‌تواند الگوی مناسبی برای هم‌گرایی‌های بیشتر و انسجام در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی باشد و حمایت ارشاد از جبهه فرهنگی انقلاب امری مبارک است. پیرمردیان هم‌با بیان اینکه تصمیم مسئولان فرهنگی کشور مان در اعلام انصراف از حضور در نمایشگاه فرانکفورت تصمیم درستی بود، تصریح کرد: این اقدام درستی بود و بهتر است کشور اندونزی و سایر کشورهای مسلمان نیز در اعتراض به چنین تصمیمی، در حمایت از حکم امام خمینی^(ع) و همچنین تصمیم نظام جمهوری اسلامی ایران، از حضور در نمایشگاه انصراف دهند تا وحدت کلمه جهان اسلام را به رخ کشور آلمان و نمایندگان جبهه استکبار کشیده‌باشند.

پس از اعلام انصراف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از حضور در نمایشگاه فرانکفورت و حمایت فعالین نشر از این اقدام شایسته، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان همکاری‌های اسلامی و وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی گفت: نمایشگاه‌های کتاب باید محلی برای تضارب آراء و احترام به مذاهب، ادیان و تعامل فرهنگ‌ها باشد، نه مکانی برای ایجاد نفرت و خشونت و واگرایی فرهنگی.

او در نامه‌اش گفت: حضور سلمان رشدی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت و تکریم وی، به معنای کوشش برای عمیق‌تر کردن شکاف ایجاد شده بین غرب و اسلام و توهین به پیامبر گرامی ماست.

علی جنتی در پایان از مخاطبان نامه خواست با موضع‌گیری هوشمندانه و به‌موقع خود و محکوم کردن این اقدام، به برگرز کنندگان نمایشگاه هشدار داده شود که این اقدام جز توهین به امت اسلام و تشدید فضای افراط‌گرایی و اسلام‌هراسی، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت.

پس از افتتاح نمایشگاه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بسته نگه‌داشتن غرفه‌ها و نصب پلاکاردهای اعتراض‌آمیز در غرفه خالی جمهوری اسلامی ایران، اعتراض خود را به حضور سلمان رشدی اعلام کرد و مخاطبان نمایشگاه فرانکفورت با دیدن این صحنه متعجب شدند. انصراف ایران از حضور در نمایشگاه و غرفه خالی آن، بازتاب زیادی در رسانه‌های خبری داشت. امیرمسعود شهرام‌نیا در این رابطه گفت: روزانه چندین خبرنگار مراجعه می‌کنند و این اقدام اعتراضی ایران را پوشش می‌دهند. دیروز شبکه Zdf شش‌بار از غرفه گزارش تهیه کرده است. مطبوعات و رسانه‌های غربی هم پوشش گسترده‌ای داده‌اند.

قطعا مجموعه این اقدامات به دست‌اندر کاران نمایشگاه و مخاطبان آن نشان خواهد داد که جمهوری اسلامی ایران هرگز از خطر قمرهای خود عدول نخواهد کرد و هیچ‌گاه احکام فقهی دینی برای کهنه نخواهد شد و همواره پیرو رهنمودها و اندیشه‌های امام خمینی^(ع) خواهد بود.



حرمت‌گذار ادیان و فرهنگ‌های مختلف بوده است، ضمن اعتراض شدید نسبت به این اقدام ضدفرهنگی علی‌رغم آمادگی‌های قبلی و صرف هزینه‌های فراوان از حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت خودداری نموده و از سایر کشورهای اسلامی نیز می‌خواهد در برابر این اقدام تحریک‌آمیز اعلام موضع نمایند.

کمی بعد از موضع‌گیری بجا و بحق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجمع ناشران انقلاب اسلامی هم با صدور بیانیه‌ای از حضور در این نمایشگاه انصراف داد. این شکل فعال در حوزه نشر بیان کرد: مجمع ناشران انقلاب اسلامی، به‌عنوان تشکلی که البته از ماه‌ها قبل، برنامه‌ریزی جامعی را برای یک حضور قوی فرهنگی تدارک کرده بود، به حرمت وجود نازنین رسول خدا^(ص) و حرمت حکم جاودانه نائبا‌لامام خمینی کبیر، در این نمایشگاه حاضر نخواهد شد و از همه مسئولان، ناشران و تشکلی‌هایی که برای حضور فعالانه برنامه داشتند، دعوت می‌کند با به رخ کشیدن غیرت دینی خود، یک‌پارچه، هماهنگ و عزتمندانه، از حضور در نمایشگاه اعلام انصراف کنند.

این اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحسین

بسیاری از فعالان حوزه نشر را برانگیخت. رضا رسولی، عضو هیئت مدیره انجمن قلم ایران، با ستایش اقدام وزارت ارشاد در اعلام انصراف از



عدم حضور در نمایشگاه، اظهار داشت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با این موضع شایسته نشان داد که صیانت از اصول انقلاب مسامحه‌پذیر نیست و هیچ یک از راهبردها و مصلحت‌اندیشی‌هایی نمی‌تواند، باعث بی‌توجهی به ارزش‌های دینی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی شود. رضا رسولی گفت: اقدام بجای وزارت ارشاد در تحریم نمایشگاه کتاب

نامه تشکل‌های نشر در اعتراض به حضور سلمان رشدی

باسمه تعالی

جناب آقای یورگن باس
رئیس محترم نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت

باسلام

از سایت رسمی نمایشگاه کتاب فرانکفورت مطلع شدیم که در مراسم نشست خبری افتتاحیه نمایشگاه، زمانی به آقای سلمان رشدی، نویسنده هتاک کتاب آیات شیطانی که در آن صراحتاً به پیامبر مکرّم اسلام و مقدسات بیش از ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ انسان در سراسر جهان اهانت نموده است، برای ارائه سخنرانی پیرامون اهمیت آزادی بیان برای نویسندگان و صنعت کتاب، اختصاص یافته است. قطعاً این کار موجب آزدگی ناشران ایران و بسیاری از ناشران مسلمان در سراسر دنیا را فراهم کرده است.

ما ناشران، نویسندگان و فعالان فرهنگی ایرانی و همچنین تشکلهای و اتحادیه‌های صنفی نشر ایران، معتقدیم اینگونه کارها شائیه نفوذ سیاستمداران را در این رویداد بزرگی فرهنگی القا می‌کند و موجب تحریک عواطف دینی مسلمانان و ناشران کشورهای اسلامی که بخش قابل توجهی از حاضران و فعالان نمایشگاه فرانکفورت را تشکیل می‌دهند، می‌گردد و می‌تواند موجب تشدید فاصله‌های فرهنگی و مقدمه‌ای برای واگرایی بین ملت‌ها و فعالان فرهنگی کشورها و باعث ایجاد اختلال در آزادی بیان شود.

از جنابعالی، بعنوان رئیس نمایشگاه فرانکفورت، با جدیت می‌خواهیم به احترام ناشران مسلمان شرکت‌کننده در این رویداد بزرگ و به احترام ادیان ابراهیمی و پیامبر عظیم‌الشان اسلام، در برنامه نشست خبری افتتاحیه تجدیدنظر نموده و از دادن تربیون به این شخص بی‌صلاحیت خودداری نمایید.

اتحادیه شرکت‌های تعاونی ناشران ایران

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

مجمع ناشران دفاع مقدس

انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان

تعاونی ناشران قم

انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

انجمن اسلامی ناشران

شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران

انجمن فرهنگی هنری زنان ناشر

شرکت تعاونی ناشران خراسان

انجمن فرهنگی ناشران بین‌المللی ایرانیان

متن پاسخ یورگن باس به نامه تشکل‌های نشر ایران

جناب آقای شاهمرادی

مستحضر هستم که شما از طرف تشکلهایی که نامشان در نامه مورخه ۵ اکتبر آمده است، با ما مکاتبه می‌کنید. نمایشگاه کتاب فرانکفورت آقای سلمان رشدی را به عنوان یک نویسنده شناخته شده در سطح جهان دعوت کرده است. کنفرانس خبری یک روز قبل از نمایشگاه برگزار می‌شود. آقای رشدی در مورد کتاب جدیدش که ماه گذشته چاپ شده است، صحبت می‌کند. ما خوشحالیم که آقای سلمان رشدی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت صحبت می‌کند، چرا که نمایشگاه کتاب فرانکفورت همیشه طرفدار آزادی بیان بوده است. خوشحال می‌شویم که بحث‌های بیشتر در این باره را در فرانکفورت داشته باشیم.

ارادتمند شما

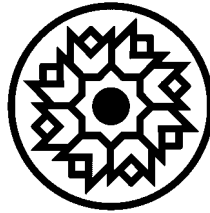
رئیس نمایشگاه فرانکفورت

یورگن باس





بیانیه مجمع ناشران انقلاب اسلامی در خصوص سخنرانی سلمان رشدی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت



باسمه تعالی
«من به تمام دنیا با قاطعیت
اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران
بخوانند در مقابل دین ما بایستند،
ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم
ایستاد.» امام خمینی (رحمة الله علیه)

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران یک
انقلاب عمیقاً فرهنگی است که بر
پایه آموزه‌های وحیانی پیامبر گرامی

اسلام شکل گرفت و به برکت وجود مقدس حضرت
رسول (ص)، قریب به چهار دهه است که خواب مستکبرین
عالم را آشفته کرده است. بی دلیل نیست که گاه و بی‌گاه
و با بهانه و بی‌بهره به ساحت این وجود مقدس حمله و
جسارت می‌کنند تا شاید به خیالشان اجازه ندهند قلوب
بیشتری شیفته آیین و مرام این اسوه حسنه شود.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت امسال
عرصه دیگری از این تلاش‌های تفرقه‌افکن و واگرایانه
شد و علی‌رغم ادعاهای فراوان این نمایشگاه مبنی
بر بی‌طرفی، رسماً اعلام کردند که سلمان رشدی،
نویسنده مهدورالدم کتاب آیات شیطانی، سخنران
کنفرانس خبری افتتاحیه نمایشگاهشان خواهد بود و
با موضوع «اهمیت آزادی بیان» به ایراد سخن خواهد
پرداخت. طبعاً این رفتار سیاسی، با اعتراض متین قاطبه
تشکل‌های باغیرت نشر ایران و درخواست جدی برای
تجدیدنظر روبه‌رو شد؛ اما لحن غیرمؤدبانه و پاسخ
بی‌ملاحظه مدیران نمایشگاه در ابراز افتخار و خوشحالی
از این اقدام و حمایت همه‌جانبه‌شان از سلمان رشدی
نشان داد که تا چه میزان سیاست‌های ضداسلامی و نفوذ
صهیونیسم می‌تواند در تاروپود یک رویداد ظاهراً فرهنگی
مؤثر واقع شود.

طنز تلخ ماجرا آنجاست که نویسندگانی که به
مقدسات یک‌ونیم میلیارد انسان در سراسر جهان صریحاً
توهین کرده است، قرار است در مورد اهمیت «آزادی
بیان» سخن برانند و امروز نمایشگاهی داعیه دفاع از
آزادی بیان دارد که ده سال تمام به نشر ایران اجازه
حضور در نمایشگاه و ارائه یک جلد از کتاب‌هایش را
نمی‌داد؛ نمایشگاهی دم از آزادی بیان می‌زند که عرضه
یک عنوان کتاب در نقد جنایات صهیونیست‌ها و دفاع از
مردم مظلوم فلسطین را در خود برنمی‌تابد.

آنچه مسلم است، یک طراحی
سیاسی دقیق و حساب‌شده پشت
این برنامه وجود دارد و این دعوت،
زمانی معنادارتر می‌شود که می‌بینیم
یکی از بزرگ‌ترین کشورهای
اسلامی یعنی اندونزی، میهمان ویژه
این نمایشگاه است و اعتراض‌های
مختلف فعالان فرهنگی مسلمان و
تشکل‌ها و ناشران بین‌المللی با پاسخ
منفی و بی‌بروای مسئولان نمایشگاه

روبه‌رو می‌شود. بدون شک دولت ما و ناشران عزیز ما در
آستانه یک آزمون هستند. دشمن می‌خواهد غیرت و
انسجام فرهنگی ما را به‌ویژه پس از مذاکرات هسته‌ای
بسنجد و به خیالش بتواند اندک خللی و یا سستی
بیابد و تدارک رخنه‌ای نماید و مرزهای اعتقادی‌مان را
فرسنگ‌ها جابه‌جا کند، زهی خیال باطل!

امروز نیز مانند همیشه، ایران سربلند، به‌عنوان مبدأ
صدور حکم تاریخی امام خمینی (ع) و بیرق‌دار مبارزه با
مستکبران عالم، الهام‌بخش جهان اسلام است و تبری
که امام در دو دهه قبل رها نمود، قطعاً روزی به قلب
هتاکان خواهد نشست.

دولت و ملت ایران اسلامی هم‌دل و هم‌زبان‌اند
و یقیناً نمی‌توانند حضور نحس این نویسنده هتاک
را در پیشانی نمایشگاه فرانکفورت بربایند و یک‌پارچه
با عدم حضور در نمایشگاه، به این دهن کجی آشکار،
واکنش نشان می‌دهند و اجازه نمی‌دهند مرزهای
فرهنگی و اعتقادی لگدمال اجانب شود.

مجمع ناشران انقلاب اسلامی، به‌عنوان تشکلی که
البته از ماه‌ها قبل، برنامه‌ریزی جامعی را برای یک حضور
قوی فرهنگی تدارک کرده بود، از همه مسئولان، ناشران
و تشکل‌هایی که برای حضور فعالانه برنامه داشتند،
دعوت می‌کند تا به رخ کشیدن غیرت دینی خود،
یک‌پارچه، هماهنگ و عزتمندانه، از حضور در نمایشگاه
اعلام انصراف کنند.

بی تردید، این رخداد پیش‌آمده، آزمونی جدی و
فرستی برای عرض ارادتی مجدد به ساحت اسلام ناب
محمدی و مبارزه با صهیونیسم جهانی و دارای پیامی
روشن برای دست‌اندرکاران نمایشگاه فرانکفورت برای
خارج شدن از چنبره سیاست‌بازان و اختلاف‌انگیزان
خواهد بود.

نمایشگاه فرانکفورت به خاطر فتوای امام ده سال ما را تحریم کرد



۸۶

خاواده نشر
گزارش

بیست و هفتمین نشست صبح ناشر، با حضور امیر شهریار امینیان، مدیر انتشارات اندیشه‌ورزان آریا، در مرکز رسانه‌ای شیرازه برگزار شد. متنی که در ادامه می‌آید، مشروح سخنان آقای امینیان در این نشست است. او در این نشست علاوه بر تشریح فعالیت‌های انتشارات اندیشه‌ورزان آریا به حضور سلمان رشدی مرتد در نمایشگاه فرانکفورت نیز واکنش نشان داد و گفت: تصمیم‌گیری برای نمایشگاه فرانکفورت یک آزمون برای مدیران فرهنگی است، زیرا موضوع این نمایشگاه به هویت انقلاب اسلامی برمی‌گردد.

غیرسیاسی در غرب است، در گزارشی، در سال ۲۰۱۲، پیرامون حضور ایران و ناشران دفاع مقدس اعلام کرده که از حضور مجمع ناشران دفاع مقدس نگران هستند و در گزارش خود، تصریح کرده که کتب این ناشران به جنگ، شهادت و جهاد توجه دارد.

آنها نامه‌ای به یورگن باس، رئیس نمایشگاه فرانکفورت، نوشته‌اند تا اقدامی در این راستا نکنند که او گفته بود، ما نمی‌توانیم در این زمینه اقدامی انجام دهیم و آنها خودشان اعلام کردند که باید کاری کنیم تا آنها نتوانند شرکت کنند. آنها گفته‌اند نمایشگاه کتاب فرانکفورت در حالی دارد آغاز می‌شود که مجمع ناشران دفاع مقدس در این نمایشگاه شرکت می‌کنند.

برخی برای گردش

به نمایشگاه‌های خارجی می‌روند

ما امروز با جهانی روبه‌رو هستیم که مانند یک اتاق تاریک است و ما در فرصت محدود می‌خواهیم در این اتاق تاریک یک فیل را بشناسانیم. امروز برخی اگر در نمایشگاه‌ها شرکت می‌کنند، به بهانه گردش در یک کشور خارجی است که در کنار آن یک روز هم به نمایشگاه می‌روند. رایزنی‌های فرهنگی در کشورهای مختلف حتی آنهایی که زاویه دیدشان با ما یکی است، کار نکردند در حالی که این یک حوزه فراخ است و افراد بالغ‌تر را می‌طلبد تا در این حوزه کار کنند. ما در این دوره نمایشگاه فرانکفورت جعفر شیرعلی‌نیا، حسن گلچین، مریم برادران، محبوبه معراجی‌پور و بهناز ضرابی‌زاده را با خود همراه خواهیم کرد.

تا سال ۹۷ میلادی به خاطر فتوای امام از شرکت در نمایشگاه فرانکفورت تحریم بودیم

از سال ۱۹۹۹ میلادی، بحث ترجمه آثار ایرانی ایجاد شد و آن هم برمی‌گردد به اولین حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، زیرا ما تا سال ۹۷، به خاطر فتوای امام خمینی (ره) در ارتباط با سلمان رشدی از شرکت در نمایشگاه فرانکفورت تحریم بودیم. در حالی که آنها داعیه‌دار آزادی بیان هستند.

در اولین حضور در نمایشگاه فرانکفورت، به نحو بد و بدوی، با ما برخورد کردند و جای نامناسبی به ما اختصاص دادند. آنجا حس کردم که ظرفیت عظیم انتقال تجربیات به خارج از ایران وجود دارد. پس از این بود که رصد کردیم تا ببینیم چه اثری آن طرف پذیرفته می‌شود. زیرا هر اثری آن طرف مخاطب ندارد. از همین رو، از دریچه رمان، با ناشران خارجی صحبت کردیم.

اگر به مراکز اسلامی آلمان که از نظر فکری به ما نزدیک هستند، بروید، شاهد آثار شاخص دفاع مقدس ما در آنجا خواهید بود که این حاصل فعالیت‌های ما در آنجا است. امسال تعداد زیادی قرار ملاقات از آن سو به ما پیشنهاد شده و این نشان می‌دهد که ما شناخته شده‌ایم.

از حضور ناشران دفاع مقدس

در فرانکفورت نگران هستند

مرکز مطالعاتی ویزنتال که وابسته به مجامع سیاسی و

۵ ساعت در بزرگ‌ترین کتابخانه تخصصی کودک دنیا در مسکو

۸۷



خانواده نشر
پرونده نمایشگاه مسکو
یادداشت



احمد ذوعلم

مدیر مرکز رسانه‌های شیرازه

قیافه‌ای جدی برانداز می‌کند. این فضای امنیتی برای یک کتابخانه کودک کمی غریب است. روز قبل که در مسیرم به سمت محل اقامت از سر کنجکاوی وارد این ساختمان شدم، از این فضای امنیتی و حضور پلیس که بعد فهمیدم پلیس نیست، مأمور حفاظت کتابخانه است، کمی جا خوردم. و البته هر چه تلاش کردم نتوانستم با کسی صحبت کنم و بفهمم اینجا کجاست. فقط از رفت و آمد نوجوانان می‌شد فهمید که جایی شبیه به یک مرکز فرهنگی یا مدرسه است. روس‌ها زبان روسی را خوب می‌دانند! اما اکثریتشان در مقابل سؤال کن یو اسپیک انگلیش با افتخاری آمیخته به تأسف به علامت نفی سر تکان می‌دهند.

لابی ورودی کتابخانه فضایی حدود ۵۰، ۶۰ متری است. سمت چپ لابی چند رگال بزرگ لباس برای آویزان کردن کت و کلاه بازدیدکنندگان قرار دارد. باید کاپشن بهارام را تحویل می‌دادم که در طول بازدید، دست‌وپاگیرم نباشد. در سمت راست لابی، پیش‌خوان بزرگی قرار دارد که دو صندلی در پشت آن هست. خانم نسبتاً مسنی پشت پیش‌خوان نشسته و راهنمایی‌مان می‌کند. قبلاً برای بازدید گروه کوچک ما از بخش‌های مختلف کتابخانه هماهنگ شده است. به همین دلیل، باید منتظر بنامین تا راهنما از راه برسد. دقایقی منتظر می‌ایستیم. پسر نوجوانی از پاگرد کوچک بالای پله‌هایی که حدود یک متر

کتابخانه دولتی کودکان مسکو کم‌تر از صد متر با محل اقامتمان فاصله دارد؛ طبقه زیرین ساختمانی هفت‌هشت طبقه در گوشه میدان آکتیابرسکایای مسکو؛ درست روبروی ساختمان وزارت کشور دولت فدرال روسیه. البته این ظاهر کار است و با ورود به ساختمان می‌فهمیم خود کتابخانه دوسه طبقه است. آکتیابرسکایا، میدانی است مربع شکل با مساحتی نزدیک به میدان امام اصفهان. مجسمه مرتفع لنین در میانه میدان خودنمایی می‌کند. چند روز دیگر روز مسکو است و به همین مناسبت پرچم‌های رنگینی در چند نقطه میدان برافراشته‌اند. حدود ساعت ده صبح قرار داریم و باید سر موقع در کتابخانه باشیم. برای ورود به لابی ورودی کتابخانه، باید از سه در عبور کنی. در اول را که باز می‌کنی، وارد اتاقی یکی‌دو متری می‌شوی. از آن‌جا می‌پویی به چپ و در دوم بعد دالانی به عرض یکی‌دو متر و طول سه‌چهار متر را طی می‌کنی و به راست می‌پویی تا وارد لابی کتابخانه شوی. در ورودی لابی، گیتی الکترونیکی است شبیه آنچه در فرودگاه‌ها و مراکز مهم امنیتی هست! درست مثل فرودگاه باید وسایل فلزی جیب را روی میز کنار گیت بگذاری و وارد شوی. البته مثل فرودگاه خبری از تسمه نقاله و دستگاه ایکس‌ری نیست. خانم نگهبان جوان و مسلح با لباسی شبیه به افراد پلیس دو دستش را به پشت گره کرده و افرادی را که وارد می‌شوند، با



بیست متری رسیده‌ایم. زن میان‌سالی که به انتظار ما ایستاده و می‌فهمیم رئیس کتابخانه است، همکارش را که خانم جوانی است، به ما معرفی می‌کند. توضیح می‌دهد که او یکی از بهترین کتابداران کتابخانه است و قرار است بخش‌های مختلف را برایشان توضیح دهد. حرف‌های رئیس کتابخانه و کتابدار جوان را دوست روسی‌دانمان ترجمه می‌کند. همان ابتدا می‌فهمیم که کتابدار جوان انگلیسی هم می‌داند. بنابراین هر جا سؤالی دارم، برای استفاده از وقت، می‌پرسم و پاسخ می‌گیرم. کتابدار ادعا می‌کند، این‌جا بزرگ‌ترین کتابخانه اختصاصی کودکان دنیاست.

وارد راهروی بزرگی می‌شویم که در دو طرف آن چند در برای ورود به اتاق‌های جانبی هست. روی دیوارها تصاویری فانتزی از هواپیماهای جنگی هست. در کنار دیوارها هم ویترین‌های میزی قرار

از زمین فاصله دارد، مادرش را که در لابی ایستاده، صدا می‌کند و با او گفت‌وگو می‌کند. شاید مشورتی می‌گیرد برای انتخاب یا اجازه برای دقایقی بیشتر ماندن در کتابخانه! بر روی یکی از دیوارهای سالن انتظار، برد کوچکی پر از اطلاعیه‌های رنگارنگ نصب شده است. ظاهراً برنامه‌های مختلف کتابخانه است. دختر و پسر جوانی مشغول خواندن مطالب بود و مشورت با هم هستند. کامل‌زنی به‌همراه پسرش بر روی صندلی‌های میز کوچک کنار برد مشغول گفت‌وگو و پر کردن فرمی هستند.

بعد از چند دقیقه، دوستم با چند کارت ورودی کتابخانه می‌رسد. چند پله بالا می‌رویم و با زدن کارت به داخل کارت‌خوان در اتوماتیکی شبیه ورودی‌های مترو باز می‌شود و بعد از گذشتن از یک پاگرد کوچک، باز دو سه پله بالا می‌رویم. حالا به پاگردی حدوداً





توضیح می‌دهد که این‌جا یک نفر برای بچه‌ها قصه می‌گوید و حتی بچه‌ها با بازی کردن در نقش‌های کوچک در این قصه‌گویی شریک می‌شوند. فضای کم‌نوری دارد و تصاویر عجیب دیوارها طوری طراحی شده که بچه‌ها را ببرد به فضاهای رؤیایی جن و پری. فضای نیمه تاریک اتاق و تصاویر روی دیوارها محیط اتاق را کمی ترسناک کرده است. شاید هم برای هیجان بیشتر بچه‌ها این‌گونه طراحی شده. اتاق دیگر سالنی کوچک است برای آشنایی با مشاهیر ادبی گذشته روسیه؛ اتاقی ساده و بدون زلم زیمبو با

دارد و داخل ویتترین‌ها کتاب‌هایی در مورد جنگ جهانی دوم، روس‌ها جنگ جهانی دوم را جنگ دفاع وطنی می‌خوانند؛ جنگی که ۲۷ میلیون کشته از روس‌ها گرفت و حالا هنوز آتش خاموش این جنگ پس از هشتاد سال برای روس‌ها گرم است. تصاویر هواپیماهای جنگی روی دیوارها با نورهای گرم هالوژن روشن شده‌اند. در ویتترین مقابل تصاویر هم، کتاب‌های جنگی مربوط به گروه سنی کودک و نوجوان تعبیه شده است. بعداً می‌فهمم که تصاویر و حال‌وهوای این راهرو به فراخور مناسبت‌های مختلف تغییر می‌کند. وارد سالن سمت راست راهرو می‌شویم. اتاق بزرگی است برای کتاب‌های نوجوانان بالای ۱۱ سال. ظاهراً روس‌ها تقسیم‌بندی مستقلی دارند برای رده‌بندی کتاب‌های کودک و نوجوان: از نوزادی تا دو سال، دو تا پنج سال، پنج تا ده سال و یازده سال به بالا! تقسیم‌بندی عجیبی است. چند نوجوان در میان کتاب‌ها پرسه می‌زنند. دختر نوجوانی هم در حالی که هدفون در گوش دارد، مشغول مطالعه است! کنار اتاق صفحه نمایشی قرار دارد که توجهم را جلب می‌کند. راهنما توضیح می‌دهد که این دستگاه تازه این‌جا نصب شده و در مرحله آزمایش است. قرار است با کارت‌های الکترونیکی که در اختیار اعضای کتابخانه قرار می‌گیرد، امانت‌گیری کتاب به صورت اتوماتیک انجام شود. توضیح می‌دهد که این کار به صورت کاملاً اتوماتیک انجام نمی‌شود و کتابداران این مجموعه هم بر انجام درست کار نظارت می‌کنند. یکی از دوستان که ناشر کتب دینی کودک است، در مورد کیفیت و تنوع کتاب‌های دینی سؤال می‌کند. کتابداران کمی به هم نگاه می‌کنند و جست‌وجویی در سیستم رایانه؛ دریغ از یک کتاب. این سؤال و جواب البته در بخش‌های مختلف بازدید ادامه پیدا می‌کند و تا آخر جواب منفی است. فقط در بخش چند زبانه نمایشگاه چند کتاب محدود در مورد ادیان یافت می‌شود! برای همه‌مان عجیب است.

در انتهای راهرو به پاگرد بزرگی می‌رسیم که پله‌های اطرافش ما را به دو طبقه بالا می‌رساند. قایقی روزنامه‌ای شبیه آنچه در کودکی با روزنامه می‌ساختیم، در مقیاسی بزرگ در وسط پاگرد ساخته شده است. تکه‌های بزرگ پنبه آویزان شده از سقف هم یادآور جنگیدن سربازهای روسی در دل برف و سرماست. روی دیوارهای اطراف پاگرد هم تصاویری گرافیکی از همین مبارزات به همراه فرشته‌هایی عروسکی نصب شده است. اتاق‌های طبقات بالا هر کدام اختصاص به کاری دارند؛ یکی کافه‌ای است جمع و جور با میزهای سبز و زرد و سرخ برای کودکان و والدینشان؛ اتاق دیگر به قصه‌گویی برای کودکان اختصاص دارد. راهنما



مبلمانی ساده‌تر دور تا دور آن. نوجوان‌های دبیرستانی به‌صورت دسته جمعی از طرف مدارس این‌جا می‌آیند برای گفتن و شنیدن پیرامون بزرگان ادبیات روسیه؛ ایده خوبی است و به‌راحتی قابل الگوگیری برای مشاهیر ادبی ملی و حتی علمای مسلمان. ویدئو پروژکتور سقفی نشان می‌دهد، امکان پخش فیلم هم دارد. پیاپویی هم در گوشه اتاق خودنمایی می‌کند که دقیقاً نمی‌فهمم کارکردش چیست!

تا چشم به هم می‌زنیم سه ساعت گذشته. همه خسته شده‌ایم. کم‌کم باید کتابخانه را ترک کنیم.

«وارد سالن سمت

راست راهرو می‌شویم.

اتاق بزرگی است برای

کتاب‌های نوجوانان

بالای ۱۱ سال. ظاهراً

روس‌ها تقسیم‌بندی

مستقلی دارند برای

رده‌بندی کتاب‌های

کودک و نوجوان: از

نوزادی تا دو سال، دو

تا پنج سال، پنج تا

ده سال و یازده سال

به بالا! تقسیم‌بندی

عجیبی است



معرفی جهانی انقلاب اسلامی کار جناح فرهنگی مؤمن است



مهدي طوسي

با دموقراضه، مردگان باغ سبز، سفر به گرای ۲۷۰ درجه و یکی دو کتاب دیگر که به همت مرکز مطالعات فرهنگ اسلامی صدرًا در چند سال اخیر به روسی ترجمه شده است، اثر خاصی از جبهه ادبی متعهد به انقلاب اسلامی در روسیه منتشر نشده است. تمام بالا و پایین کردن‌های فرهنگی مقامات ایرانی در عرصه بین‌الملل به چند اثر خاص از دوران ادبیات کلاسیک ایران محدود می‌شود. چاپ نام یک کتاب بر روی یک تکه کاغذ و قرار دادن آن روی جلد کتاب، آن هم کتابی که زبانش فارسی، انگلیسی، عربی یا... است، نتیجه‌ای جز شوکه شدن و تعجب مردمی که به دنبال کتابی از ایران با زبان روسی آمده بودند، نداشت. بضاعت جبهه ادبی انقلاب اسلامی کم نیست و امروز بخش اعظمی از کتب پرفروش ایران مربوط به این دست از آثار است، اما در عالم ترجمه معکوس چیزی قابل‌عرض، لاقل برای مخاطبان روس، وجود نداشت.

دو

از همان زمان، ارتباط توده و چپ‌های ایرانی با شوروی کمونیستی، رفت و آمد ادبی ایران و روسیه به صورت فردی و خارج قاعده فرمالیستی دیپلماتیک دولت‌ها، سرعت بیشتری داشت. برای دوره‌ای، ادبیات کلاسیک شوروی در ایران متکثر منتشر شد و عده زیادی متأثر از چپ‌ها، در

یک

امیدوارم در آینده نزدیک، این کتاب به زبان روسی هم چاپ شود. رهنمودهای ارزشمند آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند راهنمای خوبی برای مردم ما و پیروان مذهب‌های کشور ما باشد تا برای هدایت کشور خود از این رهنمودها بهره ببرند. این تصمیمات و توصیه‌ها مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، علمی و عملی است و از این جهت قابل‌اعتنای جدی است تا مردم کشور من بتوانند خیلی بهتر با اندیشه روحانی و اخلاقی رهبر ایران در اداره یک جامعه آشنا شوند.

این بخشی از حرف‌های پروخانف، دبیرکل انجمن نخبگان روسیه، بود که در برنامه رونهایی از نسخه انگلیسی کتاب روشنای علم در نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسکو مطرح شد. هر چند تمجید او از رهنمودهای رهبر انقلاب بخش دلچسب ماجرا بود، این سخنان بخش تلخی هم داشت. اگر او اهل کنایه نبود که بود (در بخشی از سخنان خود انتقادی کنایه‌آمیز نسبت به محمود احمدی‌نژاد که روزی هوادارش بود، بیان کرد)، اینکه در یک جامعه روس‌زبان کتابی به زبان روسی از شخص اول جمهوری اسلامی ایران برای رونمایی آماده نشده است، همان قدر غیرقابل‌پذیرفتن است که رونمایی نسخه انگلیسی برای مخاطب روس‌زبان، عجیب یا مضحک.

به غیر از من‌او، شطرنج با ماشین قیامت، دموکراسی



« باید بخش

مردمی و فعالیت‌های
خودجوش فعال
شود. شاید تنها اقدام
امیدبخش و مستمر
برای معرفی جهانی
انقلاب اسلامی ایران
بازبان فرهنگ، هنر
و ادب این باشد که
جناح فرهنگی مؤمن
خود برای این بروز
فعال شود. به مطالبه
بسنده نکند و خود
را برای حضور جهانی
تجهیز و توانمند کند.
برای به راه افتادن یک
جریان قوی، به نظر
می‌رسد باید جبهه
تجهیزشده انقلاب
اسلامی، مدیران
خسته و کم‌انگیزه را
فراموش کند و خود
اقدام کند

ایران، به داستان‌سرایی پرداختند، اما در همان دوران هم فکری برای ترجمه معکوس نشد. سایه سنگین ایدئولوژی کمونیسم، مرزهای فکری روشنفکران ایرانی را درنور دیده بود و ایدئولوژی، جهان‌بینی و مکتب اعتقادی خاصی برای جانشینی در ایران پیش از انقلاب اسلامی به صورت فراگیر وجود نداشت چه برسد به انتقال آن به فراتر از مرزها.

۳۶ سال پیش، انقلابی در مرزهای سرزمین ایران رخ داد و قدرت مکتب فکری انقلاب خمینی، همه ایدئولوژی‌های شرقی و غربی را به کناری نهاد. اندکی بعد، بزرگ‌ترین اتفاق تاریخ معاصر شوروی رخ داد و حلقه‌های بسته ایدئولوژیک کمونیسم، یکی بعد از دیگری، باز شد و فکرها و ذهن‌ها و قلب‌ها خالی شد و ماجرای دهه ۳۰ و ۴۰ ایرانی، اینجا در روسیه تکرار شد. اما آیا ایران نقش متقابلش را برای تزریق ایدئولوژی انقلاب اسلامی به روسیه پذیرفت؟ به غیر از دو نامه امام خمینی^(۵) به گورباچف و نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی اقدام قابل توجه دیگری در معرفی ایدئولوژی اسلام حقیقی صورت گرفته است؟

آخر

می‌توان انتقاد کرد از جبهه‌های دیگر که پا به میدان گذاشته و فعال شده‌اند. می‌توان انتقاد کرد از معرفی عجیب و تاریخ مصرف گذشته از ایرانی که لاقلاً قربات چندانی با گفتمان خمینی کبیر ندارد. اما انتقاد کافی نیست؛ باید به میان گود آمد و فکر نه، عملیات ایجابی کرد. جای نویسندگان، ناشران یا مدیران متعهد، با انگیزه و باهوش برای ارتباط با روس‌ها یا هر جای دیگر دنیا، برای راه‌اندازی فعالیت مشترک و شکستن تحدید مرزهای جغرافیایی خالی است. دولت‌ها خسته‌اند از پیگیری مستمر این آرمان یا عزل و نصب‌ها یا نبود راهبرد اجازه نمی‌دهد که علی‌رغم وجود انگیزه‌ها، اتفاق قابل توجهی بیفتد.

باید بخش مردمی و فعالیت‌های خودجوش فعال شود. شاید تنها اقدام امیدبخش و مستمر برای معرفی جهانی انقلاب اسلامی ایران با زبان فرهنگ، هنر و ادب این باشد که جناح فرهنگی مؤمن خود برای این بروز فعال شود. به مطالبه بسنده نکند و خود را برای حضور جهانی تجهیز و توانمند کند. برای به راه افتادن یک جریان قوی، به نظر می‌رسد باید جبهه تجهیزشده انقلاب اسلامی، مدیران خسته و کم‌انگیزه را فراموش کند و خود اقدام کند.

پی‌نوشت

این مسئله به حوزه‌های تبلیغ دینی، رسانه، سینما و... نیز قابل تعمیم است.



نمایشگاه کتاب مسکو هم در حال کوچک شدن است



حجت الاسلام علیرضا سبحانی نسب
مدیر نشر جمال و عضو هیئت مدیره مجمع ناشران انقلاب اسلامی

و حجم بازدیدکننده میلیونی از سوی دیگر این تمهید و مدیریت را از نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب ایرانی گرفته است. البته گاهی ایرانی جماعت فکر می‌کند چرا باید اسراف شود. اگر فضایی خالی پیدا شود، حتماً با چیزی مثبت مانند فروش ساندویچ یا آب معدنی پر می‌کند که نکند اسراف شود.

می‌توانم دقیق اظهار نظر کنم، ولی گمان می‌کنم یکی از نقاط ضعف این رویداد فرهنگی اطلاع‌رسانی آن بود، زیرا وقتی به کتابفروشی یک ناشر رفتیم و کتابی را خواستیم که از ناشری دیگر بود و در نمایشگاه تمام شده بود، کارمند آنجا میبوهت می‌گفت نمایشگاه کتاب؟ شاید آن کارمند خبر نداشت، ولی ناشران داخل مسکو همه به نمایشگاه نیامده بودند. رفتاری که در دو سال اخیر با نمایشگاه قرآن می‌شود و این نمایشگاه اهمیت خودش را از دست داده است. ندانستن زبان نمایشگاه بخش زیادی از قضاوت درست را می‌گیرد و تو نمی‌توانی قضاوتی دقیق داشته باشی. بنده در دو نمایشگاه فرانسه و روسیه همان حالی را داشتیم که بازدیدکنندگان غیرفارسی زبان به نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران با کتاب فارسی می‌آیند. واقعاً آدم نمی‌داند این کتاب دارای محتوای بالاست یا متوسط یا ضعیف. در مورد محتوای کتاب‌های روسی هیچ نظری ندارم. البته در مورد اینکه رمان در روسیه

آنچه در ذیل می‌خوانید نه به‌عنوان کارشناس، بلکه به‌عنوان یک بازدیدکننده معمولی از نمایشگاه روسیه خدمت شما تقدیم می‌کنم. منتظر راهنمایی دوستان و بهره جستن از نقدهایتان هستم.

نمایشگاه مسکو در محیطی کوچک برگزار شده بود؛ چیزی کمتر از شبستان مصلی. بنا به اظهار دوستانی که سال‌ها در مسکو هستند، از چهار سال پیش مرتب از میزان و کیفیت نمایشگاه مسکو کاسته شده است. قبلاً چهار سالن به نمایشگاه کتاب اختصاص داشت، ولی این سال‌های تحریم، هر سال کم شده و امسال این حجم به یک چهارم رسیده بود. کل این محیط این سالن نیز به‌صورت کامل استفاده نشده بود. حتی بخش قابل توجهی به اسباب بازی فروشی و برنامه‌های جنبی اختصاص یافته بود. همچنین همه کسانی که شرکت کرده بودند، ناشر نبودند، بلکه سهم کتابفروشان نمایشگاه هم قابل توجه بود. جالب‌تر اینکه داخل نمایشگاه حتی غرفه‌های حراجی نیز داشتیم. برخی از کتاب‌هایی که بنده خریدم، از غرفه حراجی نمایشگاه خریداری کردم. البته از امتیازات نمایشگاه، راهروهای بسیار پهن و استاندارد آن بود که البته در همه نمایشگاه‌های بزرگ جهان این مقوله رعایت می‌شود. (البته محدودیت فضای نمایشگاهی ایران از یک سو



سهام بسیار عالی در غنای صنعت نشر آن دیار دارد، در نمایشگاه قابل لمس بود. کتاب‌های رمان با کاغذ خاص و قطع خاص و قیمت بسیار مناسب بسیار در دسترس بود.

کتاب‌های کودک و یا سبک‌های جدید را فقط به صورت ترجمه می‌توانستی ببینی. البته اگر هم بود در نمایشگاه چیزی عرضه نشده بود. من دو مقوله را بسیار پیگیر بودم و در نمایشگاه اصلاً کاری بومی ندیدم. یکی کتاب‌های وردلس بود و دیگری کتاب‌های کامیک. کتاب‌های کامیک ژاپنی چندین نوع توسط ناشران مختلف ترجمه شده بود. همچنین تن هم لای کارهای ناشران دیده می‌شد.

یکی از نکات برجسته کتاب کودک روسیه، چاپ کتاب‌های کودک روی کاغذ تحریر بود. بیشتر کتاب‌های کودک روی کاغذ تحریر چاپ شده بود. البته گرامر کاغذهای تحریرشان و یا زیر دست آن چیزی بیش از هشتاد گرم بود و کمتر از صد گرم. شاید نود گرم بود. ولی چیزی از کیفیت کتاب نمی‌کاست.

از نکات دیگر اینکه با برادران چینی مراوده خوبی داشتند و بیشتر کتاب‌های جلد سخت کودکان در چین تولید می‌شد و به روسیه می‌آمد. حتی یک روسی را که کارش همین بود و در چین اقامت داشت، ملاقات کردیم و از چندوچون کارها مطلع شدیم.

کارهای بومی کودکان کم و ترجمه‌هایی از زبان‌های متعدد بسیار بیشتر از کارهای بومی‌شان بود. یک نکته بسیار مهم در امر قیمت‌گذاری کتاب، شروع قیمت از ناشر و ختم به کتابفروشی بود. کتاب‌ها همه بدون قیمت چاپ می‌شود. و ناشر با محاسبه سهم سود خودش، کتاب‌ها را به پخش می‌فروشد. پخش هم با کشیدن سهم سود خودش روی کتاب، به کتابفروش‌ها می‌فروشد و کتابفروش‌ها هم به تناسب هزینه و موقعیت فروش، قیمت کتاب را مشخص و روی جلد لیبِل می‌چسباند. یعنی سیر قیمت‌گذاری از ناشر شروع می‌شود و به کتابفروش ختم می‌شود. ولی در ایران ناشر برای کل زنجیره توزیع تصمیم‌گیری می‌کند. کتابی را که در نمایشگاه به خاطر گران بودن نخردیم و بعد از یک ساعت تمام شده بود، در کتابفروشی با قیمت دو برابر خریدیم. برخی کتاب‌ها را در چند جا بررسی کردم و هر جا یک قیمت داشت.

کتابفروشی‌ها نوعاً کارشناس فروش داشتند. یعنی کسانی که آماده بودند، کتاب‌های خودشان را کاملاً توضیح دهند. به یک کتابفروشی بزرگ که در سه طبقه بود، رفیتم. یک میز برای کتاب‌های

پرفروش داشتند. همه رمان. تمام آنها را کارشناسی که به زبان انگلیسی مسلط بود، برای ما توضیح داد و حتی باعث شد که دوستم کتاب برادران کارامازف را خریداری نماید. البته در برخی کتابفروشی‌ها، شما با معطل ندانستن زبان انگلیسی مواجه می‌شدید.

در یک کتابفروشی، هیچ یک از کارمندان انگلیسی بلد نبودند. یک پسر بچه سیزده ساله روسی به دادم‌ان رسید. انگلیسی شسته رفته‌ای بلد بود. کاملاً خوب صحبت کرد و مشکل ما را برای خرید کتاب حل کرد. در آنجا ما بیش از چهارصد هزار تومان کتاب خریداری کردیم. جوانان روسیه به زبان انگلیسی رو آورده‌اند. اما بزرگسالان یا میانسالان قدری با انگلیسی قهر هستند. هنگام مراجعه با سطح شهر در ایتالیا نیز این مشکل را داشتیم؛ البته کمتر از روسیه. در اروپا دست‌کم انگلیسی را به رسمیت می‌شناسند و تابلوها بیشتر دو زبانه هست و زبان دوم انگلیسی است. روسیه گویا مصرّ در محو انگلیسی است. هیچ راهنمایی درستی به زبان انگلیسی نمی‌یابی. اساساً در مسکو برای توریست هیچ حسابی باز نکرده‌اند؛ حتی در مترو. البته این در مسکو خیلی هویدا بود. ظاهراً در شهرهایی چون سن پترزبورگ این مشکل کمتر است.

نکته دیگر، حضور نویسندگان در غرفه‌های ناشران بود که به‌صورت جدی پیگیری می‌شد. یعنی جایی درخور درست می‌کردند تا نویسندگان با خوانندگان ارتباط نزدیک داشته باشند. نویسنده در مورد کتابش توضیح می‌داد و در صورت مقتضی به نقد خواننده هم گوش می‌داد. همه در فضای آرام انجام می‌شد. نویسنده یا ناشر حس نمی‌کرد که نقد کتابش یعنی دشمنی. نسبت به نقدها ملایم و مثبت برخورد می‌کردند. کسی که نقد داشت، میکروفن را میگرفت و به سخن می‌پرداخت. گاهی با نویسنده شوخی هم می‌کرد، ولی هیچ کس از نقد کتاب یا نگاه نویسنده برآشفته نمی‌شد.

نکته دیگر، در مورد ناشرانی بود که اختصاصاً فقط در مورد کتاب‌های دینی کار می‌کردند. یعنی ناشرانی بودند که تمام عمرشان را برای ترویج بایبل گذاشته بودند. از بایبل نفیس چند ملیونی، داشتند تا کتاب‌های کودک و داستان‌هایی از عهدین برای نوجوانان. البته بنده بیش از دو یا سه ناشر این چنینی ندیدم.

از ناشران جهان اسلام غیر از ناشران ایرانی، من فقط یک ناشر ترک را در نمایشگاه دیدم. شاید ناشری دیگر هم بود، ولی من آنچه دیدم همان ناشر ترکیه‌ای بود.

« نکته دیگر، در

مورد ناشرانی بود

که اختصاصاً فقط در

مورد کتاب‌های دینی

کار می‌کردند. یعنی

ناشرانی بودند که

تمام عمرشان را برای

ترویج بایبل گذاشته

بودند. از بایبل نفیس

چند ملیونی، داشتند

تا کتاب‌های کودک

و داستان‌هایی از

عهدین برای نوجوانان.

البته بنده بیش از دو

یا سه ناشر این چنینی

ندیدم

کتاب باید دم دست مردم باشد



مصطفی وثوق
دبیر سرویس کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس



۹۴

خانوادة نشر
پرونده نمايشگاه مسكو
يادداشت

دوم هستند و با قیمت کم‌تری به فروش می‌رسند. از این ده‌ها در مسکو که ما دیدیم زیاد بود. در ورودی‌ها و داخل مترو هم بود در حاشیه خیابان‌ها هم که بسیار. حتی در برخی مراکز خرید به شکل تشکیل تر وجود دارند. در کنار هر دکه نیز معمولاً مشتری وجود دارد و کتابی را انتخاب می‌کند. اگر به فروشگاه‌های زنجیره‌ای مسکو سر بزنید، که ما زدیم، می‌بینید که در کنار همه ملزومات زندگی روزانه، قفسه‌های بزرگ کتاب در انواع مختلف، وجود دارد؛ تا مردم در کنار مایحتاجشان کتاب را هم بخرند و در سبد کالای خود قرار دهند. این‌ها همه در کنار شبکه قدرتمند فروشگاه‌های در مسکو و کل روسیه است که مردم را به کتاب نزدیک می‌کند.

ابتدایی‌ترین نتیجه‌ای که نگارنده از این مشاهده‌ها داشت، این بود که کتاب در وهله اول باید جلو چشم مردم باشد. مردم باید اول کتاب را ببینند، بعد هوس کنند آن را بخرند. در فروشگاه‌های زنجیره‌ای اگر اهمیتی هم‌تراز به کتاب در مقابل خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها و... داده شود، می‌توان روی این مسئله هم حساب کرد که مردم کتاب بخوانند. نمی‌شود کتابی را تبلیغ و رسانه‌ها را برای ترویج کتاب بسیج کرد، ولی خب اگر شبکه‌ای نباشد که کتاب را به مردم بدهد، این همه تبلیغ و ترویج نتیجه معکوس دارد.

چطور می‌شود مردم کتاب‌خوان شوند؟ یا این که چطور باید مردم را به کتاب‌خوانی عادت داد؟ پرسش‌های فوق البته جواب‌های طولانی دارد و عوامل بسیاری را در حوزه فرهنگ و اقبال خود را درگیر می‌کند. قصد من نیز در این مجال پاسخ به این سؤال‌ها نیست. این سؤال‌ها از آن باب در ابتدای این یادداشت آمد که می‌خواهم یک نمونه مشاهده تجربی را در این مجال بازگو کنم.

در دهه اول شهرریور بود که ایران به‌عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب مسکو حضور پیدا کرد و به تبع آن، خبرنگاران و اهالی کتاب نیز در این رویداد شرکت کردند. می‌دانیم که روسیه در میان کشورهای دارای سرانه مطالعه در رتبه دوم قرار دارد و با این که در چند سال اخیر، آمار مطالعه‌شان نزول کرده و به حدود یک ساعت و ۱۵ دقیقه رسیده است، باز هم درصد بالایی از مردم این کشور مطالعه را دستور کار خود دارد.

در شهر مسکو که قدم بزنی، دیدنی‌های زیادی وجود دارد، اما اگر اهل کتاب باشی و خبرنگار، وجود ده‌های کتاب در حاشیه خیابان در فواصل کم در مکان‌های مختلف توجهت را به خود جلب می‌کند. دهه‌هایی شبیه دهه‌های روزنامه‌فروشی که مردم را به خود صدا می‌زند، جلوتر که بروی متوجه می‌شوی که این کتاب‌ها دست





هزینه‌های میلیاردی برای نمایشگاه‌های بین‌المللی؛ به چه قیمتی؟

این نمایشگاه‌ها بوده است.

طبیعی است که این سفرها هزینه‌های گزافی را به دولت تحمیل می‌کند. هرچند هنوز آمار دقیقی از میزان این هزینه‌ها در دست نیست، یک حساب سرانگشتی ساده کافی است تا میزان تقریبی اعداد و ارقام به‌دست بیاید و همین اعداد و ارقام تقریبی هم، ولو با ضریب خطای بالا، باز هم گراف بودن این هزینه‌ها را نشان می‌دهد. اما هیچ‌گاه هیچ آمار دقیقی از این هزینه‌ها منتشر نمی‌شود و فضای فرهنگی کشور از آنها اطلاع دقیق نمی‌یابد. هزینه‌های گزافی که گاهی با پرداخت بیش از نرخ معمول هم انجام می‌گیرد، سؤالاتی جدی در ذهن ایجاد می‌کند.

فراتر از هزینه‌های گزاف انجام‌شده برای این سفرها، مقایسه هزینه‌ها و دستاوردهای سفر هم نتیجه‌های جالبی را به ذهن متبادر می‌کند. به هر حال کسانی هستند که معتقد هستند حوزه مزیت بین‌الملل جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه کتاب، بیش از اینکه فرانکفورت و بولونیا و... باشد، کشورهای فارسی‌زبان منطقه و پس از آن کشورهای اسلامی دیگر هستند که سرمایه‌گذاری

رضاها - عقل ایجاب می‌کند که پیش از انجام هر کاری، سود و زیان آن سنجیده شود. بنابراین باید هر کاری به‌صورت حساب‌شده‌ای بررسی شود تا هزینه و فایده‌های آن مورد ارزیابی قرار گیرد. فراتر از بحث هزینه فایده، ما با بحث هزینه فرصت هم مواجه هستیم که در آن انتخاب بهترین گزینه مطرح است. در این بحث شما باید با هزینه‌ای که پرداخت می‌کنید، بهترین انتخاب را داشته باشید تا مبادا ضرر کنید. یعنی مثلاً وقتی شما تصمیم می‌گیرید سری به کتابفروشی‌های انقلاب بزنید و کتابی بخرید باید علاوه بر مبلغ خرید و هزینه رفت و آمد، هزینه فرصتی را هم که از دست می‌دهید، حساب کنید تا ببینید آیا صرف می‌کند مثلاً برای یک کتاب ۱۰ هزار تومانی ۱۰۰ هزار تومان هزینه فرصت بپردازید؟ این مقدمه را گفتم تا به یک بحث مغفول بپردازم و آن هزینه‌ای است که ما برای حضور در نمایشگاه‌های کتاب کشورهای دیگر می‌پردازیم.

هر ساله، افراد بسیاری از ایران، به نمایشگاه‌های کتاب خارجی، نظیر فرانکفورت، بولونیا، پاریس و... اعزام می‌شوند و در سالیان اخیر، ایران یک پای ثابت



آیا حضور ما در افغانستان هم‌زبان، کافی است؟ تاجیکستان و... را چه کرده‌ایم؟ چقدر برای این حوزه مزیتی خود، خرج کرده‌ایم؟

این تازه سؤال از «هزینه‌فایده» است و ما هنوز صحبتی از «هزینه‌فرصت» به میان نیاورده‌ایم. آیا تا به حال از خودمان پرسیده‌ایم که با هزینه یک سال نمایشگاه فرانکفورت چه کارهایی در داخل کشور می‌توان کرد؟ وقتی ما در داخل مشکلات زیرساختی جدی در حوزه نشر داریم و مثلاً با یک میلیارد تومان، نه هزینه، بلکه وام به ناشران و کتابفروشان و موزعان می‌توانیم نفس تازه‌ای به نشر بدهیم، چه لزومی دارد این رقم را هزینه یک سفر چند روزه به فرانکفورت کنیم و دست آخر هم جز صادرات پسته و کباب ایران، کار قابل توجه چندانی نکرده باشیم؟ وقتی در حال حاضر، یکی از مشکلات اصلی نشر ما نبود نقدینگی ناشران است، و بسیاری از ناشران لنگ سه میلیون و چهار میلیون تومان هستند، چه لزومی دارد این همه هزینه را صرف سفر به مسکو کنیم و چیز خاصی برای عرضه نداشته باشیم؟ از اعتبار این هزینه‌ای که خرج سفر به مسکو و فرانکفورت می‌شود، به چند کتابفروشی می‌توان وام بلندمدت کم‌بهره داد تا قدری توزیع و فروش کتاب در کشور جان بگیرد؟

و ما هنوز پاسخ جدی به این پرسش‌ها نشنیده‌ایم.

بایسته‌ای بر روی آنها انجام نشده و نمی‌شود. کتاب‌های فارسی‌زبان و حاوی اندیشه‌های ایرانی، بیش از آنکه در اروپا خریدار داشته باشد، در منطقه خودمان و در میان مسلمانان خریدار دارد و ما عملاً هیچ‌گاه به صورت جدی به آن فکر نکرده‌ایم و برای آن برنامه‌ریزی نداشته‌ایم.

با همه این تفاسیر، خوب است یک نفر پاسخ بدهد که در سال‌هایی که هزینه‌های میلیاردی برای سفر به مسکو و فرانکفورت و بولونیا و پاریس کردیم، چه تعداد کتاب مقوم فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را به خارج از مرزها صادر کرده و به مخاطبان غیرایرانی رسانده‌ایم؟ چند رایت کتاب فروخته‌ایم؟ این همه دید و بازدیدی که در آمارهایمان اعلام می‌کنیم، در چند مورد به نتیجه نهایی منجر شده است؟ با چه تعداد از ناشران هم‌جبهه جمهوری اسلامی ایران در دنیا ارتباط برقرار کرده و شبکه ساخته‌ایم؟ کجا قدرت رایزنی خود را افزایش داده‌ایم؟ وقتی به این سؤالات به صورت جدی فکر می‌کنیم، می‌بینیم ماجرا به یک تراژدی غم‌بار می‌ماند. خوب است، گزارشی واقعی از دستاوردهای حضور ایران در این دست نمایشگاه‌ها ارائه شود تا متوجه شویم چه چیزی به دست آورده‌ایم؟ به راستی این همه ذوق و شوق برای رفتن به این نمایشگاه‌ها از کجا ناشی می‌شود؟ چرا ذوقی که برای رفتن به فرانکفورت و بولونیا وجود دارد، برای رفتن به بصره و بغداد وجود ندارد؟ چرا پاکستان را دریافته‌ایم؟

اسوه‌ها ۳

گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن یادشدها
کمتر از شهادت نیست.

مقام معظم رهبری دام عزّه

این مجموعه شامل ۱۰ کتاب است که در ۱۰ جلد منتشر شده است.

سید حسن شکر
نشر ۷۲
صفحه ۲۹۶

نونی صفر



علیرضا قزوه
انتشارات سوره مهر
صفحه ۲۲۰

قطار اندیمشک



محمد حسین قدمی
انتشارات سوره مهر
صفحه ۴۲۱

جشن حنابندان



داوود امیریان
انتشارات سوره مهر
صفحه ۱۱۲

رفاقت به سبک تانک



خداوندی بنهای عمومی کشور

فرهاد خضری و دیگران
انتشارات رایت فتح
مجله ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

مجموعه‌ای از چشم‌ها



اصغر کاظمی
انتشارات سوره مهر
صفحه ۸۲۲

دسته یک؛
بازروایی خاطرات شب عملیات



محبوبه شعر اخی پور
انتشارات قاتحان
صفحه ۲۲۲

عباس دست طلا
داستانی از زندگی حاج عباس علی باقری



پونه نیکوی
انتشارات هزاره ققنوس
صفحه ۲۴

انار سبز زیتون سرخ





پویش مطالعاتی روشنا #من_هم_سرباز_حسینم

مردم سرباز

حسینم

بخشی از کتاب نامیرا:

مرد خلوت بود لختی صکت کرد و دوباره رو به جملک، برگشت و گفت:

دو نفر! هر کز برای لقمه خویش تکلیف معین نمی‌کنند، آنه تکلیف خود را از حسین می‌برسم و من حسین را نه

فقط برای خلافت که بر این هدایت می‌خواهد و من... حسین را برای تنهایی خویش نمی‌خواهم، که تنهایی خویش

را برای حسین می‌خواهم.

همراه با صدها جایزه ارزنده:

عتبات عالیات، سکه، موبایل و تبلت و...

[INSTAGRAM.COM/RUSHANAFESTIVAL](https://www.instagram.com/rushanafestival)

روش های تهیه کتاب:

کتابفروشی های سراسر کشور

خرید آنلاین:

ارسال عدد ۷۲ یا "نامیرا" به شماره ۳۰۰۰۳۳۰۰۶۹۹۲

خرید تلفنی: تماس با شماره ۰۲۵۳۱۰۷۴

خرید اینترنتی: مراجعه به سایت rushana.ir

